

ترجمان عکس



گزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان حضرت امام خمینی (ره)
درباره‌ی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام
و گزیده‌ی بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام



ترجمان عترت

گزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان حضرت امام خمینی قدس سره

درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

و گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

ویژه پنجمین اجلاس مجمع عمومی
مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام



ترجمان عترت



گزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان حضرت امام خمینی (ره)
درباره‌ی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام
و گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام



گردآوری و نظارت: سید علیرضا حسینی (عارف)

تنظیم: اداره کل اطلاع‌رسانی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری ابناء الرسول (ص) تهران - وابسته به مجمع

طراح جلد: محمود کریمی

صفحه آرا: قاسم بغدادی

بازیابی و نمایه: روح‌الله شهاب، محمدعلی مصلحی عراقی، علیرضا مقدم دیمه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

چاپ: مجاب

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۷۱۷-۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۷۱۷-۴

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، طبقه ششم، مؤسسه ابناء الرسول (ص)

تلفن: ۸۸۹۵۰۹۳۰ - ۸۸۹۵۰۸۹۸ - ۰۲۱ - فاکس: ۸۸۹۵۰۸۹۸ - ۰۲۱

مرکز پخش: قم، بلوار جمهوری اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت (ع) - تلفن: ۲۱۴۱۳۰۹ - ۰۲۵۱

www.ahl-ul-bayt.org - info@ahl-ul-bayt.org

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۱.....	فصل اول (گزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان امام خمینی(ره) درباره اهل بیت)
۱۳.....	بخش اول (پیامبر(ص) و عترت(ع) در کلام امام خمینی)
۱۵.....	پیامبر اعظم ﷺ
۲۹.....	امیرالمؤمنین علی ﷺ
۷۱.....	حضرت فاطمه زهرا ﷺ
۷۷.....	بقیه اهل بیت ﷺ
۱۲۳.....	بخش دوم (آموزه‌های عترت(ع) در کلام امام خمینی)
۱۲۵.....	ادعیه مأثوره از اهل بیت ﷺ
۱۳۳.....	اهل بیت ﷺ و حکومت اسلامی
۱۳۹.....	اهل بیت ﷺ و وحدت اسلامی
۱۴۲.....	اهل بیت ﷺ و بیداری اسلامی
۱۴۵.....	وظایف پیروان اهل بیت ﷺ
۱۴۹.....	فصل دوم (گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجمع)
۱۵۱.....	بخش اول (مجمع جهانی اهل بیت(ع) در کلام رهبری)
۱۵۳.....	اهداف مجمع جهانی اهل بیت ﷺ
۱۵۹.....	اهمیت عضویت در مجمع جهانی اهل بیت ﷺ
۱۶۱.....	الهی بودن کار مجمع جهانی اهل بیت ﷺ
۱۶۳.....	وظایف مجمع جهانی اهل بیت ﷺ
۱۷۱.....	مجمع جهانی اهل بیت ﷺ و وحدت اسلامی
۱۸۳.....	بخش دوم (آموزه‌های عترت(ع) در کلام رهبری)
۱۸۵.....	اهمیت محبت و معارف اهل بیت ﷺ
۲۰۳.....	جمهوری اسلامی ایران؛
۲۰۳.....	پرچمدار مکتب اهل بیت ﷺ
۲۱۱.....	انتظارات از مجمع جهانی اهل بیت ﷺ
۲۱۹.....	اهل بیت ﷺ و بیداری اسلامی
۲۲۳.....	وظایف پیروان اهل بیت ﷺ
۲۳۱.....	فهرست نمایه‌ها
۲۳۳.....	فهرست آیات
۲۳۳.....	فهرست روایات
۲۳۵.....	فهرست اعلام
۲۳۹.....	فهرست اماکن

مقدمه

پیامبر اعظم حضرت محمد مصطفی ﷺ در آخرین وصایای خود به امت اسلام، آنان را به پیروی از دو گوهر گرانبها اندرز داد: قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

بنا بر این وصیت، عترت پیامبر ﷺ عدل کلام الله و مرجع دین‌مداران جهان‌اند که بسان قرآنی ناطق، شوون دین و دنیای آنان را به سوی کمال هدایت می‌کنند.

هم‌اینک بیش از دویست و پنجاه میلیون از مسلمانان جهان با پیروی از آن وصیت، در باورها و مناسک خود، از این ائمه هدایت علیهم السلام تبعیت می‌کنند و مفاهیم قرآن و سنت را، به قرائت آنان، در زندگی خویش جاری می‌سازند. این ده‌ها میلیون شیعه اهل بیت علیهم السلام بسان هر جمع دینی دیگری در جهان، نیازمند تشکلات و تجمعاتی برای سامان دادن به امور مختلف دین و دنیای خود بوده و هستند.

از این رو بود که دو دهه پیش مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک سازمان بین‌المللی و غیر دولتی، به دست جمعی از نخبگان شیعه جهان و تحت اشراف مرجعیت عالی جهان تشیع تأسیس شد تا رسالت خطیر معرفی اسلام ناب، نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، استحکام بخشیدن به وحدت اسلامی و شناسایی، سازماندهی، آموزش و پشتیبانی از پیروان و علاقمندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را عهده‌دار گردد.

بدیهی است که انجام صحیح این وظایف بزرگ، بدون داشتن ترجمانی که با شناخت کامل از سیره و سخن عترت، «راهنما» و «راهنبرد کلی» را برای رهپویان مشخص سازد دست‌یافتنی نیست؛ و بی‌شک یکی از بهترین منابعی که می‌تواند مدیران و کارکنان مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و نیز دست‌اندرکاران ده‌ها مجمع و مرکز اهل‌بیتی مرتبط با مجمع در سراسر جهان را در تشخیص راه و راهنبرد صحیح یاری کند، بیانات و رهنمودهای حضرت امام خمینی قدس سره و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است؛ یعنی دو عالم روشن‌بین و فرزانه‌ای که در عصر بازگشت دوباره به اصالت و هویت اسلامی، «ترجمان سیره عترت» و «پرچمدار بیداری امت در سایه مکتب اهل بیت علیهم السلام» هستند.

بنابر آنچه گذشت، کتاب حاضر تدوین گردیده است تا خطوط اصلی حرکت مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و مجامع، مراکز، مؤسسات و رسانه‌های وابسته یا مرتبط با آن را روشن سازد.

درباره تبویب و محتوای این کتاب، ذکر نکات زیر مناسب به نظر

می‌رسد:



۱. در بخش اول کتاب گزیده‌ای از بیانات و نوشته‌های قائد عظیم‌الشان انقلاب اسلامی و امام راحل امت حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی علیه السلام آمده است. این جملات گهربار گذشته از تیمن و تبرکی که به این کتاب می‌بخشند، هر یک نشان‌دهنده راهبرد پیروان دین مبین اسلام و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در مسیر نشر معارف و بیداری اسلامی هستند.

منبع جملات حضرت امام علیه السلام در ذیل هر صفحه ذکر گردیده است. ضمن اینکه صحت و دقت آنها به وسیله کارشناسان "مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)" نیز تأیید و مجوز لازم صادر شده است.

۲. خوشبختانه اعضای مجمع عمومی و شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام این افتخار را داشته‌اند که در طول دو دهه گذشته به شکل دوره‌ای به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رسیده، از رهنمودهای ایشان بهره‌مند گردند؛ و این سخنان، امروز روشن‌کننده راه اعضای مجمع است. لذا در بخش دوم کتاب بیاناتی که در این دیدارها از سوی رهبر معظم انقلاب درباره مأموریت‌ها و اهداف مجمع ایراد شده است طبقه‌بندی گردیده و در ذیل موضوعات مرتبط منتشر شده است؛ تا راهنمای سالکان این طریق باشد.

در تنظیم این بیانات، سخنرانی‌هایی که در پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی دفتر معظم له درج شده، مطابق با همان متون آمده است. چند سخنرانی و دیدار که تاکنون در این سایت نیامده است نیز از نوار این دیدارها پیاده

شده و در نشر آنها با "دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای" هماهنگی گردیده است.

۳. به لحاظ حساسیت کار، تنظیم این مجموعه نیاز به دقت، امانت و نظارت زیادی داشت. از این رو همکاران اینجانب در مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - مخصوصاً در اداره کل اطلاع‌رسانی - نهایت تلاش خود را در این زمینه مبذول داشتند. لذا لازم است که از تک‌تک این عزیزان - بویژه آقای «سعید مهدیان» که با حوصله، موارد مختلف را بارها پیگیری و اصلاح کرد - سپاس‌گزاری نمایم؛ سعیه‌م مشکور.

همچنین لازم است از «حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین اختری» دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) تشکر نمایم؛ که چاپ این کتاب - و ترجمه آن به چند زبان مهم دنیا - مرهون پیگیری‌ها و ارشادات ایشان بوده است.

۴. در پایان از خوانندگان فرهیخته استدعا دارم نواقصی که در تنظیم این کتاب احساس می‌کنند را گوشزد و یا سخنانی که ممکن است جای آن در این مجموعه خالی باشد را یادآوری نمایند.

اداره کل اطلاع‌رسانی مجمع جهانی اهل بیت (ع)

سید علیرضا حسینی عارف

شهریور ۱۳۹۰

فصل اول

گزیده‌ای از نوشته‌ها و سخنان

حضرت امام خمینی قدس سره

درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

بخش اول

پیامبر ﷺ و عترت علیهم السلام
در کلام امام خمینی قدس سره

پیامبر اعظم ﷺ

✽ صلوات و سلام خداوند بر رسول خدا پیامبر عظیم الشان که یک‌تنه قیام فرمود در مقابل بت‌پرستان و مستکبرین، و پرچم توحید را به نفع مستضعفین به اهتزاز درآورد، و از قلتِ عُدّه و عدد نهراسید، و با عده قلیل، بدون ساز و برگ جنگی کافی و با نیروی ایمان و قوتِ تصمیم، بر سرکشان و ستمکاران تاخت، و نَسَدای توحید را در کمتر از نیم قرن بر بزرگ‌ترین معمورهٔ جهان به گوش جهانیان رساند.^۱

✽ پیغمبر اسلام ﷺ تنها قیام فرمود و در یک محیطی که همه با او مخالف بودند، قیام فرمود و زحمت‌های زیاد، مشقت‌های زیاد، رنج‌های فراوان برد تا اینکه اسلام را به مردم ابلاغ فرمود. دعوت کرد مردم را به هدایت؛ دعوت کرد به توحید. آنقدر مشقت ایشان

تحمل فرمود که گمان ندارم کسی طاقت آن را داشته باشد. بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسلمین به وظایف خودشان تا یک حدودی عمل کردند؛ اسلام را تقویت کردند؛ توسعه دادند اسلام را، تا اینکه یک مملکت بزرگ اسلامی در دنیا تشکیل شد که بر همه ممالک مقدم بود.^۱

* پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند؛ می‌خواست تمام ممالک دنیا را در تحت یک کلمه توحید، در تحت کلمه توحید تمام ربع مسکون را قرار بدهد، متنها اغراض سلاطین آنوقت از یک طرف و اغراض علمای نصارا و یهود و امثال ذلک از طرف دیگر سد شد؛ مانع شد از اینکه ایشان بتوانند آن کار را انجام بدهند. الآن هم سد است؛ الآن هم آنها مانع هستند؛ الآن هم گرفتاری ما برای خاطر آنهاست؛ الآن هم یهود مانع هستند که اسلام ترویج بشود؛ الآن هم نصارا مانع هستند که اسلام را، آنطور که هست، معرفی کنند.^۲

* برنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از مهاجرت به مدینه، روزهایی که در مکه به سر می‌بردند، فقط تبلیغ إلى الله و معرفی ذات مقدس حق تعالی و معرفی اسلام بود. یاورانی نداشتند تا بتوانند با کمک آنان با مشرکین بجنگند و اسلام را گسترش دهند؛ و همانطور که در قرآن

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲.

ملاحظه می‌فرمایید، سوره‌هایی که در مکه نازل شده فقط جنبه پند و موعظه و معرفی اسلام را دارد و از جنگ و جدال صحبتی نیست و حتی احکام در آن کمتر ذکر شده.^۱

✽ آن وقتی که پیغمبر اکرم در حجاز بودند، قدرتمندهای حجاز که ابتدائاً سر و کار داشته پیغمبر با آنها؛ یک دسته‌شان در مکه بودند که تجار خیلی معتبر و قدرتمند بودند؛ یک دسته‌شان در طایف بودند که آنها هم ثروتمندهای آنجا بودند و قدرتمندهای آنجا بودند، ابوسفیان و امثال اینها. اینها نظیر حکام و سلاطین بودند و دارای همه چیز بودند، و پیغمبر اسلام با آنها در افتاد. وقتی که تشریف آوردند به مدینه، با همین فقرا بودند ایشان؛ نه با ثروتمندها بودند برای خواب کردن جمعیت. با فقرا بودند برای بیدار کردن فقرا. این فقرا را شوراندند به آن اغنیایی که مال مردم را می‌خوردند و ظلم به مردم می‌کردند. جنگ‌های پیغمبر زیاد است و همه‌این جنگ‌ها، جنگ‌های با ثروتمندها و قدرتمندها و ظلمه^۲ بوده است.^۳

✽ خدای تبارک و تعالی هیچ احتیاجی به اعمال ما و به خود ما ندارد؛ انبیا هم احتیاج به من و شما و به اعمال ما ندارند؛ تمام زحماتی که انبیا کشیدند، وقتی که ما کیفیت زندگی آنها را مطالعه

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۱۰.

۲. ظلمه: ظالمان.

۳. صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۸ - ۱۹.

کنیم؛ زندگی حضرت موسی، حضرت عیسی - سلام الله علیهما - را و خصوصاً زندگی حضرت رسول اکرم و پیغمبر خودمان را اگر ملاحظه کنید و به تاریخ اسلام و به تواریخی که حکایت از اینها کردند و از زندگی شان کردند، مراجعه کنید، می فهمید که اینها تشکیل حکومت بعضی شان دادند، احکام حکومتی دارند، لکن خودشان وقتی به زندگی شان مراجعه کنید، می بینید که اصلاً مثل رؤسای جمهوری و سلاطین این عالم اصلاً نبودند؛ یک شکل دیگر، یک وضع دیگر داشتند. در عین حالی که مثلاً حضرت رسول، جزیره العرب و بعضی از ممالک دیگر هم در زمانشان تحت لوای ایشان بوده است، در عین حال، خودشان وقتی زندگی شان را، کیفیت معاشرتشان را، ملاحظه می کنیم، می بینیم که اصلاً این طور مسائلی که رئیس کلانتری یک ناحیه داشته، ایشان ندارد. چون که الآن سلطان حجاز است و فرمانفرمای حجاز است، وقتی که توی مسجد نشسته است و رفقای خودش، اصحاب خودش نشسته اند، آدم هایی که از خارج می آیند نمی توانند بفهمند که کدام یکی از اینها، آن پیغمبری است که رئیس اینهاست و کدام سایرین هستند. معاشرتش این طور بوده است. خیال نکنید روی همچو مسندی که حالا من پیرمرد را شما نشانده اید، او هم روی مسند نشسته باشد؛ او روی همانجایی که شما نشسته بودید، همان جوری نشسته بوده است که وقتی از خارج می آمدند، نمی فهمیدند

که این پیغمبر است یا آنکه کی. وضعش اینطور بوده است. این طور نبوده که مثل رئیس جمهورهای حالا اگر کسی بخواهد خدمتشان برسد باید مدتها زحمت بکشد.^۱

* کسی که یک مقداری آشنا باشد به منطق قرآن، می‌بیند که این قرآن است که وادار کرد پیغمبر اسلام را به‌اینکه با این سرمایه‌دارها دائماً در جنگ باشد. با این کسانی که در حجاز و در طائف و در مکه و اینها، سرمایه‌دار بودند و صاحب قدرت و اشخاص قلدری بودند که قدرتمند بودند. قرآن بود که پیغمبر اکرم را وادار کرد به‌اینکه با این مردمی که با ملیت مردم، با منافع توده‌های مردم، مخالف هستند و استثمار می‌کنند اینها را، با اینها باید جنگ بکنید و تعدیلی حاصل بشود.

جنگ‌هایی که پیغمبر در زمان حیاتشان فرموده‌اند، بعد از اینکه اسباب جنگ فراهم شد برایشان، این جنگ‌ها همیشه با زورمندها بوده است؛ با آنها، مثل ابوسفیان و امثال آنها که قدرتمندها بودند، و اینها منافع ملت‌ها را، ملت خودشان را، می‌خواستند برای خودشان [غارث] بکنند؛ و ظلم و ستمکاری و بی‌عدالتی رایج بوده است؛ و جنگ‌هایی که واقع شده، بین مستضعفین بوده و این مردم طبقه سه، این فقرا با این زورمندها و این‌هایی که می‌خواستند حق فقرا را بخورند؛ و لسان قرآن و آیاتی که در باب جنگ - جنگ با این



مشرکینی که آن وقت دارای قدرت بودند - آیاتی که وارد شده است، یکی و دو تا نیست؛ بسیار آیات در [باب] جنگ هست و در جدال با اینها؛ و در تمام قرآن اگر پیدا بکنید یک آیه‌ای که مردم را بگویند با این‌ها ملایمت کنید و بروید توی خانه‌تان بنحویست تا اینها هرکاری [می]خواهند بکنند، بکنند؛ اگر این جور پیدا شد، آن وقت حق دارد کسی بگوید که این قرآن آمده است و دین آمده است، افیون است؛ افیون معنایش این است که مثل تریاک، این مواد مخدره که استعمال می‌کنند و انسان بعد از استعمالش به چرت می‌رود، قرآن آمده است که مردم را به چرت وادار کند!^۱

* حکومت «جمهوری اسلامی» مورد نظر، ما، از رویه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید.^۲

* تشیع که مکتبی است انقلابی و ادامه اسلام راستین پیامبر صلی الله علیه و آله است همچون خود شیعیان، همیشه مورد حملات ناجوانمردانه مستبدین و استعمارگران بوده است. تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۱۴.

۲. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۲۴.

رفیع انسانی خود قرار می‌دهد. ما پیشرفت‌های دنیای غرب را می‌پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می‌کنند نه.^۱

✽ روش پیامبر اسلام نسبت به امور داخلی مسلمین و امور خارجی آنها، نشان می‌دهد که یکی از مسئولیت‌های بزرگ شخص رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مبارزات سیاسی آن حضرت است. شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و نیز حسین علیه‌السلام و حبس و شکنجه و تبعید و مسمومیت‌های ائمه علیهم‌السلام همه در جهت مبارزات سیاسی شیعیان، علیه ستمگری‌ها بوده است. و در یک کلمه مبارزه و فعالیت‌های سیاسی بخش مهمی از مسئولیت‌های مذهبی است.^۲

✽ کافی است شما به زندگی پیامبر بزرگ اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز زندگی امام علی علیه‌السلام نگاه کنید که هم یک رهبر مذهبی هستند و هم یک رهبر سیاسی. و این مسئله در فرهنگ شیعه از مسائل بسیار روشن است و هر مسلمان شیعی وظیفه یک رهبر مذهبی و دینی می‌داند که در سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه مستقیماً دخالت کند و هدایت و نقش تعیین کننده خود را انجام دهد. مفهوم مذهب و رهبر مذهبی در فرهنگ اسلامی بسیار تفاوت دارد از مفهوم آن در فرهنگ شما که مذهب صرفاً یک رابطه شخصی و معنوی است بین انسان و خدا. و از این رو مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۰۸.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۸.

نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بوده است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد.^۱

* باید مملکت اسلامی به پیغمبر اسلام و ائمه اسلام اقتدا بکنند. همانطور که آنها سیره‌شان یک سیره محبت‌آمیز بود^۲ نسبت به برادرهاشان، نسبت به مردم، نسبت به مسلمین، باید ماها هم که تبع آنها هستیم، همین سیره را داشته باشیم و جدیت کنیم که جوان‌ها اینطور بار بیایند، اسلامی بار بیایند. جوانها اگر اسلامی بار آمدند، اینها امین خواهند بود. اگر اسلامی بار آمدند اینها خیانت نخواهند کرد، و اینها مفید خواهند بود برای مملکت. و من امیدوارم که خداوند همه شما را توفیق بدهد، سلامت بدهد، تأیید کند.^۳

* زندگی پیغمبر اکرم معلوم است برای همه که چه جور بوده است معارض‌های او و جنگهای او، معلوم است با کی جنگ کرده. پیغمبر اکرم در مکه مکرمه از همین طبقه مردم البتّه از اشراف [بود] به آن معنا که «سادات» آنوقت بودند؛ نه اشراف به آن معنا که سرمایه دار بودند؛ به آن معنا که سادات بودند، از آنها بود، لکن فقیر^۴ بود. از

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۸۹.

۲. آل عمران، ۱۵۹ و قلم، ۴.

۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۹.

۴. ضحی، ۸.



طبقه فقرا بودند اینها. تا آخر هم با همین فقر زندگی کردند و مع ذلک این کارها را انجام دادند. از همین طبقه در مکه پیدا شد، و اشراف مکه و سرمایه دارها و قافله دارها و این‌ها با او مخالفت کردند. به اندازه‌ای که نمی‌توانست دیگر آفتابی بشود، توی غار رفت، تقریباً در غار محبوس بود آنجا تقریباً تا کارهای تبلیغات زیرزمینی را اینجا کرد؛ یک عده‌ای را با خودش همراه کرد و بعد دید اینجا زورش به‌اینها نمی‌رسد، با مردم مدینه بست و بند کرد، و تشریف بردند مدینه. در مدینه هم که رفتند، وارد نشدند به یک طایفه چیز دار، به همین فقرا؛ به همین مردم ضعیف. مسجد پیغمبر اکرم هم مثل این مسجدهای شما نبوده است. مسجد اعظم، یک جای کوچکی، یک سقفی با این لیف‌های خرما یک چیزی درست کرده بودند. یک دیوار این قدری هم برای اینکه مثلاً حیوانات وارد نشوند، با یک چیزی یا گلی از همین‌ها درست کرده بودند. اما سرنوشت اسلام را یک همچو مسجدی درست می‌کردند، مسجد بود، همچو نبود که قبه و بارگاه باشد بعد میان‌تهی! از آن تشریفات خالی بود، لکن از همان جا روم و ایران را شکست دادند، هرچه هم بخواهند اینها گریه کنند.

پیغمبر اکرم از همین طبقه پایین [بود] به طوری که وقتی هم مدینه تشریف بردند، باز اصحابی ایشان داشتند که خانه نداشتند، هیچ خانه نداشتند و در مسجد می‌خوابیدند. یک صفه‌ای بود که



«اصحاب صفّه» می‌گفتند، عده‌ای آنجا پهلوی هم همان‌جا می‌خوابیدند؛ زندگیشان همان بود، زندگی نداشتند. وقتی هم می‌خواستند جنگ بروند، هر چند نفرشان یک شتر، هر چند نفرشان یک شمشیر، این جوری بود وضعشان، هیچ خبری نبود در کار، از این طبقه بودند، مقابل کی؟ جنگ‌های پیغمبر با کی بوده؟ آیا پیغمبر آمده این طبقه مستضعف را خواب کند که آنها بمکندش؟! یا آمد و این طبقه ضعیف را، این مستضعفین را برانگیخت؟ جنگ‌های پیغمبر همه‌اش با همین اشراف بود و با همین باغدارها و با همین سرمایه‌دارها و با همین‌ها، و بعد هم با سلاطین و با کسان دیگر.^۱

* بعد از رسول اکرم کسی افضل از او در هیچ معنایی نیست و نخواهد بود. لکن در مراتب بعد هم که باید این امت هدایت بشود، پیغمبر اکرم که از دنیا می‌خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشینها را تا زمان غیبت کرد، و همان جانشینها، تعیین امام امت را هم کردند، به طور کلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند، برای آنها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند، تا ائمه هدی - سلام الله علیهم - بودند، آنها بودند و بعد فُقُها؛ آنهایی که متعهدند، آنهایی که اسلام شناس‌اند، آنهایی که زهد دارند؛ زاهدند، آنهایی که اعراض از دنیا دارند، آنهایی که توجه به زرق و برق دنیا

ندارند^۱، آنهایی که دلسوزند برای ملت، آنهایی که ملت را مثل فرزندهای خودشان می‌دانند؛ آنها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت^۲.

✽ برکت وجود رسول اکرم برکتی است که در سرتاسر عالم از اول خلق تا آخر یک همچو موجود با برکت نیامده است و نخواهد آمد. اشرف موجودات و اکمل انسان‌ها و بزرگ‌تر مربی بشر؛ این وجود مبارک است. و مبین احکام اسلام و ایده‌های رسول اکرم، ذریه مطهر ایشان و خصوص «حضرت جعفر بن محمد صادق» هستند.^۳

✽ اسلام عزیز این حق را به ما همه دارد که در راه او هر جانفشانی که می‌توانیم و هر اقدامی که می‌توانیم بکنیم. ما باید در این امور از پیغمبر اکرم و از ائمه هدی که در طول مدتشان یا در جنگ بودند یا کفار و یا در حبس بودند به دست اشخاصی که با اسم اسلام آنها را به حبس و زجر می‌کشیدند، سرمشق بگیریم و به آنها اقتدا بکنیم. اسلام عزیز چیزی است که پیغمبر اکرم در راه او جانفشانی کرد و ائمه هدی در راه او جانفشانی کردند و یاران پایدار پیغمبر در راه او

۱. اشاره به توقیع امام زمان (عج) که فرمود: «من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهواه، مطيعاً لأمر مولاه، فللعوام أن يقلدوه؛ هر کس از علما که مراقب نفس خود بود، محافظ دین بود، با هوای نفس خود مخالفت می‌کرد و گوش به فرمان مولای خود بود، پس بر عوام است که از او تقلید کنند. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۴؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، آل البیت، ج ۲۷، ص ۱۳۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۷.

جانفشانی کردند. و ما نیز باید به آنها اقتدا کنیم. و از اینکه جنگ طولانی شده است نهراسیم که جنگ به نفع اسلام است.^۱

✽ رسول اکرم در آن وقتی که تنها بود و هیچ کس با او نبود، آلا یک نفر، دو نفر، در آن وقت با وحی الهی مردم را دعوت کرد؛^۲ منتظر نشد که عده و عده زیاد پیدا کند، منتظر نشد که جمعیت‌ها همراه او باشند. از همان اول شروع به دعوت کرد، و شروع به دعوت مردم برای گرویدن به اسلام و برای پیدا کردن راه حق فرمود. آن وقت هم که به مدینه تشریف آوردند و تشکیل حکومت دادند، باز هم منتظر این نشدند که قدرت زیاد پیدا بکنند. باز هم دعوت خودشان را بطور گسترده‌تری بجا آوردند، و مردم را به وظایف شخصی و اجتماعی، سیاسی دعوت کردند.^۳

✽ اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام ﷺ مسائل افسانگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی علیه السلام شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی؛ و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به

۱. صحیفه/امام، ج ۱۴، ص ۲۹۸ - ۲۹۹.

۲. سبا، ۴۶.

۳. صحیفه/امام، ج ۱۸، ص ۴۲۱.

۴. اشاره به حدیث معروف پیامبر(ص) که فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي». بحارالانوار، مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۰۸؛ جامع، ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲ حدیث ۳۷۸۶.



حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند و ندای «أَنْتَ تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ» در گوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را - که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است - از صحنه خارج کردند؛ و بر حکومت عدل الهی - که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست - خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه‌گذاری کردند، تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است.^۱

۱. وصیتنامه سیاسی - الهی.

امیر المؤمنین علی علیه السلام

* درباره شخصیت علی بن ابی طالب، از حقیقت ناشناخته او صحبت کنیم، یا با شناخت محبوب و مهجور خود؟ اصلاً علی علیه السلام یک بشر ملکی و دنیایی است که ملکian از او سخن گویند؟ یا یک موجود ملکوتی است که ملکوتیان او را اندازه گیری کنند؟ اهل عرفان درباره او جز با سطح عرفانی خود، و فلاسفه و الهیون جز با علوم محدوده خود با چه ابزاری می خواهند به معرفی او بنشینند؟ تا چه حد او را شناخته اند تا مهجوران را آگاه کنند؟ دانشمندان و اهل فضیلت و عارفان و اهل فلسفه با همه فضائل و با همه دانش ارجمندشان آنچه از آن جلوه تام حق دریافت کرده اند، در حجاب وجود خود و در آینه محدود نفسانیت خویش است و مولا غیر از آن است. پس اولی آن است که از این وادی بگذریم و بگوییم علی بن ابیطالب فقط بنده خدا بود، و این بزرگترین

شاخصه اوست که می‌توان از آن یاد کرد، و پرورش یافته و تربیت شده پیامبر عظیم الشان است، و این از بزرگ‌ترین افتخارات اوست، کدام شخصیت می‌تواند ادعا کند که عبدالله است و از همه عبودیت‌ها بریده است، جز انبیای عظام و اولیای معظم که علی علیه السلام آن عبد وارسته از غیر و پیوسته به دوست که حجب نور و ظلمت را دریده و به معدن عظمت رسیده است، در صف مقدم است. و کدام شخصیت است که می‌تواند ادعا کند از خردسالی تا آخر عمر رسول اکرم در دامن و پناه و تحت تربیت وحی و حامل آن بوده است جز علی بن ابیطالب که وحی و تربیت صاحب وحی در اعماق روح و جان او ریشه دوانده. پس او به حق عبدالله است و پرورش یافته عبدالله اعظم است.^۱

* اولین ساعتی که پیغمبر اسلام اعلان پیغمبری خود را کرد همان ساعت هم اعلان خلافت و امامت علی بن ابی‌طالب را نمود...^۲ و در خلال رسالت - خصوصاً سال‌های آخر از عمر شریفش - برای تثبیت این امر کوشش‌ها کرد.^۳

* از آن طرف، وقتی که پیغمبر اکرم آمد و ملت خودش را دعوت به توحید کرد، چه جور رفتار می‌کرد با مردم؛ حتی با ذمی‌ها؛ حتی

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ۳۴۷ - ۳۴۸.

۲. شعر، ۲۴؛ اشاره به دعوت اقربین و نزدیکان.

۳. کشف اسرار، ص ۱۵۲.

۴. ذمی: فرد کافری که با جامعه اسلامی معاهده دارد و تحت حمایت حکومت اسلامی است.

با آنهایی که خلاف مذهب بودند چطور رفتار می‌کرد. حضرت امیر - سلام الله علیه - می‌فرماید که شنیدم که یک لشکر می‌آمدند - ظاهراً لشکر معاویه بوده است - آمدند در کجا و یک خلخال از پای یک ذمیّه ربودند، چه کردند؛ یک خلخال از پای یک ذمیّه، از پای یک زن یهودی یا نصرانی ربوده‌اند؛ بعد نقل است که ایشان فرمودند اگر انسان بمیرد برای این، چیزی نیست.^۱ یک همچو انسانی، ما یک همچو حاکمی می‌خواهیم.^۲

✽ ما یک همچو حاکمی، طالب یک همچونین حاکمی هستیم که وقتی محاسبه حساب بیت المال را نشسته است و می‌کند، یک چراغ، آن چراغ‌های آن وقت نفتی بوده است یا چه بوده یا پیه [سوز] بوده است، هرچه بوده است، این روشن بود و حضرت داشت حساب می‌کرد بیت المال را؛ یک کسی آمد آنجا با حضرت خواست بنشیند صحبتی دیگر بکند، حضرت آن چراغ را خاموش

۱. اشاره به قول امیرالمؤمنین (ع) که فرمود: «وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ، وَ الْآخَرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْزِعُ حِجْلَهَا وَ قُلْبَهَا وَ فَلَانِدَهَا وَ رَعْتَهَا، مَا تَمْنَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْإِسْتِزْجَاعِ وَ الْأَسْتِرْحَامِ ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافِرِينَ مَائَالِ رَجُلَا مِنْهُمْ كَلِمٌ، وَلَا أَرِيقَ لَهُمْ ذَمٌّ، فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَشْفَأَ مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا، بِهِ مِنْ خَبَرٍ رَسِيدَةٍ اسْتَكْبَحَ مِنْهُ بَعْضُ الْغَنَائِمِ وَ زَنْ غَيْرِ مُسْلِمَانِ دِيكُورِي كَهْ دَرِ بِنَاهِ اسْلَامِ جَانِ وَ مَالِشِ مُحْفُوظِ بُوْدَه، وَارِدِ شُدِه وَ خَلْخَالِ وَ دَسْتَبِنْدِ وَ گِرْدَنِ بِنْدَهَا وَ گُوتُوارَه‌هایِ اَنانِ را از نَتَشانِ بیرونِ آورده است، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع از خود، جز گریه و زاری و التماس نداشتند؛ آنها (بعد از این همه جنایات)، با غنائم فراوانی، به شهر و دیار خود بازگشته‌اند بی آن که حتی یک نفر از آنان آسیب ببیند یا خونی از آنها ریخته شود. اگر به خاطر این حادثه (بسیار دردناک)، مسلمانی از شدت تأسف و اندوه بمیرد، ملامتی بر او نیست»، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، مؤسسه امیرالمؤمنین، انتشارات مشرقین، پاییز ۷۹، خطبه ۲۷، ص ۷۵.

۲. محفیه امام، ج ۴، ص ۱۶۳ - ۱۶۴.

کرد فرمود که تا حالا من حساب بیت المال را می‌کردم، این چراغ مال بیت المال است؛ از بیت المال برای خودش صرف می‌کردم، حالا تو می‌خواهی با من صحبت کنی، صحبت دیگری است ربطی به بیت المال ندارد، خوب چراغش را چرا ما روشن کنیم؟ البته کسی قدرت ندارد مثل حضرت امیر عمل کند، هیچ کس در عالم نمی‌تواند این طور [باشد]، لکن ما یک حاکمی می‌خواهیم که دزد نباشد! ما اینقدر حالا راضی شده‌ایم که لااقل اینقدر دزدی نکند، این قدر مال این ملت را چپاول نکند، این قدر ظلم به این ملت نکند.^۱

* خیال کردند یک دسته زیادی که معنای عرفان عبارت از این است که انسان یک محلی پیدا بشود و یک ذکری بگوید و یک سری حرکت بدهد و یک رقصی بکند و اینها، این معنی عرفان است؟! مرتبه اعلائی عرفان را امام علی - سلام الله علیه - داشته است و هیچ این چیزها نبوده در کار. خیال می‌کردند که کسی که عارف است باید دیگر بکلی کناره گیرد از همه چیز و برود کنار بنشیند و یک قدری ذکر بگوید و یک قدری تغنی بشود و یک قدری چه بکند و دکانداری. امیرالمؤمنین در عین حالی که اعرف خلق الله بعد از رسول الله در این امت، اعرف خلق الله به حق تعالی بود، مع ذلک نرفت کنار بنشیند و هیچ کاری به هیچی نداشته باشد،

هیچ وقت هم حلقه ذکر نداشت، مشغول بود به کارهایش، ولی آن هم بود.^۱

* و اما کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی خود، معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه‌ای است دارای ابعادی به اندازه یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن تا هرچه تاریخ به پیش رود و هرچه جامعه‌ها به وجود آید و دولت‌ها و ملت‌ها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیایند و در آن غور کنند و غرق شوند.^۲

* ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.^۳

* انسان ببیند که حضرت امیر - سلام الله علیه - در زندگی‌اش چه وضعی داشته است؛ چه سلوکی در زندگی داشته است - چه در زندگی انفرادی، چه در زندگی اجتماعی. انسان تفکر کند بر احوال

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۴۸.

۳. وصیتنامه سیاسی - الهی.

حضرت امیر - سلام الله علیه - ملاحظه کند که چه زحماتی برای اسلام کشیده است؛ چقدر زخم خورده است؛ چقدر رنج برده است؛ چقدر جنگ کرده است؛ چقدر تشنگی خورده است - اینها را ملاحظه کند انسان. یک همچو اسلامی که به دست ما سپرده شده است، به دست شما آقایان سپرده شده است، مسئولیت دارید اگر خدای نخواستہ در خلال تحصیل علم همان فکر این باشید که دقایق علمی را ادراک نکنید لکن فکر تهذیب نباشید. مهذب کنید خودتان را؛ مهذب بشوید به آداب الله؛ به سُنن الله؛ اگر چنانچه این نباشد علم اثری ندارد.^۱

* آن هم حضرت امیر با سلطنت - جسارت است که من سلطنت به ایشان بگویم - با خلافت چندین مملکتی که ایران یکی از آنها، حجاز یکی از آنها، نمی دانم عراق یکی از آنها، اردن یکی از آنها، مصر یکی از آنها [بوده]؛ این یک همچو دامنه‌ای آن وقت داشته سلطنت ایشان، با این دامنه سلطنت، زندگی خودش را ببینیم که آیا این غمخوار ملت است یا اینهایی که اینها می‌گویند؟ مقایسه بکنید و زندگی‌شان را در تاریخ ببینید. آنی که نقل می‌کنند یک پوستی ایشان داشته است، یک پوست گوسفندی داشته، شبها خودش و عیالش رویش می‌خوابیده‌اند؛ روز هم این را می‌گذاشتند آنجا برای شترشان علف می‌ریختند. این زندگی حضرت امیر! در عمرش شاید

یک دفعه یک نان سیری نخورده باشد. آن وضع خوراک حضرت امیر که در آن [صندوقچه] را - به حسب نقل - مهر می‌کرده، آنجایی که توی آن [نان] جو بوده است، مهر می‌کرده است که مبادا اینها باز کنند و یک چیز دیگر توی آن بریزند، یک چربی، یک چیزی، که این مثلاً به واسطه ترحمی که فرزندان می‌خواستند به پدر بکنند، و زینب مثلاً می‌خواست به پدر [ترحم] بکند، [خورشتی] داخل این بکند، مهر می‌کرده که دست نخورده باشد؛ این خوراک حضرت امیر - سلام الله علیه - بود.^۱

* در زندگی روزمره‌اش با مردم همچو بود که شنیده بود که در لشکری که از معاویه - ظاهراً - آمده بود در یک جایی یک خلخال را از پای یک زن یهودی در قلمرو امارت ایشان، یک خلخال را از پای یک زن یهودی بیرون آوردند؛ همچو ناراحت می‌شود که می‌فرماید که اگر انسان - قریب به این معنا - بمیرد، این برش عیبی نیست، نباید بر او خرده‌گیری کنند.^۲ بین خودشان رحیم، دوست، رفیق؛ به طوری که هیچ رُعبی در آن محیط نبوده است.

اگر یک کسی وارد می‌شد بر آن، همچو نبود که حشمتی داشته باشد، بترسد. ترسی تو [ی] کار نبوده است؛ عدل بوده است. در حکومت عدل، هر کسی از خودش باید بترسد [که] مبادا تخلف

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

۲. نهج البلاغه، خطابه ۱۷، ص ۸۵.

کند؛ و الا از سرباز مملکت عدل، از ارتش مملکت عدل، از شهربانی مملکت عدل، هیچ ترسی نیست؛ برای اینکه اینها همه با محبت با مردم رفتار می کنند.

همین حضرت امیر - سلام الله علیه - که رفتارش با داخله اینطور بود و مثل یک نفر عمله گاهی کار می کرد. خودش همان وقتی که بیعت کردند با آن، اسباب کارش را برداشت و رفت یک قناتی داشت خودش می کند؛ بعد هم که آب داد وقفش کرد. این آدم که وضعش اینطور بود، وقتی در مقابل دشمن می ایستاد، فریاد که می کرد، دل ها را چه می کرد. شمشیر را که می کشید از این ور، وقتی - می گویند که ضربات علی یکی بوده - از این ور می زد دو نیم پاره می شد؛ از این ور هم می زد دوتا می شد؛ شدت داشت در مقابل آنها.^۱

* اگر فرض کنید یک نفر مثل حضرت امیر - سلام الله علیه - حکومت داشته باشد در یک مملکتی سیره او را وقتی که اهل این مملکت ببینند که زندگی خودش چی هست، چه جور اعاشه^۲ می کند، با دار و دسته خودش چه جور رفتار می کند، اولاد خودش چه جور هستند، زندگی اولاد خودش چه جور هستند، اصحاب خودش چطور هستند، قوم و خویش های خودش چطور هستند،

۱. صحیفه امام، ج ۶ ص ۴۴۱ - ۴۴۲.

۲. اعاشه: امرار معاش.



بستگان، نزدیکان خودش چطور هستند، وقتی توده مردم نگاه کردند که رئیس مملکتشان وضع خوراک و پوشاکش از خود آنها کمتر است، وقتی که می‌آید نماز جمعه می‌خواهد بخواند چون یک پیراهن دارد شسته و تر پوشیده است به حسب تاریخ، بالای منبر وقتی خطبه می‌خواند دامنش را این طور می‌کند که خشک بشود، یک پیراهن دارد وقتی که دو تا پیراهن کرباس می‌خرد خوش را می‌دهد به «قنبر»^۱ به حسب تاریخ و بدش را خودش تنش می‌کند، وقتی آستینش بلند است آستینش را از اینجا پاره می‌کند، دیگر لب آستین باید چه بشود و چه بشود ندارد، وقتی مردم دیدند یک همچو موجودی... بر سرتاسر کشورهای زیاد، در مقابل کشور ایران حکومت دارد، یعنی ایران جزء حکومت او، مصر جزء حکومت او، حجاز جزء حکومت او، عراق جزء حکومت او، یمن و امثال ذلک همه جزء حکومت اوست ولی وقتی که زندگی‌اش را می‌بینند، می‌گویند ببینید یک همچو زندگی می‌کند، یک همچو موجودی که آن سعه مملکتش هست خودش وقتی یک قاضی را تعیین کرده است، به حسب تاریخ وقتی که دعوا مابین خودش و یک نفر یهودی واقع می‌شود قاضی احضار می‌کند نمی‌گوید من حاکم‌ام، حاکم یک همچو جایی تو هم نوکر منی، قاضی من هستی منصوب از قبل من هستی، این را نمی‌گوید، می‌آید می‌نشیند مقابل قاضی.

۱. «قنبر بن حمدان» یا «قنبر بن کادان»، خادم امیرالمؤمنین (ع).

وقتی قاضی می گوید که: «یا اباالحسن» می گوید: «این حرف را زن، نسبت به من با او فرق نگذار، تو قاضی هستی نباید فرق بکند»، وقتی هم حکم بر ضدش می دهد قبول می کند.

وقتی مملکت یک همچو موجودی رأسش باشد، [اصلاح می شود]، اسلام این را می خواهد ما که فریاد می زنیم که حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی، البته ما نمی توانیم یک همچو موجودی پیدا کنیم، خودش هم فرمود که شما قدرت بر این ندارید، لکن اعانت کنید مرا به تقوی، اعانت کنید مرا به سداد و درستکاری.^۱

✽ حضرت امیر می فرماید - به حَسَبِ نقل - که شاید در سرحدات یک کسی گرسنه باشد؛ به خودش رنج می دهد که مبدا یکی کسی از او گرسنه تر باشد. آن امیر ماست، او آقای ماست، امام ماست. ما می بگوییم امام و اقتدا نکنیم به او؟ در کارها هیچ اقتدا نباشد؟ «امام» معنایش این است؟ «شیعه» معنایش این است که مشایعت کند؛ همان طوری که تابوت را که می برند، اگر همه از این طرف دنبال تابوت رفتند، تشییع کردند او را، اگر تابوت را از این طرف می برند یکی از این طرف برود، این را تشییع نکردند؛ شیعه باید این طوری باشد؛ مشایعت کند علی را. البته قدرت نداریم ما مثل او. هیچ کس قدرت ندارد؛ اما به زهد، به تقوا، به رسیدگی به مظلوم ها، به رسیدگی به فقرا، مشایعت کنیم از او. نمی توانیم مثل او زندگی



بکنیم، نمی‌توانیم که مشی او را داشته باشیم، قادر بر این نیستیم؛ او یک موجودی بوده معجزه‌ای؛ جمع مابین تضاد، جمع بین همه ضدها را کرده بود.^۱

* مسلمین ملاحظه بکنند، حکومت‌های اسلامی ملاحظه بکنند، حکومت صدر اسلام را [که] صدر اسلام وضع حکومت چه طور بود. پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - با مردم چه طور رفتار می‌کرد در عین حالی که با کفار، وقتی که نمی‌شد هدایتشان بکنند و توطئه‌گری می‌کردند، با خشونت رفتار می‌کرد؛ با ملت چه طور رفتار می‌کرد؛ یک پدر مهربان و بالاتر از یک پدر مهربان بود. امیرالمؤمنین چطور در زمان خلافت، که یک خلافتی بود که سرتاسر ممالک اسلامی، که در آن وقت از حجاز و مصر و ایران و عراق و سوریه و یمن و همه‌اینها از اروپا هم یک مقداری بود، این مرد بزرگ در عین حالی که سیطره بر همه‌این ممالک داشت، با مردم چطور رفتار می‌کرد؛ با ضعفا، با مستضعفین، چه جور رفتار می‌کرد؛ زندگی خودش چه طور بود. البته او یک مردی بود که معجزه بود، کسی نمی‌تواند مثل او باشد، لکن حکومت‌ها می‌توانند عبرت بگیرند که تعدیل کنند کار خودشان را، آن طور حکومت می‌کرد، ملت هم با او آن طور بودند.^۲

۱. محقیقه امام، ج ۸، ص ۱۴.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۲۹ - ۳۳۰.

✽ من عید سعید [غدیر] را به همه مسلمین و بر ملت شریف ایران، به شما آقایان تبریک عرض می‌کنم. عیدی که در آن امامت امت ثبت شد، و پیغمبر اسلام امام را برای امامت امت نصب کرد. چه شخصی را، چه شخصیتی را! شخصیت این مرد بزرگ که امام امت شد، شخصیتی است که [در] اسلام و قبل از اسلام و بعدها هم کسی مثل او نمی‌تواند سراغ کند. یک موجودی که امور متضاده را در خودش جمع کرده بود. کسی که جنگجوست اهل عبادت نمی‌شود. کسی که قوه بازو می‌خواهد داشته باشد اهل زهد نمی‌تواند باشد. کسی که شمشیر می‌کشد، و اشخاصی را که منحرف‌اند درو می‌کند، این نمی‌تواند عاطفه و اهل عاطفه، آن طور که این شخص داشت، باشد. این شخصیت بزرگ، امور متضاده را در خودش جمع کرده. در عین حالی که روزها روزه، و شب به عبادت مشغول، و گفته شده است که شبی هزار رکعت نماز می‌خواند. و در عین حالی که غذای او - آن طوری که در تاریخ ثبت شده است - از نان و سرکه، و فوقش زیت^۱ یا نمک، بیرون نبوده است. در عین حال قدرت بدنی، آن طور قدرت است که - آن طوری که در تاریخ هست - آن دری را که از «خیبر» ایشان کُنده است و چندین زراع دور انداخته است، چهل نفر نمی‌توانستند بلندش کنند. در شمشیرزنی، شمشیرهای او این طور بوده است که



با یک ضربه از این طرف که می‌زده دو نیم می‌کرده است، از این طرف می‌زده که دو نیم می‌کرده. در صورتی که آنهایی که این ضربه را می‌خوردند «خود»^۱ آهنی داشتند، زره آهنی داشتند. و گاهی هم شاید، دو تا زره به تنشان می‌کردند. آدمی که با نان و سرکه زندگی می‌کرده، و بسیاری از روزها را روزه می‌گرفته است، و افطار را با چند لقمه نان و نمک و یا نان و سرکه افطار می‌کرده است، جمع کرده است مابین آن زهد و این قوت بازو، و این جمع بین دو تا امر متضاد است. آدمی که جنگجوست، به آن طور که جنگجویان بزرگ را، دلاوران بزرگ را، به هزیمت وا می‌دارد. و می‌فرماید که اگر تمام عرب یک طرف باشند، به من هجوم کنند، من پشت نمی‌کنم.^۲

* امروز که روز عید غدیر است و از بزرگ‌ترین اعیاد مذهبی است، این عید، عیدی است که مال مستضعفان است، عید محرومان است، عید مظلومان جهان است، عیدی است که خدای تبارک و تعالی به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای اجرای مقاصد الهی و ادامه تبلیغات و ادامه راه انبیا، حضرت امیر - سلام الله علیه - را منصوب فرمودند. باید ما تأسف بخوریم از این که نگذاشتند دست‌های خائن، برای

۱. خود: کلاخود.

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۰ - ۲۱.

جنگ‌هایی که در زمان تصدی ایشان به امور بود، آن جنگ‌ها^۱ و جنگ‌افروزی‌ها نگذاشتند که چهره این مرد بزرگ در ابعاد مختلفی که دارد نمایان بشود. این بزرگوار شخصیتی است که دارای ابعاد بسیار است و مظهر اسم جمع الهی است که دارای تمام اسماء و صفات است. تمام اسماء و صفات الهی در ظهور و در بروز در دنیا و در عالم، با واسطه رسول اکرم در این شخصیت ظهور کرده است. و ابعادی که از او مخفی است، بیشتر از آن ابعادی است که از او ظاهر است. همین ابعادی هم که دست بشر به آن رسیده است و می‌رسد، در یک مردی، در یک شخصیتی جمع شده است، جهات متناقض، جهات متضاد. انسانی که در حال اینکه زاهد و بزرگ‌ترین زاهد است، جنگجو و بزرگ‌ترین جنگجوست در دفاع از اسلام. اینها در افراد عادی جمع نمی‌شود، آن که زاهد است، به حسب افراد عادی، جنگجو نیست، آن که جنگجوست زاهد نیست. در عین حالی که در معیشت آن طور زهد می‌کردند و آنطور در خوراک و در آنطور چیزها به حداقل قناعت می‌کردند، قدرت بازو داشتند، آن قدرت بازو را، و این هم جزء اموری است که جمعش، جمع متضادین است. در عین حالی که دارای علوم متعدده و دارای علوم معنویه و روحانیه و سایر علوم اسلامی است، در عین حال می‌بینیم که در هر رشته‌ای، مردمی که اهل آن رشته‌اند او را از خودشان

۱. جنگ‌های جمل، صفین و نهروان.



می‌دانند: پهلوانان حضرت امیر را از خودشان می‌دانند، فلاسفه حضرت امیر را از خودشان می‌دانند، عرفا حضرت امیر را از خودشان می‌دانند، فقها حضرت امیر را از خودشان می‌دانند، هر قشری که اهل یک رشته است، حضرت امیر را از خودش می‌داند. و حضرت امیر از همه است، دارای همه اوصاف است و دارای همه کمالات.

بعضی کمالات حضرت که شاید یک قدری مخفی مانده باشد از ادعیه حضرت معلوم می‌شود. دعای کمیل یک دعای عجیبی است، بسیار عجیب. بعض فقرات دعای کمیل از بشر عادی نمی‌تواند صادر بشود؛ «الهی وَ سَیِّدِی وَ مَوْلایِ وَ رَبِّی صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ»؛ کی می‌تواند این طور بگوید؟ کی این طور عشق به جمال خدا دارد که از جهنم نمی‌ترسد لکن می‌ترسد که وقتی در جهنم برود، نازل شده از مقام خودش و به مرتبه‌ای برسد که محروم بشود از عشق او؟ از فراق، حضرت امیر می‌نالند، از فراق حضرت حق تعالی ناله می‌زنند. این عشقی است که در باطن قلب او گداخته شده همیشه، و تمام اعمالی که از او صادر می‌شود، از این عشق صادر می‌شود، از این عشق به خدا صادر می‌شود. ارزش اعمال روی این عشق و محبتی است که به حق تعالی هست، روی این فنا و توحیدی است که در انسان هست، و این سبب شده

است که «ضَرْبُهُ عَلَى يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ»^۱. فرضاً که این ضربت را کس دیگر از دفاع اسلام زده بود اما از روی این عشق نبود، کارش هم اسباب این شده بود که اسلام ترویج پیدا کند، لکن چون مبدأ، مبدأ عشقی نبود، «افضل من عبادة الثقلين» نخواهد شد. انگیزه اعمال، انگیزه روحانیت اوست نه صورت او. شمشیر زدن، یک دست پایین آوردن است و یک کافر را کشتن، این دست پایین آوردن و کافر را کشتن، از خیلی اشخاص ممکن است صادر بشود، لکن گاهی اصلاً اجر ندارد و اصلاً فضیلت ندارد و گاهی فضیلت دارد تا برسد به آنجایی که أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ. این روی آن عشق و توحیدی است که در قلب او هست، روی آن است که دست، دست او نیست، چشم، چشم او نیست، یدالله است، عین الله است. اینها را ما با لَفْلَقَه لسان می‌گوییم و نمی‌توانیم تصورش را بکنیم، البته تصدیقش کردیم به این که این طور است، اما تصورش را نمی‌توانیم بکنیم که چه جور است وضعیت.^۲

❖ ان شاء الله، این روز که بزرگترین روزهاست در مذهب تشیع، به همه مسلمان‌ها، به همه شیعیان جهان خصوصاً، به ملت بزرگوار ما مبارک باشد.

۱. حدیثی از پیامبر اکرم(ص) به معنی: «ثواب علی در روز غزوه خندق از عبادت جن و انس بیشتر است». منابع الموده، محمود فندوزی، ص ۱۳۷، باب ۴۶: مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۳۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۶۳ - ۶۵.



من گاهی فکر می‌کنم که ما با چه شباهتی می‌توانیم دعوی کنیم که شیعه آن بزرگوار هستیم. اگر متفکرین، نویسنده‌ها، کسانی که اطلاعات زیاد دارند، ابعاد معنوی و مادی و جهات دیگرش را ملاحظه کنند، بررسی کنند ابعادی که آن بزرگوار داشته است از اوایل سنین تا وقتی که به شهادت رسید و بررسی کنند که ما چطور می‌توانیم ادعا کنیم که ما شیعه این بزرگوار هستیم، باید همه و همه کسانی که دعوی تشیع می‌کنند - الا معدود خیلی که در صدر اسلام مثل ائمه هدی بودند - ما اظهار عجز کنیم که نمی‌توانیم. من نمی‌توانم که در این مجلس حتی یک بعد از ابعاد این بزرگوار را ذکر کنم، لکن برای اینکه یک راهی باز بشود برای آن اشخاصی که اطلاعاتشان زیاد است، معارفشان زیاد است و جهات معنویاتشان زیاد است، راهی باز باشد که آنها فکر کنند و درست بررسی بکنند، بررسی او را و بررسی حال ماها را.

در بُعد معارف، کسی که ادعیه حضرت را ملاحظه کرده باشد و نهج‌البلاغه را بررسی کرده باشد، می‌داند که پایه‌اش روی چه پایه‌ای هست؛ یعنی، آنکه معارف قرآن را فهمیده است این بزرگوار است و کسانی که مورد تعلیم او بودند مثل ائمه هدی. دعوی معارف خیلی آسان است که شعری انسان بگوید، نثری بگوید و ادعا کند که ما دارای چه معارفی هستیم، این آسان است، دعوی هم خیلی کرده‌اند. اما واقعیت مطلب چه طوری است؟ آنی که به حسب واقع

هست و ما بخواهیم وجداناً آن را بیابیم، وقتی درست در حال خودمان دقت نکنیم نمی‌توانیم پیدا کنیم یک شباهتی مابین خودمان و او. آن عشقی که مولا به خدای تبارک و تعالی داشته است که در دعای کمیل عرض می‌کند که: «من فرضاً جهنم را بتوانم تحمل کنم ولی چطور فراق تو را تحمل کنم؟»، این را می‌شود یک کسی شعر بگوید؛ یکی کسی نثر بگوید، یکی خطابه بخواند و بگوید چه. اما واقعیت اینطور است؟ ماها این طور هستیم؟ امثال ماها این بودند که اصلش پیششان فراق از حق تعالی مطرح بوده است؟ فراق به قدری که به آتش جهنم، آتش جهنم غیر از این آتش‌هاست؛ آتش جهنم قلب را هم می‌سوزاند؛ یعنی، قلب معنوی را می‌سوزاند، علاوه بر این که جسم را می‌سوزاند در قلب انسان هم هست، وارد می‌شود، قلب معنوی انسان را هم می‌سوزاند و ایشان می‌گویند: «من فرضاً او را تحمل کنم اما فراق تو را چه کنم». این را هر کس پیش وجدان خودش حساب بکند که واقعاً از فراق حق تعالی تا حالا یک لحظه شده است که تأثیر پیدا کند که من فراق دارم از حق تعالی؟ اینها، ادعاهایش خیلی آسان است، خیلی از درویش ادعا کردند، خیلی از کسانی که اهل معرفت‌اند ادعا کردند، اما واقعیت را انسان وقتی حساب بکند، مسئله این نیست.

یکی از چیزهای عادی آنها در نهج‌البلاغه هست، در روایات دیگر هم از سایر ائمه هست، این یک مقام عادی است نه یک مقام بالایی

است که حضرت امیر می‌فرماید، دیگران هم همین طور که عبادت سه جور است: یکی عبادت کسانی است که مثل عید^۱ می‌ترسند و عبادت می‌کنند. یکی عبادت کسانی است که برای طمع و برای بهشت و این طور چیزها عبادت می‌کنند. این دو تا عبادت یکی‌اش مال اجرا هست یکی هم مال عید، اما عبادت سوم که هست که عبادتش را می‌کنیم، برای محبتی است که به خدا داریم.

شما حساب کنید که اگر برای ما وعده قطعی برسد که جهنمی نیستید شما و همه بهشتی هستید، همه در بهشت جاویدان‌اند و جهنم هم درهایش برای شما بسته است، آن وقت عبادت خدا را هم می‌کردید باز؟ یا بگویند برای محبت من عبادت کنید، شما در خودتان می‌دیدید این را که محبت خدا شما را وادار کند به عبادت؛ نه خوف، نه رجا، نه جهات نفسانی.

عرض کردم که این ادعاها را می‌شود کرد که من بگویم من هم محبت دارم، اما ما محبتی نداریم به خدا، هرچی هست حب نفس است، هرچی هست مال خودمان است.

تا حالا یک قدم از نفس، از مدارج نفسانی ما بیرون نرفتیم؛ یعنی، آن قدم اولی هم که اهل سیر می‌گویند که یقظه است، ما باز بیدار

نشده‌ایم، خدای طبیعت در ما الآن هم هست و تا آخر هم شاید باشد، مگر خدا یک عنایتی بفرماید.^۱

* من این عید سعید را به همه مسلمین جهان و به ملت بزرگ خودمان و به همه مظلومان در طول تاریخ تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم خداوند در سایه عنایات حضرت ولی عصر و جد بزرگوارش حضرت رسول و حضرت امیر - سلام الله علیهما - این مملکت و ممالک اسلامی از شرّ اشرار مصون باشد.

درباره حضرت امیر - سلام الله علیه - این قدر گفته شده است و نوشته شده است و باز هم حقش ادا نشده است؛ یعنی، این معجزه الهی تاکنون معلوم نشده است که چه شخصیتی است. همه طوایف مختلفی که در اسلام هستند و خصوصاً در شیعه مذاهبها، این حضرت را به خودشان نسبت می‌دهند. عرفا، حکما، فقها، فلاسفه و اقشار مختلفی حتی دراویش، صوفیه و حتی کسانی که به اسلام اعتقاد ندارند از کلمات ایشان استشهاد می‌کنند. آنوقت که من عراق بودم که حزب عقلی‌ای^۲ که اصلاً اعتقاد به اسلام ندارد، بلکه مضاد با اوست، مع ذلک، کلمات ایشان [علی (ع)] را در دیوارها برش استشهاد می‌کردند و هر کسی به یک نحو از ایشان اسم می‌برد. در

۱. صحیفه امام، ج ۳۰، ص ۲۰ - ۲۲.

۲. حزب عقلی: حزب بعث. به دلیل انتسابش به «میشل عقلی»؛ ۱۹۸۹ - ۱۹۱۰ «بنیانگذار حرکت بعثی و حزب بعثی سوسیالیسم عرب، به «حزب عقلی» معروف بود.



زورخانه‌ها به عنوان یک پهلوان، در جنگ‌ها بعنوان یک جنگنده، در مدارس به عنوان یک ارزشمند فقیه، و در هر جایی که ملاحظه می‌کنید به نظر هر یک و هر طایفه‌ای حضرت یک وضعی دارد و همه آنها، او را از خودشان می‌دانند، الا البته بعضی که اصلاً اعتقاد به اسلام ندارند. لکن مع ذلک، آنی که باید باشد این معما حل نشده است و نخواهد شد.

این موجود یک اعجازی است که نمی‌شود در اطراف او آنچه هست صحبت کرد، هرکس به اندازه فهم خودش و به اندازه نظری که دارد در این باب صحبت کرده است و حضرت غیر از این معانی است؛ یعنی، ما نمی‌توانیم برسیم به آنجایی که بتوانیم از ایشان به آن جور که هستند مدح کنیم. آن صفات متضاده که در اشخاص نمی‌شود باشد، در ایشان هست. از همین جهت است که این صفات متضاده که هست، این که هر کسی یک طرفش را گرفته است و خیال می‌کند که ایشان او است. کسی که عارف مسلک است و در رأس عرفای عالم واقع شده است، این آدم در حکومت دخالت دارد، در صورتی که عرفای معروف اصلاً کناره‌گیری می‌کردند. کسی که در جنگ‌ها آن طور فعالیت داشته است مع ذلک، در زهد و تقوی و کناره‌گیری از خلق آن طور بوده است. چون ابعاد مختلف درش بوده است، هرکسی یک بعدی از او را گرفته است و خیال کرده است که بعد واقعی این است و تاکنون آن

بعدی که ایشان دارند، آن بعد معنوی‌ای که ایشان دارند برای کسی کشف نشده است مگر برای اشخاصی که هم طراز او هستند. از این جهت، درباره ایشان صحبت کردن از هر ترتیبی که باشد، همه این چیزها را دارد، لکن آنچه هست نمی‌شود صحبت کرد، نمی‌توانیم ما صحبت کنیم و لهذا، باید غمض عین^۱ کنیم از صحبت درباره ایشان و از ایشان بخواهیم که ما را هدایت کند و به آن راهی که ایشان هستند، ما لااقل به بعضی‌اش برسیم.^۲

✽ ما درباره حضرت امیر، جهات معنویست دست ما ازش کوتاه است. ما از آن جهات معنوی که در ایشان بوده است حتی یک جمله موافق با واقع نمی‌توانیم عرض کنیم، لکن بعضی از جهات که مربوط به خود جهت مادی است و جهات اجتماعی است، آن را می‌شود گفت. شما ملاحظه کنید که یک نفر که خلیفه مسلمین است، زمامدار امور است، خلیفه است، این چه وضعی داشته است؟ در حالی که خلیفه است می‌خواهد نماز جمعه بخواند، لباس زیادی ندارد، می‌رود بالای منبر، آن لباس که دارد، حرکت می‌دهد - به حسب نقل - تا خشک بشود، دو تا لباس ندارد. یک کفشی را که خودش وصله می‌کرده است، کفاشی می‌کرده است، ازش می‌پرسند، حضرت می‌فرماید که این کفش به نظر شما چقدر ارزش دارد؟

۱. غمض عین: چشم‌پوشی.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۲۲-۲۲۳.

می‌گویند هیچ می‌گوید که «امارت بر شما هم، خلافت هم، در نظر من مثل این کفش و پایی‌تر از این کفش است، مگر اینکه اقامه عدالت کنم». شما کجا سراغ دارید که یک نفر خلیفه باشد و وضعش اینطور باشد؟ حضرت امیر - سلام الله علیه - حقیقتاً مظلوم است و مظلوم بوده است، حتی در بین شیعیان هم مظلوم است. وقتی می‌خواهند تعریف کنند از حضرت امیر، تعریف می‌کنند به چیزهایی که بر خلاف واقع است و توهین به حضرت است. مثلاً، می‌گویند که انگشترش را که می‌خواسته هدیه بدهد به فقیر، قیمتش خراج شامات بوده است! آنکسی که لباسش آن است انگشتر می‌پوشد که قیمتش خراج باشد؟! این یک دروغی است که اگر روایت هم داشته باشد، دروغ است در صورتی که ندارد. وقتی می‌خواهند معرفی کنند حضرت امیر را، به این جهات معرفی می‌کنند، به همین جهات [دروغ]. یا آنهایی که عارف لفظی هستند - عرفان حقیقی که کم است در دنیا - آنها هم وقتی که می‌خواهند از حضرت نقل کنند، یک حرف‌های درویشی نقل می‌کنند. آنی که هست، واقعیتش را که نمی‌دانند و این جهات ظاهری هم که حضرت داشته است برای جهالت‌هایی که بوده است، منحرف کردند از واقعیتش. خیال کردند تعریف حضرت امیر به این است که انگشترش چه قدر قیمت داشته باشد و - مثلاً - چه باشد، یک زندگی عجیب و غریبی دارد حضرت امیر.

خلافت در آن وقت یک وضع خاصی داشته است، خصوصاً، آن خلفای از معاویه به پایین، یک سلطنتی بوده و در همان عصر که معاویه آن بساط سلطنتی را راه انداخته بود، حضرت امیر مثل یک فعله می‌رفت کار میکرد، مثل یک عمله می‌رفت کار می‌کرد و آب راه می‌انداخت، و بعد همانجا می‌گفت این آب صدقه است؛ آب راه نمی‌انداخت برای خودش، وضع زندگی این بوده است. ما اگر بخواهیم از ایشان تقلید کنیم نمی‌توانیم، حقیقتاً، نمی‌توانیم تقلید کنیم، قدرت این معنا را ما نداریم. اما خود ایشان هم فرموده است که «شما نمی‌توانید، اما تقوا می‌توانید داشته باشید» می‌توانیم که تقوا داشته باشیم، می‌توانیم که با خدا باشیم، توجه به خدای تبارک و تعالی داشته باشیم.^۱

* ضمناً تذکرات لازمی بود که باید دولت‌ها متوجه باشند. از اول ظهور اسلام، مسلمین حافظ دین مبین اسلام بوده‌اند؛ حتی برای حفظ دین از حق خود می‌گذشتند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با خلفا همکاری می‌کردند، چون ظاهراً مطابق دستور دین عمل می‌نمودند و تشنجی در کار نبود، تا موقعی که معاویه روی کار آمد و از طریقه و روش خلفا منحرف گشته و خلافت را مبدل به سلطنت نمود. در این موقع حضرت ناچار شد قیام کند؛ چون

نمی‌توانست قیام نکند؛ زیرا روی موازین شرع و عقل نمی‌توانستند معاویه را یک روز بر مقام خلافت پایدار ببینند.^۱

* پیشوای بزرگ ما، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سکوت را در مقابل ستمکاری جایز نمی‌دانست؛ و ما نیز جایز نمی‌دانیم.^۲

* بالاترین مصیبتی که بر اسلام وارد شد، همین مصیبت سلب حکومت از حضرت امیر - سلام الله علیه - بود؛ و عزای او از عزای کربلا بالاتر. مصیبت وارده بر امیرالمؤمنین و بر اسلام بالاتر است از آن مصیبتی که بر سیدالشهداء - سلام الله علیه - وارد شد. اعظم مصیبت‌ها این مصیبت است که نگذاشتند مردم بفهمند اسلام یعنی چه. اسلام حالا هم به حال ابهام دارد زندگی می‌کند. الان هم مبهم است. الان هم نمی‌دانند مردم که معنی اسلام چیست، حکومت اسلامی چیست، اسلام چه می‌خواسته بکند، چه برنامه‌ای اسلام داشته است در حکومتش. این پنج سال حکومت، یا پنج - شش سال حکومت حضرت امیر، این با همه گرفتاری‌هایی که بوده است و با همه زحمت‌هایی که از برای حضرت امیر فراهم شد، سلبش عزای بزرگ است. و همین [دوره] پنج ساله و شش ساله، مسلمین تا به آخر باید برایش جشن بگیرند؛ جشن برای عدالت، جشن برای بسط عدالت، جشن برای حکومتی که اگر چنانچه در یک طرف از

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۲۷.

مملکتش، در یک جای مملکتش، برای یک معاهد - یک زن معاهد - یک زحمت پیش بیاید، یک خلخال از پای او درآورند، حضرت، این حاکم، این رئیس ملت، آرزوی مرگ بکند، که مرگ برای من - مثلاً - بالاتر از این است که در مملکت من یک نفر زنی که معاهد هست خلخال را از پایش درآورند.^۱ این حکومت حکومتی است که در رفتنش مردم باید به عزا و سوگواری بنشینند؛ و برای همان پنج روز و پنج ساله حکومتش باید جشن بگیرند؛ جشن برای عدالت، جشن برای خدا، جشن برای اینکه این حاکم حاکمی است که با ملت یکرنگ است بلکه سطحش پایین‌تر است در زندگی؛ سطح روحی‌اش بالاتر از همه آفاق است، و سطح زندگی‌اش پایین‌تر است از همه ملت.^۲

* امیرالمؤمنین، عُمَر خود را در پیکار با ستمکاران که خود را مسلمان معرفی می‌کردند به سر برد. دفاع از حق و اسلام، از بزرگترین عبادات است.^۳

* قیام شما در مقابل دیکتاتور اصلی که تمام شعائر ملی و مذهبی را زیر پا گذاشته، چون قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه می‌باشد که عملی بیش از اعمال آن دیکتاتور مرتکب نشده بود. علی در

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۸۵

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۶۰ - ۳۶۱.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۴۱.



مقابل ستمکاری بود که با امامت جمعه و جماعت و تثبیت به اسلام، خون مردمان را می‌مکید؛ قیام در مقابل ظلم و ظالم بود و چندین هزار فدایی داد که عمار یاسر یکی از آنها بود. شما هم در مقابل دیکتاتور عصر که با اسم اسلام و تثبیت به قرآن خون ملت را می‌مکد، در صورتی که تعداد کشتگان ما به تعداد کشتگان «صفین» باز نرسیده؛

غم به خود راه ندهید و گوش به حرف اشخاصی که از اسلام اطلاعی ندارند ندهید و به راه خود که راه حق و راه اولیای حق است، ادامه دهید.^۱

✽ به امیرالمؤمنین که خلیفه صحیح پیغمبر است، شما ببینید چه جور زندگی این داشته؛ سلطان بوده، سلطنتش تقریباً یک دامنه بسیار وسیع، چندین مقابل ایران، از حجاز گرفته تا برود افریقا و کذا، همه جاها را این سلطنت داشته است؛ آن وقت زندگی‌اش را ببینیم چه است، که روزش چه جوری می‌گذشته، شبش چه جوری می‌گذشته، چه جوری زندگی می‌کرده، چه وضعی داشته است، عبادتش چه جور بوده، توجهش به مردم چه جوری بوده، با ضعفا چه جور بوده. غصه می‌خورد که مبادا من نان جو می‌خورم،

می‌ترسم که یک نفری در سر حد کذا، در یمامه، در کجا، یک وقتی کم داشته باشد، کم خوراک داشته باشد.^۱

* حضرت امیرالمؤمنین، علی ابن ابیطالب، که حاکم بر یک صحنه بزرگ [بوده است]، یک ممالک بزرگ، از عربستان سعودی گرفته تا مصر، ایران، عراق و سوریه و سایر جاها را داشته است، همین قاضی‌ای که خودش قرار داده برای قضا، وقتی که یک نفر یهودی [علیه] او دعوی کرده است و ادعا کرده است چیزی را، قاضی [آن حضرت] را خواسته و او هم آمده است در محضر قاضی و با یهودی در عرض هم نشسته‌اند، و دادخواهی شده است، و قاضی حکم بر خلاف حضرت امیر - سلام الله علیه - یعنی حکومت وقت کرده است، و [آن حضرت] تسلیم بوده است. یک همچو وضع حکومتی در بشر معلوم نیست تحقق پیدا کرده باشد. و ما آرزوی یک همچو حکومتی داریم. یک حکومت عادل که نسبت به افراد رعیت علاقه‌مند باشد؛ عقیده‌اش این باشد که باید من نان خشک بخورم که مبادا یک نفر در مملکت من زندگی‌اش پست باشد، گرسنگی بخورد. ما می‌خواهیم یک همچو حکومت عدلی ایجاد کنیم.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۴، ۱۰۱ - ۱۰۲.

۲. صحیفه امام، ج ۶ ص ۵۷.

* اصل، رسول الله است، او ظل الله است. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - چون تمام وجودش فانی در وجود رسول الله است، ظل الله است.^۱

* ما باکی از این نداریم که خون‌های طیب جوان‌های ما در راه اسلام ریخته شده است؛ باکی از این نداریم که شهادت نصیب عزیزان ما شده است. این یک شیوه مرضیه‌ای است که در شیعه امیرالمؤمنین از اول پیدایش اسلام تا کنون بوده است. اسلام با حماسه شیعه همیشه مقارن بوده است. در صدر اسلام امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - بزرگ‌مرد اسلام، بزرگ‌مرد دنیا، با مجاهدات بزرگ خود اسلام را رشد داد؛ اسلام را شکوفا کرد. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - با شیعه بزرگوار خود در جنگ‌های بزرگ اسلام پیشقدم بود. اولاد طاهرین او مثل سیدالشهداء - سلام الله علیه - که قیام و نهضت کرد و خون خود را در راه اسلام داد، یا سایر ائمه ما که در پشت پرده تقیه، اسلام را ترویج و قرآن را تأیید کردند؛ پس از آنها تنها طایفه‌ای که با جباران و با دیکتاتورهای عصر مقابله و معارضه کردند، همین شیعیان علی علیه السلام بود. قیام‌های پی‌درپی تا عصرهای اخیر، باز شیعیان علی علیه السلام بودند که مقابل جباران ایستادند و قیام کردند. در عصر ما هم شما شیعیان بزرگ اسلام تنها طایفه‌ای هستید که در مقابل دیکتاتورها و در مقابل ابرقدرت‌ها

ایستادید و با مشیت خود و با مشیت فشرده خود بر تانک‌ها و توپ‌ها غلبه کردید. اسلام به واسطه طایفه شیعه زنده است. قیام‌های پی‌درپی شیعه علی‌علیه السلام را زنده کرده است.^۱

* ما که از پیغمبر بالاتر نیستیم، ما که از امیرالمؤمنین بالاتر نیستیم، ما که از سیدالشهداء بالاتر نیستیم؛ آن وظیفه‌اش را عمل کرد، کشته هم شد؛ ما هم وظیفه‌مان را عمل می‌کنیم. بنابراین نباید ما از این مکروهاتی که پیش می‌آید [سستی به خود راه دهیم].^۲

* امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - با آن همه عظوفت، با آن همه رحمت، وقتی که ملاحظه فرمود خوارج مردمی هستند که فاسد و مُفسِد هستند، شمشیر کشید و تمامی آنها را، الا بعضی که فرار کردند، از دم شمشیر گذراند. در وقت رحمت، رحمت؛ و اگر کسانی لایق رحمت نباشند، انتقام و غضب.^۳

* حق پیروز است. منتها ما رمز پیروزی را باید پیدا بکنیم که رمز پیروزی ما چه بوده است. و رمز بقای شیعه در این طول زمان - از زمان امیرالمؤمنین، سلام الله علیه، تا حالا - در زمان‌هایی که شیعه جمعیتش کم بوده است، ناچیز بوده است. حالا - الحمد لله - زیاد است. اما آن وقت کم بوده. نه اینکه زیاد در مقابل دیگران. باید

۱. صحیفه امام، ج ۶ ص ۳۵۹ - ۳۶۰.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۲.

۳. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۷۰.

بینیم رمز بقای این مذهب و بقای ممالک اسلامی، ممالک شیعی چه بوده است. ما باید آن رمز را حفظش بکنیم. یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است، قضیه سیدالشهداست. سیدالشهدا - سلام الله علیه - مذهب را بیمه کرد.^۱

* امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - ... مظهر همه عدالت‌ها و اعجوبه عالم هستند و از صدر عالم تا ابد بجز رسول اکرم کسی به فضیلت او نیست.^۲

* دانشمندان بزرگ جهانی می‌خواهند مولا امیرالمؤمنین را معرفی کنند و به دیگران بشناسانند یا کتاب نهج البلاغه را؟ ما با کدام مؤونه و با چه سرمایه‌ای می‌خواهیم در این وادی وارد شویم؟ درباره شخصیت علی بن ابی‌طالب، از حقیقت ناشناخته او صحبت کنیم، یا با شناخت محجوب و مهجور خود؟ اصلاً علی علیه السلام یک بشر ملکی و دنیایی است که ملک‌یان از او سخن گویند یا یک موجود ملکوتی است که ملکوتیان او را اندازه‌گیری کنند؟ اهل عرفان درباره او جز با سطح عرفانی خود و فلاسفه و الهیون جز با علوم محدوده خود با چه ابزاری می‌خواهند به معرفی او بنشینند؟ تا چه حد او را شناخته‌اند تا ما مهجوران را آگاه کنند؟ دانشمندان و اهل فضیلت و عارفان و اهل فلسفه با همه فضایل و با همه دانش

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۹۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۴۳ - ۳۴۴.

ارجمندشان آنچه از آن جلوه تام حق دریافت کرده‌اند، در حجاب وجود خود و در آینه محدود نفسانیت خویش است و مولا غیر از آن است. پس اولی آن است که از این وادی بگذریم و بگوییم علی بن ابیطالب فقط بنده خدا بود، و این بزرگ‌ترین شاخصه اوست که می‌توان از آن یاد کرد، و پرورش یافته و تربیت شده پیامبر عظیم الشان است، و این از بزرگ‌ترین افتخارات اوست، کدام شخصیت می‌تواند ادعا کند که عبدالله است و از همه عبودیت‌ها بریده است، جز انبیای عظام و اولیای معظم که علی علیه السلام آن عبد وارسته از غیر و پیوسته به دوست که حجب نور و ظلمت را دریده و به معدن عظمت رسیده است، در صف مقدم است، و کدام شخصیت است که می‌تواند ادعا کند از خردسالی تا آخر عمر رسول اکرم در دامن و پناه و تحت تربیت وحی و حامل آن بوده است جز علی بن ابیطالب که وحی و تربیت صاحب وحی در اعماق روح و جان او ریشه دوانده. پس او بحق عبدالله است و پرورش یافته عبدالله اعظم است.^۱

❖ و کسی که زندگی امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - را مشاهده کند نیز [می‌بیند] همین طور بوده؛ جهاد در راه خدا و جهاد در راه احکام خدا بوده است. و سایر ائمه علیهم السلام البته آن که از همه بارزتر و معروف‌تر است سیدالشهدا - سلام الله علیه - است. اگر وضع تفکر



سیدالشهدا - سلام الله علیه - مثل بعض مقدسین زمان خودش بود، آنها طرحشان این بود که بماند همان در جوار حضرت رسول - سلام الله علیه - و عبادت کند. اگر وضع تفکر مولا هم این طور بود، کربلایی پیش نمی‌آمد؛ یک راحت‌طلبی بود و کناره‌گیری از جامعه و دعا و ذکر بود، لکن وضع تفکر جور دیگری بود. چنانچه ائمه ع سازش می‌کردند با اهل ظلم و ستم، احتراماتشان بسیار زیاد بود، خلفا حاضر بودند که آنها را هر جور احترام می‌خواهند بکنند که آنها دست از دعوتشان بردارند.^۱

* امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - جان خودش را فدا کرد برای اسلام و شهید شد و اسلام به جای خودش بود. امام حسین - سلام الله علیه - خود و تمام فرزندان و اقربای خودش را فدا کرد و پس از شهادت او، اسلام قوی‌تر شد.^۲

* اسلام مثل خود رسول اکرم را و مثل امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - و ائمه معصومین و علمای بزرگ در طول تاریخ را فدای این راه و هدف نموده. چه باک از اینکه این فرزندان اسلام، که شهادت برای آنها افتخار و برای ملت ما افتخار آفرین است، از دست بروند؟^۳

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۲۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۲۸.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۵۸.

✽ خطبه فاطمه زهرا - سلام الله عليها - در مقابل حکومت و قیام امیرالمؤمنین و ضربه امیرالمؤمنین در مدت بیست و چند سال و در عین حال کمک کاری به حکومت موجود و بعد هم فداکاری در راه اسلام و فداکاری دو فرزند عزیزش، امام مجتبی که یک خدمت بسیار بزرگ و دولت جابر اموی را با آن خدمت رسوا فرمود و خدمت بزرگ برادر ارجمندش حضرت سیدالشهدا، چیزهایی بود که همه می دانید و می دانیم. و با اینکه عده کم و اسباب و ابزار جنگ پیش آنها کم بود، لکن روح الهی و روح ایمان آنها را آن طور کرد که بر همه ستمکاران عصر خودشان غلبه پیدا کردند و اسلام را زنده کردند و برای ما و شما برادرهای عزیز الگو شدند که ما از کمی عده و کمی غده و کمی ابزار جنگ در مقابل تمام قدرت هایی که امروز با ما به جنگ برخاسته اند، مقاومت کنیم، و همان طوری که اولیای ما علیهم السلام نشان دادند که در مقابل مستکبران گاهی با تبلیغ و گاهی با اسلحه باید ایستاد و مستکبران را باید به جای خودشان نشانند، ما هم الگوی آنها را، تبعیت از آنها را می پذیریم.^۱

✽ نظیر مجاهدین این زمان، نظیر این جوان های این زمان، از اول تاریخ تا حالا نبوده است. اگر آنها بوده اند، اما کم بودند. زمان رسول الله صلی الله علیه و آله تا می آمد به زمان ائمه علیهم السلام آن زمان رشد اسلام بود. پیغمبر چقدر خون دل از این مردم همان بلاد خودشان

می‌خورد! امیرالمؤمنین چقدر شکایت کرده است! قرآن چقدر شکایت کرده است؛ شکایت از همان مسلمان‌ها! امیرالمؤمنین از همان مسلمان‌ها و از همین کسانی که در اطرافش بودند شکایت می‌کردند، منبر می‌رفت آرزوی مرگ می‌کرد! امیرالمؤمنین وقتی هم که شمشیر را خورد از آن منافق، فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ^۱ فرمود.^۲

* نامدارترین سرباز فداکار در اسلام، امیرالمؤمنین است و او گمنام‌ترین سرباز است. با کدام تفکر عرفانی، فلسفی، سیاسی و کدام قلم و زبان و بیان، بشر این سرباز گمنام را معرفی کند و بشناسد و بشناساند؟^۳

* و ما در این روز، این روز مبارک که از اعیاد بزرگ اسلام است و به حسب نفوس ما بالاترین عید است و نکته‌اش هم این است که این ادامه نبوت است، ادامه آن معنویت رسول الله است، ادامه آن حکومت الهی است، از این جهت از همه اعیاد بالاتر است. و ما در این روز سعید یکی از چیزهایی که وارد شده است این است که بگوییم، بخوانیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ»^۴

۱. فروغ ولایت، جعفر سبحانی، ص ۷۷۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۵۱.

۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۲۱.

۴. اقبال، ص ۴۶۴.



تمسک به ولایت امیرالمؤمنین چی هست؟ یعنی ما همین این را بخوانیم و رد بشویم؟ آن هم تمسک به ولایت امیرالمؤمنین در روزی که ولایت به همان معنای واقعی خودش بوده است، نه تمسک به محبت امیرالمؤمنین، تمسک به محبت اصلاً معنا هم ندارد، تمسک به مقام ولایت آن بزرگوار به اینکه گرچه ما و بشر نمی‌تواند به تمام معنا آن عدالت اجتماعی و عدالت حقیقی را که حضرت امیر قدرت بر پیاده کردنش داشت، نمی‌توانیم ماها و هیچ کس، قدرت نداریم که پیاده کنیم، لکن اگر آن الگو پیدا شده بود و حالا هم ما باید به یک مقدار کمی که قدرت داریم تمسک کنیم. تمسک به مقام ولایت معنایش این است که، - یکی از معانی‌اش این است که - ما ظِلَّ آن مقام ولایت باشیم. مقام ولایت که مقام تولیت امور بر مسلمین و مقام حکومت بر مسلمین است، این است که چنانچه حکومت تشکیل شد، حکومت تمسکش به ولایت امیرالمؤمنین و این است که آن عدالتی که امیرالمؤمنین اجرا می‌کرد، این هم به اندازه قدرت خودش اجرا کند. به مجرد اینکه ما بگوییم ما متمسک هستیم به امیرالمؤمنین، این کافی نیست، این تمسک نیست اصلش. وقتی که حکومت الگو قرار داد امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - را در اجراء حکومتش، در اجراء چیزهایی که باید اجرا بکند، اگر او را الگو قرار داد، این تمسک کرده است به ولایت امیرالمؤمنین. چنانچه او الگو نباشد، یا اینکه تخلفات حاصل بشود



از آن الگوی بزرگ، هزار مرتبه هم روزی بگویند «خدا ما را از متمسکین قرار داده است»، جز یک کذبی چیزی نیست. و مجلس که از مقامات بلند یا بلندترین مقام کشوری است، چنانچه الگو قرار داد آن چیزی که امیرالمؤمنین می‌خواست، و آن عدالتی را که آن در همان برهه کمی که به او مجال دادند - خیلی کم مجال پیدا کرد - اگر الگو قرار بدهند آن را برای اینکه احکام را و اموری که باید محوّل به آنهاست به آن نحو اجرا بکنند، به آن نحو تصویب بکنند و دقت بکنند، آن وقت می‌شود گفت که مجلس ما هم از متمسکین به امیرالمؤمنین هستند. و ما چنانچه مجلس نتواند این کار را بکند، یا خدای نخواسته نخواهد این کار را بکند، یا بعض افراد نگذارند که این کارها بشود، آن وقت ما نمی‌توانیم بگوییم که یک مجلس متمسک به ولایت امیرالمؤمنین داریم. و هکذا قوه قضائیه، اگر قوه قضائیه هم تبعیت نکند از آن قضاء امیرالمؤمنین که «أَقْضَاكُمْ عَلِيٌّ»^۱ و اگر تبعیت نکند از قضاوت اسلام، متشبهت به همان قضاوت اسلامی نباشد، آن هم هرچه بگویند ما متمسک هستیم، بر خلاف واقع است. تمسک وقتی است که قوه قضائیه هم کارهایی که می‌کنند از روی الگوی علوی باشد که همان الگوی اسلامی است. و مردم ما هم که این دعا را یا این فقره را می‌خوانند آنها هم باید

۱. اشاره به حدیث پیامبر اکرم که فرمود: «أَقْضَاكُمْ عَلِيٌّ؛ برترین شما در قضاوت علی است»، دعائم

الاسلام، قاضی نعمان مغربی، ج ۱، ص ۹۳.

توجه کنند به اینکه تمسک به ولایت حضرت امیر برای آنها تبعیت از مقاصد اوست.

همین طور گفتند که ما شیعه علی هستیم، و همین که گفتند ما متمسک به ولایت امیرالمؤمنین هستیم، این کافی نیست، نمی شود این امور، اموری نیست که لفظی باشد و با الفاظ و با عبارات بتوانیم ما بگوییم تحقق پیدا کرده است؛ اینها یک امور عملی است، یک حکمت عملی است اینها. باید کسانی که مدعی هستند که ما شیعه امیرالمؤمنین هستیم، تبع او هستیم، باید در قول و فعل و نوشتن و گفتن و همه چیز تبعیت از او داشته باشند. اگر این تبعیت نباشد و ما بگوییم که ما شیعه هستیم، یک گزافی گفته ایم، یک لاطایلی گفته ایم.

امیرالمؤمنین در زمان حکومتش - که بسیار کوتاه و بسیار ناگواری ها مقابل بود - می بینید که وقتی که آن نامه را به مالک اشر می نویسد چه مسائل مهمی را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را، همه چیز را در آنجا ذکر می فرماید، با اینکه یک بخشنامه ای برای یک نفر بوده است. یک نامه ای برای یک نفر بوده است و آن این است که می گوید که - به حسب نقلی که شده است که یک خلخال را از پای یک دمی در حکومت او در آوردند،^۱ - به حسب

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

این روایت، می‌فرماید که اگر انسان بمیرد برای این، این مَلُوم نیست.

شیعه‌این است که اینطور باشد نه مثل ما، شیعه‌این است که اگر چنانچه در حکومت اسلامی، در کشور اسلامی، ظلم ولو به یک ذمی وارد بشود... اینطور اهمیت دارد.^۱

✽ یک دسته به اسم اسلام به دشمنی برخاستند، و یک دسته احمق هم که در اطراف ایشان بودند باز به اسم قرآن دست ایشان را بستند، دست امیرالمؤمنین را، و این یک تأسفی است که برای مسلمین تا ابد باید باشد. اگر از اول آن نحوی که می‌خواست ایشان، تحقق پیدا کرده بود، و دنبال او هم حضرت امیر آن نحوی که می‌خواست عمل شده بود این گرفتاری‌ها پیش نمی‌آمد، لکن تقدیرات الهی این طور بود. و ما بخواهیم مسائل آنجا را بگوییم، از مسائل روز خودمان که شبیه همان مسائل است باز می‌مانیم. ما امروز هم گرفتار به همان مسائل هستیم. همان مسائلی که آنها مبتلا به آن بودند با وضع دیگری هستیم. دامنه‌اش، منتها توسعه‌اش برای خاطر وضع دنیا عوض شده و بیشتر شده است. آن روز اگر چنانچه حضرت رسول - سلام الله علیه - و حضرت امیر - سلام الله علیه - مبتلا بودند به یک نحو محدودی و نگذاشتند صدای آنها برسد، و همان مقدار که رسید می‌بینید که نورانیتش عالم را گرفته است،

امروز با یک وضع بسیار توسعه داری، اسلام مبتلا به آن هست. آنها نگذاشتند که یک حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند، با اسم اسلام. امروز هم ما مبتلای به همین معنا هستیم که با اسم اسلام می‌خواهند نگذارند که حکومت اسلام محقق بشود؛ یک دسته غیر متوجه و جاهل و یک دسته عالم متهتک.^۱

* ما اظهار می‌کنیم ما شیعه امیرالمؤمنین‌ایم. ما برویم بینیم امیرالمؤمنین در مصالح اسلامی چه کردند، برای مصالح اسلام چه کردند. آن وقتی که زمان رسول الله بود بسیاری از اشخاص آن وقت بودند که جنگ می‌خواست بشود نمی‌رفتند، اگر می‌رفتند کناره‌گیری می‌کردند، آن کسی که از همه مقدم بود ایشان بودند.^۲ بعد از رسول الله هم که مدت‌های طولانی ملت‌ها محروم ماندند از قیادت ایشان، ایشان باز کنار نبود. ایشان باز برای حفظ مصالح مسلمین همراه بود، صبر می‌کرد، ولی در آن وقت هیچ وقت اصلاً اظهار مخالفت نمی‌کرد. بعد از اینکه آنها متکفل امور بودند، ایشان

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۰۹ - ۴۱۰؛ اشاره به حدیثی از امام صادق (ع): «قطع ظهري ائتمان، عالم متهتك و جاهل متسك هذا يصد الناس عن علمه بتهتكه و هذا يصد الناس عن نسكه بجعله؛ دو طایفه كمر مرا شكستند: عالم فاسد و جاهل مقدس مآب. اولی مردم را از علم خویش با فساد و پرده دری باز می‌دارد، و دومی آنان را از عبادت به جهت جهالت خویش گریزان می‌سازد.» بحار الانوار، مجلسی، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. احزاب، ۱۳.



اهل مشورت آنها بود،^۱ راهنمایی می‌کرد، بچه‌هایش را می‌فرستاد به جنگ. حالا ما بنشینیم بگوییم که ما اهل ولایت هستیم! شما اهل دیانت هم نیستید، اهل ولایت هستید؟! آن وقتی که با ایشان بیعت کردند - البته ایشان هم در عین حالی که خودش را حق می‌دانست می‌گفت که بروید یکی دیگر را [انتخاب کنید] - می‌دانست اینها یک اشخاصی نیستند که اهل کار باشند، ولی خوب، فشار آوردند به‌ایشان، با ایشان بیعت کردند.^۲

* امیرالمؤمنین در عین حالی که اعرف خلق الله بعد از رسول الله در این امت، اعرف خلق الله به حق تعالی بود مع ذلک، نرفت کنار بنشیند و هیچ کاری به هیچی نداشته باشد، هیچ وقت هم حلقه ذکر نداشت، مشغول بود به کارهایش، ولی آن هم بوده [است].^۳

* امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - تمام دنیا پیشش هیچ بوده [است].^۴

۱. اشاره به جمله عمر است: «لولا علی لهلك عمر؛ اگر علی نبود، عمر هلاک می‌شد»، الکافی، کلینی، ج ۷، ص ۴۲۵.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۶.

۴. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۲۷.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

* [من ندیدم] درباره کسی اینطور وارد شده باشد که در ظرف ۷۵ روز «جبرئیل امین» رفت و آمد داشته است و مسائل را در آتیه‌ای که واقع می‌شده است، مسائل را ذکر کرده است و آنچه که به ذریه او می‌رسیده است در آتیه، ذکر کرده است و حضرت امیر هم آنها را نوشته است. کاتب وحی بوده است حضرت امیر، همان طوری که کاتب وحی رسول خدا بوده است - و البته آن وحی به معنای آوردن احکام، تمام شد به رفتن رسول اکرم - کاتب وحی حضرت صدیقه در این ۷۵ روز بوده است.^۱

* روز تولد صدیقه طاهره، فاطمه زهرا - سلام الله علیها - است؛ روز زن است. تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا - سلام الله علیها - جلوه کرده و

بوده است. یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است.^۱

✽ معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی - همه - در این موجود مجتمع است. انسانی است به تمام معنا انسان؛ زنی است به تمام معنا زن. از برای زن ابعاد مختلفه است؛ چنانچه برای مرد، و برای انسان. این صورت طبیعی نازلترین مرتبه انسان است و نازلترین مرتبه زن است و نازلترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است. انسان، موجود متحرک است؛ از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت. برای صدیقه طاهره این مسائل، این معانی حاصل است. از مرتبه طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است؛ حرکت معنوی؛ با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله ﷺ مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه‌ای که دست همه از او کوتاه است. پس، فردا تمام جلوه زن تحقق پیدا کرده است؛ و زن به تمام معنا متحقق است. فردا زن است.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷ - ۳۳۸.

* اگر روزی باید روز زن باشد، چه روزی والاتر و افتخارآمیزتر از روز ولادت با سعادت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - است. زنی که افتخار خاندان وحی [است] و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می‌درخشد. زنی که فضایل او همطراز فضایل بی نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود. زنی که هرکسی با هر بینش درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او بر نیامده - که حادثی که از خاندان وحی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده - و دریا را در کوزه‌ای نتوان گنجاند، و دیگران هرچه گفته‌اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او.^۱

* این خانه کوچک فاطمه - سلام الله علیها - و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار - پنج نفر بودند و به حسب واقع، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمتهایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب درآورده است. خطبه فاطمه زهرا - سلام الله علیها - در مقابل حکومت و قیام امیرالمؤمنین و صبر امیرالمؤمنین در مدت بیست و چند سال و در عین حال کمک کاری به حکومت موجود و بعد هم فداکاری در راه اسلام و فداکاری دو فرزند عزیزش، امام مجتبی که یک خدمت بسیار بزرگ و دولت جابر اموی را با آن خدمت رسوا فرمود و خدمت بزرگ برادر ارجمندش حضرت سیدالشهدا، چیزهایی بود

که همه می‌دانید و می‌دانیم. و با اینکه عده کم و اسباب و ابزار جنگ پیش آنها کم بود، لکن روح الهی و روح ایمان آنها را آنطور کرد که بر همه ستمکاران عصر خودشان غلبه پیدا کردند و اسلام را زنده کردند و برای ما و شما برادرهای عزیز الگو شدند که ما از کمی عده و کمی غده و کمی ابزار جنگ در مقابل تمام قدرتهایی که امروز با ما به جنگ برخاسته‌اند، مقاومت کنیم، و همان طوری که اولیای ما علیهم‌السلام نشان دادند که در مقابل مستکبران گاهی با تبلیغ و گاهی با اسلحه باید ایستاد و مستکبران را باید به جای خودشان نشاند، ما هم الگوی آنها را، تبعیت از آنها را می‌پذیریم.^۱

* کوشش کنید در تهذیب اخلاق و در وادار کردن دوستانتان به تهذیب اخلاق. کوشش کنید که در مقابل آن جنایاتی که بر شما وارد شد عکس العمل نشان بدهید، در حفظ همه حیثیاتی که حیثیت بزرگ زن است، آنطوری که زن فرید، حضرت زهرا - سلام الله علیها - بود. همه باید به او اقتدا کنید و کنیم و همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله او و فرزندان او بگیریم، و همان طوری که او بوده است، باشید. و در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه

است. و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شماس.^۱

✽ من راجع به حضرت صدیقه - سلام الله علیها - خودم را قاصر می‌دانم که ذکری بکنم، فقط اکتفا می‌کنم به یک روایت که در کافی شریفه است و با سند معتبر نقل شده است و آن روایت این است که حضرت صادق - سلام الله علیه - می‌فرماید: فاطمه - سلام الله علیها - بعد از پدرش ۷۵ روز زنده بودند در این دنیا، بودند و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت و و جبرئیل امین می‌آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می‌کرد و مسائلی از آینده نقل می‌کرد.^۲

✽ در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده‌اند - با اینکه آنها هم فضایل بزرگی است - این فضیلت را من بالاتر از همه می‌دانم که برای غیر انبیاء علیهم السلام آن هم نه همه انبیا، برای طبقه بالای انبیاء علیهم السلام و بعض از اولیایی که در رتبه آنها هست، برای کس دیگر حاصل نشده. و با این تعبیری که مرآورده داشته است جبرئیل در این هفتاد و چند روز،

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۴. اشاره به حدیثی از امام صادق (ع) که فرمود: «طلب العلم فريضة علي

کل مسلم: طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»، محاسن، برقی، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴.



برای هیچ کس تاکنون واقع نشده و این از فضایی است که از
مختصات حضرت صدیقه - سلام الله علیها - است.^۱

بقیه اهل بیت علیهم السلام

❖ «من أراد الله بدء بكم»^۱ ... [یعنی] کسی که بخواهد خدا را بشناسد یا اطاعت و عبادت خدا را بکند، اول باید پیش شما [اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله] بیاید، تعلیمات دینی و ترتیب عبادت را یاد گیرد... بی دستورات خدایی که پیغمبر اسلام به شما تعلیم کرده نباید قیام به عبادت کند.^۲

❖ معاویه یک سلطان بود در آنوقت؛ حضرت امام حسن بر خلافت قیام کرد در صورتی که آن وقت همه هم با آن مردک بیعت کرده بودند و سلطانش حساب می کردند. حضرت امام حسن قیام کرد تا آن وقتی که می توانست. وقتی که یک دسته علاف نگذاشتند که کار را انجام بدهد، با آن شرایط صلح کرد که مفتضح کرد معاویه را.

۱. فرازی از زیارت جامعه کبیره است.

۲. کشف اسرار، ص ۶۹

آنقدری که حضرت امام حسن معاویه را مفتضح کرد به همان قدر بود که سیدالشهداء یزید را مفتضح کرد. مقابله همیشه بوده است. بعدها هم علمای بزرگ همیشه، همیشه علمای بزرگ مخالفت می کردند؛ با قدرت ها همیشه علمای بزرگ مخالفت می کردند برای اینکه می دیدند که این مخالفین، این قلدرها، بودجه مملکت را خرج عیاشی های فرنگشان و کذا می کنند؛ قرض می کنند به عهده این ملت و می روند به عیاشی.^۱

* فداکاری ملت شجاع و متدین ایران در سایه فداکاری حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود. باید در پناه قضیه بزرگ عاشورا، مصیبت جانسوز دوازده محرم و ۱۵ خرداد زنده و جاوید بماند.^۲

* آنقدری که حضرت امام حسن علیه السلام معاویه را مفتضح کرد به همان قدر بود که سیدالشهداء یزید را مفتضح کرد. مقابله همیشه بوده است.^۳

* سیدالشهداء - سلام الله علیه - با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدّراتشان قیام کردند. چون قیام لله بود، اساس سلطنت آن خبیث را به هم شکستند. در صورت ایشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را، اساس سلطنتی که می خواست اسلام را به

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۷۱.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۸۷.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۷۱.

صورت سلطنت طاغوتی درآورد. خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند این نبود که غضب خلافت کردند؛ این یک خطر، کمتر از آن بود؛ خطری که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می‌خواستند بیاورند، می‌خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه «ما خلیفه رسول الله هستیم» اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقدری که این دو نفر ضرر به اسلام می‌خواستند بزنند یا زدند جلوتری‌ها آن طور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه می‌خواستند بکنند. سلطنت بود، شرب خمر بود، قمار بود در مجالسشان. «خلیفه رسول الله» و در مجلس شرب خمر؟! و در مجلس قمار؟! و باز «خلیفه رسول الله» نماز هم می‌رود در جماعت می‌خواند! این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود. این خطر را سیدالشهداء رفع کرد. قضیه قضیه غضب خلافت فقط نبود. قیام سیدالشهداء - سلام الله علیه - قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود. آن سلطنت طاغوتی که که اسلام را می‌خواست به آن رنگ درآورد که اگر توفیق پیدا می‌کردند، اسلام یک چیز دیگری می‌شد. اسلام می‌شد مثل رژیم ۲۵۰۰ ساله سلطنت. اسلامی که آمده بود و می‌خواست رژیم سلطنتی را و امثال این رژیمها را به هم بزنند و یک سلطنت الهی در دنیا ایجاد کند، می‌خواست «طاغوت» را بشکنند و «الله» را جای او بنشانند، اینها می‌خواستند که «الله» را بردارند، «طاغوت» را جایش

نشانند. همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق. کشته شدن سیدالشهداء - سلام الله علیه - شکست نبود چون قیام الله بود، قیام الله شکست ندارد.^۱

* اسلام همچو عزیز است که فرزندان پیغمبر جان خودشان را فدای اسلام کردند. حضرت سیدالشهداء - سلام الله علیه - با آن جوانها، با آن اصحاب، برای اسلام جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیا کردند.^۲

* سیدالشهداء دیدند که مکتب دارد از بین می‌رود. قضیه قیام سیدالشهداء و قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه، قیام انبیا در مقابل قدرتمندان و کفار مسئله این نیست که بخواهند یک مملکت [را] بگیرند. همه عالم پیش آنها هیچ است. مکتب آنها این نیست، مقصد آنها این نیست، که کشورگشایی بکنند.^۳

* سیدالشهداء - سلام الله علیه - با همه اصحاب و عشیره‌اش قتل عام شدند، لکن مکتبشان را جلو بردند؛ شکست در مکتب نبود پیشروی بود؛ یعنی بنی امیه را تا ابد شکست داد قتل سیدالشهداء؛ یعنی آن اسلامی که بنی امیه می‌خواست بد نمایش بدهد و با ادعای خلافت برخلاف همه موازین انسانی عمل بکند، آن را سیدالشهداء

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۹ - ۱۰.

۲. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۵۱.

۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۳۵.



— سلام الله عليه — با نثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را، شکست داد، ولو مقتول شد؛ ما اگر در رژیم سابق در این مبارزه شکست می‌خوردیم و آن مکتبمان محفوظ می‌ماند، دست نخورده می‌ماند، و خودمان از بین می‌رفتیم خیلی اهمیت نداشت؛ برای اینکه سیدالشهداء هم کشته شد؛ امیرالمؤمنین هم در جنگ با معاویه شکست خورد.^۱

* سیدالشهداء که خونس را داد، نمی‌خواست که حکومت کند؛ می‌خواست عدالت باشد. می‌دید که معاویه و پسرش اسلام را بد جلوه دادند، می‌خواست از این مطلبی که آنها می‌خواهند اسلام را یکجور دیگر جلوه بدهند بیرون بیاورد؛ اسلامی که همه خونشان را داده‌اند برای اینکه این مکتب را حفظش کنند؛ ولو خودشان می‌میرند ولی مکتبشان محفوظ بماند.^۲

* یزید ... که سیدالشهداء را کشته، این یکی از خطاهای کوچکش بود، خطای بزرگ این بود که اسلام را وارونه‌اش کرده بودند، و سیدالشهداء به داد اسلام رسید، سیدالشهداء اسلام را نجات داد. روضه سیدالشهداء برای حفظ مکتب سیدالشهداء است. آن کسانی که می‌گویند روضه سیدالشهداء را نخوانید اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهداء چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه؛ نمی‌دانند این گریه‌ها و

۱. تحقیق/امام، ج ۸، ص ۳۶۸.

۲. تحقیق/امام، ج ۸، ص ۴۰۹.



این روضه‌ها حفظ کرده‌این مکتب را. الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها و با این روضه‌ها و با این مصیبت‌ها و با این سینه زنی‌ها ما را حفظ کرده‌اند؛ تا حالا آورده‌اند اسلام را. این عده از جوان‌هایی که اینطور نیستند که سوءنیت داشته باشند خیال می‌کنند حالا باید ما حرف روز بزنیم! حرف سیدالشهداء حرف روز است، همیشه حرف روز است، همیشه حرف روز را سیدالشهداء آورده است دست ماها داده و سیدالشهداء را این گریه‌ها حفظ کرده است و مکتبش را، این مصیبت‌ها و داد و قال‌ها حفظ کرده؛ این سینه زنی‌ها و این دستجات، و عرض می‌کنم اینها حفظ کرده. اگر فقط مقدسی بود و توی اتاق و توی خانه می‌نشست برای خودش و هی زیارت عاشورا می‌خواند و تسبیح می‌گرداند، نمانده بود چیزی، هیاهو می‌خواهد.^۱

✽ اگر سیدالشهداء نبود، این نهضت هم پیش نمی‌برد. سیدالشهداء همه جا هست: کُلُّ اَرْضِ کربلا. همه جا محضر سیدالشهداء است، همه منبرها محضر سیدالشهداء است، همه محراب‌ها از سیدالشهداء است.

اگر سیدالشهداء نبود، یزید و پدرش و اعقابشان اسلام را منسی کرده بودند. اگر نسیان نشده بود، یک رژیم طاغوتی در خارج

منعکس شده بود. معاویه و یزید یک رژیم اسلامی را رژیم طاغوتی داشتند معرفی می‌کردند. اگر سیدالشهداء نبود، این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می‌کردند؛ به جاهلیت برمی‌گرداندند.^۱

✽ از هم اکنون مانند حسین اعلام می‌کنیم که: هر که با ماست به طرف ما بیاید و هر کس که با ما نیست به سمت لشکر یزید برود. یکی از کسانی که بایستی در راه حضرت سیدالشهداء آغشته به خون خود شود، خمینی است. حال که چنین است، باید ما روز عاشورا را در قم، کربلای حسین قرار بدهیم، تا یک کربلای ثانی درست کنیم؛ و مردم برای زیارت به قم بیایند. چه افتخاری بالاتر از این که در راه دین، در راه حسین، در راه استقلال مملکت کشته شویم.^۲

✽ الان عصر عاشورا است... گاهی که وقایع روز عاشورا را از نظر می‌گذرانم، این سؤال برایم پیش می‌آید که اگر بنی امیه و دستگاه یزید بن معاویه تنها با حسین سر جنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا با زن‌های بی‌پناه و اطفال بی‌گناه مرتکب شدند؟ بچه خردسال چه تقصیر داشت؟ زن‌ها چه تقصیر داشتند؟^۳

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۲۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۴۳.

* | مرقد علی نخستین امام و داماد پیغمبر در نجف است و در کربلا نیز مرقد امام حسین سومین امام و نواده پیغمبر قرار دارد. قبور این امامان در زیر گنبدی قرار دارد که از خارج طلا کاری است و تالّو و لمعان آن بی نهایت است، و از داخل نیز با هزاران آئینه درخشان آذین شده است. این دو امام و فرزندان امام حسین تا امام یازدهم، همگی توسط غاصبان اموی و عباسی به قتل رسیده‌اند، مع ذلک این ثروت نمایان در متن فقر بی نهایت محیط تعجب آور نیست. در واقع، این امر خود بیانی است از حالت انتقام مردمان شیعی اندیش از غاصبان حق امامانشان.^۱

* اسلام خیلی عزیز است، و اسلام خیلی فدایی داده. اسلام، امام حسین را فدایی داده؛ او را باید نگهش داشت. الان نوبت ماست. الان اسلام به دست ما افتاده. الان جمهوری اسلامی است. طاغوتی در کار نیست. ما باید فکر این باشیم که این اسلام را حفظ کنیم، نگه داریم. ما باید از این اختلافاتی که تازگی دارد [پیوسته] پیدا می شود و دامن به آن می زنند؛ آنهایی که می خواهند نگذارند این اسلام تحقق پیدا کند، به آن دامن می زنند، به اختلافات دامن می زنند، ما باید این اختلافات را کوشش کنیم از بین برود، و این وحدت کلمه‌ای که نعمت خدا، نعمت بزرگ خدا بود به ما داد محفوظ



بماند، تا اینکه این بار را ان شاء الله با سلامت، سعادت به منزل برسانیم.^۱

* ما هر روز باید گریه کنیم، ما هر روز باید منبر برویم برای حفظ این مکتب، برای حفظ این نهضت‌ها؛ این نهضت‌ها مرهون امام حسین - سلام الله علیه - هست.^۲

* الان باید فکر این مطلب باشید، این ماه مبارک شعبان، این ماه مبارک رمضان که خدای تبارک و تعالی یک حربه‌ای دست شما داده، الان این حربه دست شماست و دیگران ندارند این را و این هم از برکت امام حسین - سلام الله علیه - است. این حربه الان دست شماست، این حربه را به کار ببرید.^۳

* گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت، و زنده نگه داشتن همین معنا [ست] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد. دستور است. آن دستور عمل امام حسین، سلام الله علیه. دستور است برای همه: كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا؛ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاء دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را.^۴

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۳۲.

۲. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۲۷ - ۵۲۸.

۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۳۵.

۴. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۵.

* بر ملت و دولت است که کاملاً از آن [مجالس عزاداری و روضه‌خوانی اهل بیت (علیهم‌السلام)] نگهداری کنند که اساس مملکت‌داری و دینداری شیعه استوار بر آن است؛ زیرا که حفظ حکومت از وحدت ملی است و این شعار مذهبی، بهترین شالوده برای حفظ وحدت ملی است و با وحدت ملی، هیچ حکومتی تزلزل پیدا نمی‌کند.^۱

* امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند.^۲

* امام حسین - سلام الله علیه - خود و تمام فرزندان و اقربای خودش را فدا کرد و پس از شهادت او، اسلام قوی‌تر شد.^۳

* چه انتخاب خوبی است که روز ولادت حضرت سیدالشهداء (علیه‌السلام) روز پاسدار نامیده شده است. امیدوارم همان گونه که امام حسین (علیه‌السلام) با خون خود اسلام را زنده کرده، شما به تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمایید.^۴

* ما و هیچیک از دینداران نمی‌گوییم که با این اسم [مجالس عزاداری حسین بن علی] هرکس هر کاری می‌کند خوب است. چه

۱. کشف‌السرار، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۵.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۳۸.

۴. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۳۹.



بسا علماء بزرگ و دانشمندان، بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و به نوبت خود از آن جلوگیری کردند؛ چنانچه همه می‌دانیم که در بیست و چند سال پیش از این، عالم عامل بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبدالکریم [حائری] که از بزرگترین روحانیین شیعه بود، در قم شبیه‌خوانی را منع کرد و یکی از مجالس بسیار بزرگ را مبدل به روضه‌خوانی کرد و روحانیین و دانشمندان دیگر هم، چیزهایی که بر خلاف دستور دین بوده [را] منع کرده و می‌کنند.

ولی مجالسی که به نام روضه در بلاد شیعه به پا می‌شود - با همه نواقص که دارد - باز هرچه دستور دینی و اخلاقی است و هرچه انتشار فضائل و پخش مکارم اخلاق است، در اثر همین مجالس است. دین خدا و قانونهای آسمانی که همان مذهب مقدس شیعه است - که پیروان علی (ع) و مطیعان اولوالامرنند - در سایه این مجالس مقدس که اسمش عزاداری و رسمش نشر دین و احکام خداست تا کنون به پا بوده و پس از این هم به پا خواهد بود.^۱

* همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین - سلام الله علیه - کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است.



آنها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور، نباید زنها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب - سلام الله علیها - ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند، و صحبت‌هایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد - سلام الله علیه - رفت و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه مقابله غیر حق با حق نیست؛ یعنی، ما را بد معرفی کرده‌اند؛ سیدالشهداء را می‌خواستند معرفی کنند که یک آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم.^۱

* ما ملاحظه می‌کنیم که در زمان‌هایی که ائمه مسلمین علیهم‌السلام در فشار سخت بنی امیه و بنی العباس بودند مطالب خودشان را آنطور که ممکن بود به مردم می‌رساندند، حتی در ادعیه آنها، شما اگر ادعیه امام سجاد و سایر ائمه را ملاحظه بفرمایید مشحون است از اینکه مردم را بسازند برای یک امر بالاتر از آن چیزی که مردم عادی تصور می‌کنند. دعوت به توحید، دعوت به تهذیب نفس، دعوت به اعراض از دنیا، دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی،



معنی‌اش این نبوده است که مردم توی خانه‌هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند و مشغول ذکر و دعا باشند.^۱

* این امام سجاد است که مناجات‌هایش^۲ را شما می‌بینید، و می‌بینید چطور از معاصی می‌ترسد.^۳

* آنها در ضیافت بوده‌اند، در مافوق ضیافت هم بوده‌اند. در ضیافت بوده‌اند و از اینکه حضور در مقابل حق تعالی دارند و مع ذلک، دارند مردم را دعوت می‌کنند. از همین، کدورت حاصل می‌شده. توجه به مظاهر الهی، از غیب متوجه شدن به شهادت به مظاهر الهی، ولو همه‌اش الهی است، برای آنها همه الهی است، لکن مع ذلک، از آنجایی که، از آن غیبی که آنها می‌خواهند که «کمال انقطاع الیک»^۴ است، وقتی که توجه می‌کنند به مظاهر، این گناه بزرگ است. این گناه نابخشودنی است، این دار غرور است پیش سجاد.^۵

* حضرت باقر - سلام الله علیه - وقتی که می‌خواستند فوت کنند وصیت کردند که ده سال - ظاهراً - که در منی^۱ اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه‌ای است؟

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۲۲.

۲. صحیفه سجادیه.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۶۸.

۴. فرازی از مناجات شعبانیه است.

۵. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۶۹.



حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر می‌خواست چه کند گریه را؟ آن وقت هم در منی^۱ چرا؟ ایام حج و منی^۱. این همین نقطه اساسی، سیاسی، روانی، انسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم می‌آیند می‌گویند چه خبر است، چیست؟ می‌گویند [جریان] اینطور بوده. این توجه می‌دهد نفوس مردم را به این مکتب. و ظالم را منهدم می‌کند و مظلوم را قوی می‌کند.^۱

* نه این است که حضرت باقر - سلام الله علیه - احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصاً فایده‌ای داشته است، لکن جنبه سیاسی او را ببینید. در منی^۱ آن وقتی که از همه اقطار عالم آدم می‌آید آنجا، یک کسی بنشیند یا اشخاصی نوحه‌سرایی کنند برای امام باقر و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را - مثلاً - به شهادت رساندند، ذکر کند و این مسأله موجی باشد در همه دنیا. این مجالس عزا را دست کم گرفتند.^۲

* آنکه از حضرت باقر - سلام الله علیه - نقل شده است که فرموده است که من از «صمد»، تمام احکام و شرایع را، تمام حقایق را از «صمد» می‌توانم نشر کنم، مسأله هست این. البته ما هم از «صمد»

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۹۷ - ۹۸.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۴۵.

می‌توانیم اصول معارف را بفهمیم، لکن او زاید بر این مسائل می‌گوید.^۱

* حضرت صادق - سلام الله علیه - ... مقامش عالی و بلند است، ولادت و شهادتش موجب تحکیم و پیشرفت اسلام است.^۲

* به امر حضرت صادق - سلام الله علیه - و به سفارش ائمه هدی علیهم‌السلام ما بپا می‌کنیم این مجالس عزرا را، ما همان مسئله را داریم می‌گوییم؛ مقابل ظلم است، مقابل ظلم ستمکاران. ما زنده نگه داشتیم، خطبای ما زنده نگه داشتند، قضیه کربلا را؛ و زنده نگه داشتند قضیه مقابله یک دسته کوچک اما با ایمان بزرگ را در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ. گریه کردن بر شهید؛ نگه داشتن زنده نگه داشتن نهضت است این که در روایت هست که کسی که گریه بکند یا بگریاند، یا به صورت گریه‌دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است.^۳

* ما در آستانه روز مقدسی هستیم و عید مبارکی که در آن روز، بزرگ‌ترین شخصیت عالم برای اصلاح بشر و تحول بزرگتر تحولات، و نیز ولادت با سعادت فرزند او حضرت صادق - سلام الله علیه - که مذهب را ترویج و اسلام را ارائه داد به مردم. تحول

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۶۲ - ۲۶۳.

۲. صحیفه امام، ج ۱ ص ۱۵۷.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۴.

از شرکها، الحادها، آتش پرستی‌ها و همه انحرافها، به استقامت و توحید و توحیدپرستی. در مرکزی که بجای توحید و بجای حکومت الله بتها نشسته بودند و در عصری که بجای ستایش حق تعالی آتشها پرستیده می‌شدند.^۱

✽ در حدیث است که حضرت صادق - علیه سلام الله - در اواخر عمر، بستگان و فرزندان خود را احضار نمود و قریب به این مضمون به آنان فرمود که: «فردا با عمل باید در محضر خداوند بروید و گمان نکنید بستگی شما به من فایده دارد».

علاوه بر آن احتمال دارد که شفاعت نصیب آنان شود که با شفیع ارتباط معنوی‌شان حاصل باشد و رابطه الهی با آنان طوری باشد که استعداد برای نائل شدن به شفاعت داشته باشند و اگر این امر در این عالم حاصل نشود شاید بعد از تصفیه‌ها و تزکیه‌ها در عذابهایبرزخ، بلکه جهنم، لایق شفاعت شوند و خدا دانا است که امتدّ آنان تا چه اندازه است.^۲

✽ ایران جمعیتی ندارد در مقابل عالم. این ایمان جوان‌های ماست، این برکات رسول اکرم است، این برکات امام صادق است. این برکاتی است که چشم دنیا را خیره کرده است و همه را مضطرب

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۲ - ۲۲۳.



کرده. آنهایی که گمان می‌کردند که با یک تشر ایران را می‌توانند چه بکنند، گمان کردند که حالا هم زمان قاجار است.^۱

* من مطلب تازه‌ای ندارم و خودم را لایق نمی‌دانم که راجع به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت صادق - سلام الله علیه - چیزی عرض کنم؛ برای اینکه به آن مرتبه نیستم که بتوانم راجع به این مسائل صحبتی بکنم. فقط می‌خواهم عرض کنم به آقایان که معرف رسول اکرم، قرآن است. همان طور که خود رسول اکرم و حضرت صادق - سلام الله علیه - [و] ولی الله اعظم جلوه تام حق تعالی هستند، قرآن هم همان طور است. قرآن هم جلوه تام خدای تعالی است؛ یعنی، با همه اسماء و صفات، تجلی کرده است و ولی الله اعظم و رسول اکرم را با آن اشراق‌هایی که ما ازش اطلاع نداریم و با همه اسماء و صفات، محقق کرده است. و همین طور ولی الله اکرم حضرت صادق و سایر ائمه را، لکن معرف ایشان خود کتاب الهی است.^۲

* خود فقه، خود کتاب و سنت، خود فقهی که اکثرش را حضرت صادق - سلام الله علیه - بیان فرموده است، این فقه همه احتیاجات صوری و معنوی و فلسفی و عرفانی همه بشر را در طول مدت الی یوم القیامه [تأمین کرده]، این محتوایش این طور است.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۶۱.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۰۸.

اینها معرفی است که خود اینها معرف این بزرگوارانند و ما نمی‌توانیم که از آنها تعریفی بکنیم که لایق آنها باشد.^۱

* حضرت رضا - سلام الله علیه - در آن ابتلائاتی که داشت و در آن مصیبت‌های معنوی که برایش وارد می‌شد، بدون اینکه یک اختلافی ایجاد کند، با آرامش، راه خودش را به پیش می‌برد.^۲

* آن چیزی که می‌خواهم عرض کنم این است که ما و شما پیروان مکتبی هستیم که آن مکتب، ائمه هدی (علیهم‌السلام) جریان دهنده او بودند بعد از رسول خدا، و حضرت رضا - سلام الله علیه - که مهمان ما ایرانی‌ها هست و ما مفتخریم به اینکه زیر سایه‌ایشان هستیم، مجری این بودند.

ماها پیروان آنها هستیم و پیروان آنها باید لااقل یک پرتوی از آن چیزی که آنها داشتند تحصیل کنند و دقت کنند و کوشش کنند که تحصیل بکنند. آنها تمام عمر خودشان را صرف کردند برای اسلام.^۳

* رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیه الله است. باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را - که رضایت خداست - به دست بیاوریم.^۴

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۰۹.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۲۷.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۷۶.

۴. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۴۰.

* یکی می‌خواهد که بیاید احیا کند این افکار را. و من امیدوارم که انشاءالله حضرت بقیة الله زودتر تشریف بیاورند و این طبیب واقعی بشر، با آن دم مسیحایی خود اصلاح کند اینها را.^۱

* انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقی اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. در زمان ظهور مهدی موعود - سلام الله علیه - که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت در تمام عالم گسترش بدهد، و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن با اینکه برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیا آرزو داشتند، لکن موانع، اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند، و همه اولیا آرزو

داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود.^۱

✽ از خداوند تعالی خواهانم که جهانیان را از شرّ این ستمگران نجات دهد و صلح و صفا و آرامش بیشتری عنایت فرماید و کشور ما را به آرزوی خود که ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - مستقر کننده عدل و انصاف و آرامش دهنده جهان است، برساند و شهدای ما را به رحمتهایی که برای خاصان درگاهش اختصاص داده است مفتخر فرماید.^۲

✽ حضرت مهدی - سلام الله علیه - ابعاد مختلفه دارد که آنچه که برای بشر واقع شده است، بعض ابعاد اوست؛ چنانچه آنچه از قرآن و پیغمبر اکرم برای بشر معلوم شده است، بعض ابعاد آن معنویات است؛ معنویاتی در قرآن است که برای هیچ کس جز پیغمبر اکرم و کسانی که شاگرد او هستند و از او استفاده کرده‌اند، کشف نشده است. و در ادعیه ما مسائلی است که همانطور است؛ همانطوری که رسول اکرم به حسب واقع، حاکم بر جمیع موجودات است؛ حضرت مهدی همانطور حاکم بر جمیع موجودات است. آن خاتم

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۰ - ۴۸۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۰۷.

رسل است و این خاتم ولایت. آن خاتم ولایت کلی بالأصالة است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است.^۱

✽ برکت وجود رسول اکرم برکتی است که در سرتاسر عالم از اول خلق تا آخر یک همچو موجود با برکت نیامده است و نخواهد آمد. اشرف موجودات و اکمل انسان‌ها و بزرگ‌تر مرئی بشر؛ این وجود مبارک است. و مبین احکام اسلام و ایده‌های رسول اکرم، ذریه مطهر ایشان و خصوص حضرت جعفر بن محمد صادق هستند.^۲

ماها تابع و پیرو آن مردانی هستیم که به حسب روایت، به حسب تاریخ، هرچه روز عاشورا سیدالشهداء - سلام الله علیه - به شهادت نزدیکتر می‌شد، افروخته‌تر می‌شد. جوانان او مسابقه می‌کردند برای اینکه شهید بشوند. همه هم می‌دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. مسابقه می‌کردند آنها؛ برای اینکه آنها می‌فهمیدند کجا می‌روند، آنها می‌فهمیدند برای چه آمده‌اند. آگاه بودند که ما آمده‌ایم ادای وظیفه خدایی را بکنیم، آمدیم اسلام را حفظ بکنیم. اسلام از همه چیز عزیزتر است. پیغمبر اسلام و تمام ذریه او و تمام پیروان او، اینها همه دنبال این بودند که اسلام را نگهش دارند. اسلام امانت خداست؛ امانتی است از جانب خدا. پیغمبر اسلام مکلف است که این امانت را حفظ کند و از روزی که این امانت را به دست او

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۹.

۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۷.

دادند تا روزی که رحلت فرمودند، در تمام اوقات، دنبال همین مقصد بودند و هیچ روزی و هیچ آنی یک سستی - نعوذ بالله - به خودش راه نمی داد. اولیای ما هم همه اینطور بودند. پیروان پیغمبر باید اینجور باشند.^۱

* شهادت برای فرزندان اسلام و ذریه پیامبر عظیم الشان (ﷺ) و اولاد فاطمه (علیها السلام) و یادگاران حسین - سلام الله علیه - در راه هدف و اسلام عزیز و قرآن کریم چیزی غیر عادی و پدیده‌ای غیر معهود نیست.^۲

* نمی‌خواستند آن اسلامی که پیغمبر اکرم فرموده است و اهل بیت آن را می‌شناختند، نمی‌خواستند آن تحقق پیدا بکند؛ برای اینکه آن اسلام آن بود که خود پیغمبر و امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - رأس آن بود و زندگی‌شان آن بود، اینها می‌دیدند که اگر اسلام را به آن نحو بخواهند ارائه بدهند، به آنطوری که اهل بیت می‌خواهند ارائه بدهند، اینها ارائه بدهند، خوب، نمی‌توانند دیگر کاخ داشته باشند و آن مسائل. مردم در آن کوخها باشند؛ و آنها در کاخهای با عظمت باشند، که بعد از اینکه بعضی‌شان مردند، طلاهایشان را با کلنگ

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۹.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۱۷.

می‌شکستند و تقسیم می‌کردند! اسلام یک همچون عنوان سرمایه‌داری به آن معنایی که هست نمی‌پذیرد، اسلام قواعد دارد.^۱

✽ شما می‌دانید که اسلام آن قدر عزیز است، آن قدر بزرگ است، که پیغمبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار هستی خودشان را، همه چیز خودشان را، در راه اسلام فدا کردند. ما هم که پیرو آیین مقدس اسلام هستیم و پیرو پیغمبر اسلام و ائمه اسلام هستیم اگر یک مقداری فداکاری کنیم و در راه اسلام همان طور که آنها فداکاری کردند ما هم فداکاری کنیم این برای ما هر چند سخت باشد، لکن یک آسایش فکری است.^۲

سیدالشهداء و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان... اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهداء به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالی‌مقدار او هم فهماند که بعد از این که آن مصیبت واقع شد، باید چه کرد. باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ یا باید همانطوری که زینب - سلام الله علیها - در دنباله آن مصیبت بزرگی که *تَصَغَّرُ عِنْدَهُ الْمَصَائِبُ*، ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد مطلب را بیان کرد.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۱۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۹۱.

۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۳ - ۵۶.

✽ بنای انبیا و اهل بیت علیهم السلام این نبوده است که از مردم کناره‌گیری کنند؛ آنان با مردم بودند و هر وقت دستشان می‌رسید، حکومت را می‌گرفتند. هیچ وسوسه نکنید که وسوسه کار شیطان است. انسان در هر موردی باید روی موازین شرعی عمل کند و کار صواب انجام دهد.^۱

✽ باید ماه‌ها و شماها در گفتاری که داریم و خصوصاً در این ماه محرم و صفر، که ماه برکات اسلامی است و ماه زنده ماندن اسلام است، باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام که با ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام زنده مانده است این مذهب تا حالا؛ با همان وضع سنتی، با همان وضع مرثیه سرایی و روضه خوانی. شیاطین به گوش شما نگویند که ما انقلاب کردیم، حالا باید همان مسائل انقلاب را بگوییم و مسائلی که در سابق بود حالا دیگر منسی باید بشود؛ خیر.^۲

✽ پیامبر اکرم آن همه مشقات را کشید و اهل بیت معظم او آن همه زحمات را متکفل شدند و جانبازها را کردند؛ همه برای حفظ اسلام است. اسلام یک ودیعه الهی است پیش ملت‌ها که این ودیعه الهی برای تربیت خود افراد و برای خدمت به خود افراد هست و حفظ این بر همه کس واجب عینی است؛ یعنی، همه مکلف هستیم

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

حفظ کنیم تا آن وقتی که یک عده‌ای قائم بشوند برای حفظ او، که آن وقت تکلیف از دیگران برداشته می‌شود.^۱

* سیدالشهداء و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین - سلام الله علیه - کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است.^۲

* ائمه معصومین قیام کردند ولو با عده کم، تا کشته شدند و اقامه فرائض نمودند؛ و هر کدام می‌دیدند قیام صلاح نیست، در خانه می‌نشستند و ترویج [دین] می‌کردند. این شیوه‌ای بود که از اول اسلام بوده است.^۳

* ماییم و قانون اسلام؛ علمای اسلامند و قرآن کریم؛ علمای اسلامند و احادیث نبوی؛ علمای اسلامند و احادیث ائمه اسلام. هر چه موافق دین و قوانین اسلام باشد ما با کمال تواضع گردن می‌نهیم و هر چه مخالف دین و قرآن باشد - ولو قانون اساسی باشد، ولو الزامات بین المللی باشد - ما با آن مخالفیم.^۴

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۶۵.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۳ - ۵۴.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۴.

۴. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۶.

* پیشینیان ما، بزرگان دین ما و ائمه معصومین علیهم السلام در راه دفاع از اسلام هتک شدند؛ سیلی خوردند؛ به شهادت رسیدند؛ زندان رفتند؛ مسموم شدند. پیروان علی و فاطمه و اولاد روحانی و جسمانی آن بزرگواران همواره با حکام جائز مقابله کردند.^۱

* اسلامی که پیغمبر اسلام اینقدر زحمتش را کشیده است؛ ائمه هدی اینقدر خون دلش را خورده‌اند؛ علمای اسلام اینقدر زحمت کشیده‌اند؛ خمینی و امثال خمینی می‌توانند که یک چیزی بگویند که بر خلاف مصالح اسلام باشد؟ خمینی را از جامعه بیرون می‌کنیم.^۲

* از اوّلی که بساط انبیا بوده است تا زمان رسول اکرم، تا بعدها زمان ائمه علیهم السلام مرتب مقابله کردند. تو حبس هم [که] بودند مقابله کردند. موسی بن جعفر تو حبس هم مقابله می‌کرد. حضرت ابی عبدالله با آن تقیه کذایی و کذایی، آن «روایت مقبوله» را می‌فرماید و مقابله می‌کند با آنها. مقابله می‌کند با کلام، با تبلیغ؛ تبلیغ بر ضدشان می‌کند، مردم را سوق می‌دهد به خلاف آنها. معاویه یک سلطان بود در آنوقت؛ حضرت امام حسن بر خلافتش قیام کرد در صورتی که آن وقت همه هم با آن مردک بیعت کرده بودند و سلطانش حساب می‌کردند. حضرت امام حسن قیام کرد تا آن وقتی که می‌توانست. وقتی که یک دسته علاف نگذاشتند که کار را انجام بدهد، با آن

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۹۰.

شرایط صلح کرد که مفتضح کرد معاویه را. آنقدری که حضرت امام حسن معاویه را مفتضح کرد به همان قدر بود که سیدالشهداء یزید را مفتضح کرد. مقابله همیشه بوده است.^۱

* ... ائمه علیهم السلام که همه‌شان کشته شدند، برای این [بود] که همه‌اینها مخالف با دستگاه ظلم بودند. اگر امام‌های ما تو خانه‌هایشان می‌نشستند و ... مردم را دعوت می‌کردند به بنی امیه و بنی عباس؛ اینها که محترم بودند، روی سرشان می‌گذاشتند آنها ائمه ما را، لکن آنها می‌دیدند هر یک از [ائمه] حالا که نمی‌تواند لشکرکشی کند، از باب اینکه مقتضیاتش فراهم نیست، دارد زیرزمینی اینها را از بین می‌برد اینها را می‌گرفتند، حبس می‌کردند. ده سال در حبس آنها بودند. برای نماز و روزه بود که حبس کردند حضرت موسی بن جعفر را؟ چون نماز می‌خواند؟ چون روزه می‌گرفت؟ چون مردم را دعوت می‌کرد به [پیروی از] هارون الرشید و... [که] شما بروید و با آنها بسازید؟ هرچه آنها ظلم می‌کنند شما حرف نزنید؟! یا قضیه این نبوده است آنها از باب اینکه می‌دیدند این خطرناک است برای دولت خطرناک است، برای قدرت‌ها اینها خطرناک بوده‌اند برای اینها؛ از این جهت، اینطور شد که آنها را حبس کردند، کشتند، [اذیت] کردند، تبعید کردند.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۱.

✽ علمای اسلام، پیغمبر اسلام، ائمه اسلام، همیشه مخالفت با این سلاطین عصرشان کرده‌اند. زمان آنها دیگر سلاطین بوده [اند]؛ اینهایی که به اسم خلفا سلطنت می‌کردند. حضرت موسی بن جعفر را پانزده سال یا ده سال در حبس نگه می‌دارد آیا برای اینکه نماز می‌خواند؟^۱

✽ در زمان ائمه، اولاد ائمه قیام می‌کردند و به تحریک خود ائمه بوده؛ نه این است که ائمه اطلاع نداشتند. گاهی هم امام علیه السلام یک چیزی می‌فرموده‌اند برای حفظ او یا برای جهات دیگر؛ اما به حسب واقع اینها همان‌ها بودند و برای خاطر ائمه، آنها قیام می‌کردند. زید برای آن قیام آنقدر ثنا از او کردند. اگر زید یک آدمی بود برخلاف کرده بود، دیگر ائمه علیهم السلام چرا تعریف از او می‌کردند؟ چرا تأسف می‌خوردند اینقدر؟^۲

✽ شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز حسین علیه السلام و حبس و شکنجه و تبعید و مسمومیت‌های ائمه علیهم السلام همه در جهت مبارزات سیاسی شیعیان، علیه ستمگری‌ها بوده است. و در یک کلمه مبارزه و فعالیت‌های سیاسی بخش مهمی از مسؤولیت‌های مذهبی است.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۰۰.

۲. صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۸.

* اولاد طاهرين او مثل سيدالشهداء - سلام الله عليه - که قيام و نهضت کرد و خون خود را در راه اسلام داد، يا ساير ائمه ما که در پشت پرده تقيه، اسلام را ترويج و قرآن را تأييد کردند؛ پس از آنها تنها طايفه‌ای که با جباران و با ديکتاتورهای عصر مقابله و معارضه کردند، همين شيعيان علی عليه السلام بود.^۱

* خداوند بر ما منت نهاد که ائمه معصوم را ائمه ما قرار داد، خداوند بر ما منت نهاد که احکام مترقی اسلام را برای ما فرو فرستاد.^۲

* اين یک سيره‌ای بوده است در اسلام؛ از اول بوده. از اول... پیغمبر اسلام و ائمه ما فداکاری کردند، شهادت نصيبتان شد، اولاد دادند. حضرت علی بن الحسین به پدر بزرگوارشان عرض می‌کنند که ما به حق نیستیم؟ می‌فرماید چرا، ما به حقیق. می‌فرماید پس، از مردن نمی‌ترسیم: «لَا تُبَالِي بِالْمَوْتِ»^۳

* پیغمبرهای بزرگ و ائمه اطهار علیهم السلام دنبال اين بودند که تربيت کنند مردم را. خدای تبارک و تعالی انبيا را فرستاده برای تهذيب مردم؛ برای اصلاح مردم.^۴

۱. صحیفه امام، ج ۶ ص ۳۶۰.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۲۹.

۳. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۷۶.

۴. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۸۵.

* باید مملکت اسلامی به پیغمبر اسلام و ائمه اسلام اقتدا بکنند. همان طور که آنها سیره‌شان یک سیره محبت‌آمیز بود نسبت به برادر هاشان، نسبت به مردم، نسبت به مسلمین، باید ماها هم که تبع آنها هستیم، همین سیره را داشته باشیم و جدیت کنیم که جوان‌ها اینطور بار بیایند، اسلامی بار بیایند. جوان‌ها اگر اسلامی بار آمدند، اینها امین خواهند بود. اگر اسلامی بار آمدند اینها خیانت نخواهند کرد، و اینها مفید خواهند بود برای مملکت. و من امیدوارم که خداوند همه شما را توفیق بدهد، سلامت بدهد، تأیید کند.^۱

* هر که به ائمه هدی اهانت کند، واجب القتل است.^۲

* ما شیعه ائمه اطهار هستیم. ائمه اطهار اکثراً یا کشته شدند یا [مسموم] شدند؛ لکن مکتبشان محفوظ بود. کشته شد، مکتبش محفوظ بود. بلکه مکتب را زنده کرد. با این کشته شدن مکتب را زنده کرد. سیدالشهدا دیدند که مکتب دارد از بین می‌رود.^۳

* ائمه ما (علیهم‌السلام) در راه اسلام چه فداکاری‌ها کردند و هر چه داشتند در راه اسلام تقدیم کردند. ما هم باید، اگر شیعه آنها هستیم، اگر تابع آنها هستیم، در راه اسلام هر چه داریم بدهیم. اسلام عزیزتر

۱. صحیفه امام، ج ۸ ص ۴۹.

۲. صحیفه امام، ج ۸ ص ۲۵۸.

۳. صحیفه امام، ج ۸ ص ۳۲۵.

از هر چیزی است، و چون عزیزتر از هر چیزی است، نبی اکرم و ائمه ما هر چه داشتند در راه آن دادند.^۱

* ما هم که پیرو آیین مقدس اسلام هستیم و پیرو پیغمبر اسلام و ائمه اسلام هستیم اگر یک مقداری فداکاری کنیم و در راه اسلام همان طور که آنها فداکاری کردند ما هم فداکاری کنیم این برای ما هر چند سخت باشد، لکن یک آسایش فکری است.^۲

* به طور کلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند، برای آنها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی - سلام الله علیهم - بودند، آنها بودند و بعد فقها؛ آنهايي که متعهدند، آنهايي که اسلام‌شناس‌اند، آنهايي که زهد دارند؛ زاهدند، آنهايي که اعراض از دنیا دارند، آنهايي که توجه به زرق و برق دنیا ندارند، آنهايي که دلسوزند برای ملت، آنهايي که ملت را مثل فرزندهای خودشان می‌دانند؛ آنها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت.^۳

* اصلاً حضرت سیدالشهدا چه احتیاج به گریه دارد؟ ائمه این قدر اصرار کردند، به اینکه مجمع داشته باشید. گریه نکنید. [ندبه] بکنید. برای اینکه این حفظ می‌کند کیان مذهب ما را.^۴

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۴ - ۳۷۵.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۹۱.

۳. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۲.

۴. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۹۸.



* ما ذلت را نمی‌پذیریم، آنطور که بزرگ‌های ما، ائمه علیهم‌السلام نپذیرفتند ما نمی‌پذیریم. ما از اینکه آمریکا ما را محاصره اقتصادی بکند یا دخالت نظامی بکند ما از این نمی‌ترسیم.^۱

* و این مناجات‌ها و این ادعیه‌ای که ائمه علیهم‌السلام بعد از اینکه دستشان کوتاه شده بود از اینکه دعوت ظاهری خیلی واضح بکنند مردم را با این ادعیه به آن راهی که باید ببرند، راه می‌بردند.^۲

* تمام مدت عمرش را پیغمبر در زحمت و تعب بوده است و بعد از او هم ائمه ما همین‌طور بوده‌اند که یک روز خوش - به اصطلاح مادیین - نداشتند، گرچه همه خوش بودند به یک راه - به اصطلاح عرفا و اسلام شناس‌ها - در هر صورت، این یک شیوه‌ای بوده است که از اول، اولیای اسلام داشتند و در راه هدف خودشان حبس رفته‌اند و کشته شده‌اند و زجر کشیده‌اند.^۳

* این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه‌های دیگری که هست. بی‌خود بعضی از ائمه ما نمی‌فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانند. بی‌خود نمی‌گویند ائمه ما به‌اینکه هر کس که بگرید، بگریاند یا صورت گریه، گریه کردن به خودش [بگیرد] اجرش فلان فلان است.^۴

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۸۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۴.

۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۷.

۴. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

* ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند از راه‌های مختلف. اینها را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند.^۱

* و ائمه ما علیهم السلام همه‌شان یا در حبس بودند یا در تبعید بودند یا در محاصره بودند.^۲

* سایر ائمه ما علیهم السلام آنها همه عمر خودشان را صرف کردند تا اسلام را حفظ کنند و ما هم تمام عمرمان را باید صرف کنیم تا اسلام را که به دست ما سپرده [شده] است، حفظ کنیم.^۳

* ائمه ما تمام عمرشان را صرف برای ترویج اسلام کردند، اگر آنها یک سازش می‌خواستند بکنند، همه جهات مادی برایشان مهیا بود، لکن خودشان را فدای اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند.^۴

* مجلس عزای این است که گریه کنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند - البته این هم هست و دیگران را اجر اخروی نصیب کند - بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن، این [که] اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی‌تواند این کار را

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۱۵.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۳۵.

۴. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۲ - ۳۳۳.

به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر بکند.^۱

* و این خداست که ما را از این لعنزار و از این چاه هلاکت بیرون آورد و به مقام انسانیت شماها را رساند؛ مقامی که برای خدا، برای پیشبرد اهداف اسلام شما جنگ می‌کنید. نظیر مجاهدین این زمان، نظیر این جوان‌های این زمان، از اول تاریخ تا حالا نبوده است. اگر آنها بوده‌اند، اما کم بودند. زمان رسول الله ﷺ تا می‌آمد به زمان ائمه ما علیهم السلام آن زمان رشد اسلام بود. پیغمبر چقدر خون دل از این مردم همان بلاد خودشان می‌خورد! امیرالمؤمنین چقدر شکایت کرده است! قرآن چقدر شکایت کرده است؛ شکایت از همان مسلمان‌ها! امیرالمؤمنین از همان مسلمان‌ها و از همین کسانی که در اطرافش بودند شکایت می‌کردند، منبر می‌رفت آرزوی مرگ می‌کرد! امیرالمؤمنین وقتی هم که شمشیر را خورد از آن منافق، فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ فرمود.^۲

* آن چیزی که به دست آوردیم ارزش‌اش بیشتر از این معانی است. آنی است که سیدالشهدا - سلام الله علیه - زن و فرزند خودش را فدای او کرده، آنی است که رسول الله ﷺ زندگانی خودش را در راه او صرف کرد، و ائمه معصومین ما در راه او آن

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۵۱.

همه رنج دیدند. ما هم که مدعی هستیم، و امیدواریم که این ادعا صحیح باشد - مدعی این هستیم که شیعیان آنها و پیروان آنها هستیم - باید همان طور که آنها تحمل داشتند مصایب را، در مقابل ارزش انسانی، در مقابل ارزش‌های اسلامی، ما هم مصیبت‌ها را تحمل کنیم، و در مقابل همه مصیبت‌ها بایستیم، برای اینکه آن ارزش انسانی را به دست بیاوریم. اسلام را که رأس همه ارزش‌هاست در کشور خودمان و سایر کشورها پیاده کنیم.^۱

* بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ما ملاحظه می‌کنیم که در زمان‌هایی که ائمه مسلمین علیهم‌السلام در فشار سخت بنی امیه و بنی العباس بودند مطالب خودشان را آن طور که ممکن بود به مردم می‌رساندند، حتی در ادعیه آنها، شما اگر ادعیه امام سجاد و سایر ائمه را ملاحظه بفرمایید مشحون است از اینکه مردم را بسازند برای یک امر بالاتر از آن چیزی که مردم عادی تصور می‌کنند. دعوت به توحید، دعوت به تهذیب نفس، دعوت به اعراض از دنیا، دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی، معنی‌اش این نبوده است که مردم توی خانه‌هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند و مشغول ذکر و دعا باشند.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۹۱ - ۱۹۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۲۲.

✽ زمان رسول الله ﷺ آن همه گرفتاری‌ها و جنگ‌ها و آن مخالفت‌ها بود و نشد که حکومت به طور دلخواهی که ایشان می‌خواهند، متحقق بشود. در زمان سایر ائمه علیهم‌السلام هم، حتی زمان حضرت امیر که مواجه بود با آن جنگ‌های داخلی و آن منافق‌هایی که از کفار بدتر هستند و نگذاشتند حکومت شکل بگیرد به طوری که دلخواه باشد. اگر گذاشته بودند، مهلت داده بودند، ولو در یک دوره کوتاهی حکومت تحقق پیدا کرده بود، آن الگویی که آنها به عالم نشان می‌دادند، برای بشر تا آخر یک درس بزرگی بود. و ما باید متأسف باشیم برای این امر که محروم شدیم از یک همچو برکت بزرگی.

و امر دوم که باز نگذاشتند و نشد که ائمه ما علیهم‌السلام آن طوری که می‌خواستند بروز بدهند حقایق را، این هم بسیار مورد تأسف است، تأسف این از تأسف او بالاتر است، این چه علمی بوده است که نزدیک وفات، حضرت رسول ﷺ بیخ گوشی به حضرت امیر علی علیه‌السلام فرموده است و ایشان به حسب روایت - می‌فرماید - که «هزار باب از علم - یا هزار علم، هر کدام چه - برای من حاصل شد».^۱

✽ ما چطور می‌توانیم ادعا کنیم که ما شیعه‌این بزرگوار هستیم، باید همه و همه کسانی که دعوی تشیع می‌کنند - الا معدود قلیلی

که در صدر اسلام مثل ائمه هدی بودند - ما اظهار عجز کنیم که نمی‌توانیم. من نمی‌توانم که در این مجلس حتی یک بعد از ابعاد این بزرگوار را ذکر کنم، لکن برای اینکه یک راهی باز بشود برای آن اشخاصی که اطلاعاتشان زیاد است، معارفشان زیاد است و جهات معنویاتشان زیاد است، راهی باز باشد که آنها فکر کنند و درست بررسی بکنند، بررسی او را و بررسی حال ماها را.

در بُعد معارف، کسی که ادعیه حضرت را ملاحظه کرده باشد و نهج البلاغه را بررسی کرده باشد، می‌داند که پایه‌اش روی چه پایه‌ای هست؛ یعنی، آن که معارف قرآن را فهمیده است این بزرگوار است و کسانی که مورد تعلیم او بودند مثل ائمه هدی. دعوی معارف خیلی آسان است که شعری انسان بگوید، نثری بگوید و ادعا کند که ما دارای چه معارفی هستیم، این آسان است، دعوی هم خیلی کرده‌اند.^۱

* ما و شما پیروان مکتبی هستیم که آن مکتب، ائمه هدی علیهم السلام جریان دهنده او بودند بعد از رسول خدا، و حضرت رضا - سلام الله علیه - که مهمان ما ایرانی‌ها هست و ما مفتخریم به اینکه زیر سایه‌ایشان هستیم، مجری این بودند.

ماها پیروان آنها هستیم و پیروان آنها باید لااقل یک پرتوی از آن چیزی که آنها داشتند تحصیل کنند و دقت کنند و کوشش کنند که تحصیل بکنند. آنها تمام عمر خودشان را صرف کردند برای اسلام. تاریخ، از پیغمبر اسلام آن طور نقل می‌کند، از ائمه هدی هم نقل می‌کند که اینها دائماً مشغول مجاهده بودند. علاوه بر آن مجاهدات معنوی که فوق طاقت ماهاست، مشغول مجاهده بودند برای تحکیم مبانی اسلام و کوتاه کردن دست کسانی که به ملت‌ها ظلم می‌کنند، منتها هر کدام به آن مقداری که آن وقت قدرت داشتند. و مع الاسف، نگذاشتند که آن قدرتی که باید، برای آنها حاصل بشود تا ما طعم او را بجشیم و بتوانیم تبعیت کنیم.^۱

* آن چیزی که برای ائمه ما قبل از غدیر و قبل از همه چیزها بوده است، این یک مقامی است که مقام ولایت کلی است که آن امامت است که در روایت هست که «الحَسَنُ و الحُسَینِ امامان قَما او قَعَدَا»^۲.

وقتی قَعَدَا است که امام نیست. امام به معنای حکومت نیست، آن یک امام دیگری است و آن مسأله دیگری است. آن مسأله، مسأله‌ای است که اگر او را کسی قبول نداشته باشد اگر آن ولایت کلی را قبول نداشته باشد، اگر تمام نمازها را مطابق با همین قواعد

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۷۶ - ۷۷.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۷۶ - ۷۷.

اسلامی شیعه هم بجا بیاورید باطل است، این غیر حکومت است آن در عرض اینها نیست، آن از اصول مذهب است، آنی است که اعتقاد به او لازم است و از اصول مذهب است.^۱

* من گاهی فکر می‌کردم که حضرت امیر و همین طور در بین انبیا هم همین طور، در بین ائمه هم همین طور گاهی از خودشان تعریف می‌کنند، این چیه؟ این مبدأش همانی است که خدای تبارک و تعالی به آدم گفت، وادارش کرد به اینکه آن اسمایی را که خدا به او تعلیم کرده است، امر بهش کرد که باید بگویی. اگر این امر را نکرده بود آدم نمی‌گفت. اینها مأمورند که چون مقام، مقام بزرگی است به مردم معرفی کنند این مقام را برای تبعیت مردم، نه برای اینکه می‌خواهند خودشان را چه بکنند، حضرت امیر که در بسیاری از جاها از خودش تعریف می‌کند که من اعتنای به دنیا ندارم، او مأمور است این را بگوید، بهش هم سخت است این. انبیای دیگر هم که از خودشان یک چیزی صحبت می‌کردند برای اینکه این راه هدایت بوده است، نه برای اینکه برای خودشان بوده؛ راه هدایت به عالم غیب بوده. مثل یک طبیبی که هیچ هوای نفس ندارد، لکن می‌بیند که اگر طب خودش را نشان ندهد مردم به مرض می‌افتند، به یک مرضی می‌افتند، این مجبور می‌شود در عین حالی که

نمی‌خواهد از خودش تعریف کند، از طب خودش یا اینکه من متخصص در این امرم، تعریف کند.^۱

* رسول خدا ﷺ در عینی که برایش مشکل بود که حضرت امیر را معرفی کند و راه هدایت را به مردم بگوید، برای اینکه می‌دید ممکن است یک وقت اختلاف بشود، مع ذلک، خدا الزامش کرد که باید بگویی، اگر نگویی کاری نکردی، اینها الزامی است. اینکه در لسان ائمه می‌بینید که از خودشان تعریف می‌کنند گاهی، این یک الزامی است که از طرف غیب بر آنها شده است که باید این کار را بکنید، مردم طیب را بشناسند، مردم یک ظاهری می‌بینند که ظاهر این و آن یکی مثل هم است، گاهی هم می‌بینند که خوب، این آدم هم می‌کشد، این مأمور است که به آنها بفهماند که این آدمکشی چی است و راه هدایت این است؛ مثل همان طیب.^۲

* واقعاً پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی - علیهم السلام الله - در چه غربت‌هایی برای دین حق و امحای باطل، استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمت‌ها و اهانت‌ها و زخم زبان‌های «ابولهب» و «ابوجهل»‌ها و «ابوسفیان»‌ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابی‌طالب، به راه خود ادامه داده‌اند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرت‌ها و مرارت‌ها در مسیر

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۲۷.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۲۸.

دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگ‌های پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنی‌ها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگ‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و کوچه‌ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام رسالت آنان که اگر آنها به زبان و سخن می‌آمدند و از راز و رمز تحقق ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ﴾^۱ پرده بر می‌داشتند، زائران بیت الله الحرام در می‌یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان چه کشیده‌اند و مسؤولیت پیروان او چقدر سنگین است.^۲

* ما مفتخریم که ائمه معصومین، از علی بن ابیطالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان - علیهم آلاف التحیات و السلام - که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند.^۳

* و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی‌پایان است، یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین - علیهم صلوات الله - و متعهد به پیروی آنانیم.^۴

* و با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این

۱. «استقامت کن آنگونه که به آن امر شده‌ای»، هود، ۱۱۲.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۵ - ۳۴۶.

۳. وصیتنامه سیاسی - الهی.

۴. وصیتنامه سیاسی - الهی.

بزرگ‌راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثارِ عزیزان، پیروی کنند.^۱

* ما و شما پیروان مکتبی هستیم که آن مکتب، ائمه هدی - علیهم‌السلام - جریان دهنده او بودند بعد از رسول خدا، و حضرت رضا - سلام الله علیه - که مهمان ما ایرانیها هست و ما مفتخریم به اینکه زیر سایه ایشان هستیم، مجری این بودند.

ماها پیروان آنها هستیم و پیروان آنها باید لااقل یک پرتوی از آن چیزی که آنها داشتند تحصیل کنند و دقت کنند و کوشش کنند که تحصیل بکنند. آنها تمام عمر خودشان را صرف کردند برای اسلام.^۲

* پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله از اولی که دعوت کرده است تا آن وقتی که در رختخواب رفتن از این عالم بوده است و لقاء الله بوده است، در حال جنگ بوده. حتی آن وقتی هم که در بستر خوابیده است باز برای جنگ بسیج کرده است و آن همه مشقت‌هایی که ایشان دیدند؛ از قریب و از غیر قریب دیدند و بعد از آن هم همین طور؛ مسلمین دیده‌اند؛ ائمه ما دیده‌اند؛ امیرالمؤمنین دیده است. خوب! آنها برای اسلام چون بوده، به ذائقه‌شان شیرین بوده. ما باید کوشش کنیم که

۱. وصیتنامه سیاسی - الهی.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۷۶.

ذائقه‌مان را یک همچو ذائقه‌ای قرار بدهیم که برای ما هر چیز شیرین باشد.^۱

* متقابلاً این عید بزرگ را بر مهمانان عزیزى که از محضر مقدس امام ثامن - سلام الله علیه - تشریف آوردند [تبریک می‌گوییم]، ما قدم‌های شما را بسیار گرامی می‌داریم. شما از مرکزی آمدید که مرکز نور است، مرکز علم الهی است، مرکزی است که باید همه در آن مرکز آستان بوسی کنید، و باید اظهار تأسف کنم که دست ما کوتاه است، و از شما آقایان، روحانیون و دیگر قشرها مستدعی هستیم که آن جا که رفتید عرض ارادت ما را برسانید.^۲

* ما نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب - سلام الله علیه - هم که ایشان با تمام قدرت می‌خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی‌شود که هیچ کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و بالاخره همانها هم که مخالف هستند حضرت صاحب را شهید می‌کنند.^۳

* چیزهایی را که امروز علماء روح اروپا بدان با کمال وجد و سرافرازی به خود می‌بالند اموری است که در هزار و سیصد سال

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۹۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۶۳.

۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۰۳.

قبل از این، پیغمبر اسلام و امامان شیعیان، با صراحت لهجه، بی تردید و شبهه، به جهان اعلان کردند؛ در روزی که تاریکی سرتاسر عالم و بخصوص جزیره العرب را فراگرفته بود.^۱

✽ اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جانفرسای نبی اکرم را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند.

و اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابوسفیانیان که می خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید یادگار عصر تاریک بت پرستی که به گمان خود باکشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت و اعلام «لا خبر جاء ولا وحی نزل» بنیاد حکومت الهی را برکند. نمی دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می آمد. لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی بخش و قرآن هدایت افروز را جاوید نگه دارد و با خون شهیدانی چون فرزندان وحی احیا و پشتیبانی فرماید و از آسیب دهر نگه دارد^۲ و حسین بن علی آن عصاره نبوت و یادگار ولایت را برانگیزد، تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیدت خویش و امت معظم پیامبر اکرم نماید، تا در امتداد تاریخ، خون

۱. کشف اسرار، ص ۵۴.

۲. حجر، ۹.

پاک او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و از رهاوردهای آن پاسداری نماید.^۱

بخش دوم

آموزه‌های عترت علیه السلام
در کلام امام خمینی قدس سره

ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام

* حضرت سجاد در یک شب ... به حسب آن چیزی که وارد شده - تا صبح [گفت:] «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ السُّرُورِ وَ الْأَسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ.»^۱

* گوی بعض از نویسندگانش و امثال کسروی را نخورید که ادعیه را تضعیف می‌کردند؛ این تضعیف، تضعیف اسلام است، نمی‌فهمند اینها، بیچاره‌اند. نمی‌دانند در این کتاب چه چیزها هست، همان مسائل قرآن است با لسان دیگری که لسان ائمه باشد.

لسان قرآن یکجور زبان است، زبان دعا یکجور زبان است، زبان علما و عرفا و اینها هم یک زبان دیگر است. آنکه سبکبار می‌کند انسان را و از این ظلمت‌کده می‌کشد او را بیرون و نفس را از آن

۱. بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۸، ص ۶۳

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۶۸ - ۲۶۹.

گرفتاری‌ها و سرگشتگی‌هایی که دارد خارج می‌کند این ادعیه‌ای است که از ائمه ما وارد شده‌اند. ائمه ما - علیهم صلوات الله - که تقریباً همه‌شان گرفتار به یک ابرقدرت‌هایی بودند که نمی‌توانستند یک کاری را انجام بدهند.^۱

* پسر! دعاها و مناجات‌هایی که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است بزرگ‌ترین راهنماهای آشنایی با او - جل و علا - است و والاترین راهگشای عبودیت و رابطه بین حق و خلق است و مشتمل بر معارف الهی و وسیله انس با او است و ره‌آورد خاندان وحی است و نمونه‌ای از حال اصحاب قلوب و ارباب سلوک است. وسوسه‌های بی‌خبران تو را از تمسک به آنها، و اگر توانی از انس با آنها، غافل نکند. ما اگر تمام عمر به شکرانه آنکه این وارستگان و واصلان به حق، ائمه ما و راهنمایان مایند به نیایش برخیزیم از عهده بر نخواهیم آمد.^۲

* و چه بسا مسائل عرفانی که در قرآن و این مناجات‌های ائمه اطهار سلام الله علیهم و همین مناجات شعبانیه مسائل عرفانی هست که اشخاص، فلاسفه، عرفا تا حدودی ممکن است ادراک

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۱۱.



کنند، بفهمند عناوین را، لکن آن ذوق عرفانی چون حاصل نشده است نمی‌توانند وجدان کنند.^۱

* و از برکاتی که ما داریم، برای ما هست، برکات ادعیه‌ای است که از ائمه اطهار وارد شده است. ادعیه ائمه اطهار - همان طور که خود قرآن شریف هم آن طور است - که یک سفره‌ای است که پهن شده است برای اینکه همه قشرها از آن استفاده کنند. قرآن را چنانچه ملاحظه می‌فرمایید، در آن اکثراً آیات شریفه‌ای است که اکثر مردم از آن استفاده می‌کنند.^۲

* ادعیه‌ای که از ائمه اطهار وارد شده است این هم یک سفره‌ای است، پهن شده است برای اینکه همه از آن استفاده کنند، هر کس به مقدار فهمش. و اکثراً چیزهایی است که عامه مردم از آن استفاده می‌کنند و فقراتی در ادعیه هست که فلاسفه از آن استفاده می‌کنند. فقراتی هست که عرفا از آن استفاده می‌کنند. فقراتی هست که خاصه اولیا باید از آن استفاده کنند.^۳

* ادعیه‌ای که از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است - که به تعبیر بعضی قرآن صاعد است - این ادعیه به قدری معارف الهیه در آن هست که انسان متحیر می‌ماند، آن قدر معارف در ادعیه هست. مسائلی که -

۱. صحیفه / امام، ج ۱۷، ص ۴۵۷.

۲. صحیفه / امام، ج ۱۸، ص ۱۱۹.

۳. صحیفه / امام، ج ۱۸، ص ۱۲۰.

ائمه علیهم السلام - برای نوع مردم گفته‌اند به طور مسأله‌گویی به طور تعیین وظایف، آنها یک باب است که روی همان عرف عام صحبت شده است؛ وقتی که رسیدند به مناجات‌ها و ادعیه، مسائل فرق کرده است. آنجا دیگر زبان عامه مردم نیست. البته در آن همه چیز هست، لکن آن معارفی که در ادعیه و مناجات‌های ائمه علیهم السلام هست، آنها یک زبان دیگری است غیر زبان معمولی و غیر زبان ذکر احکام الهیه. و مطالعه این ادعیه راهگشایی است برای انسان و رسیدن به بعض مدارج الهیه. و من امیدوارم که همان طوری که این کشور ما و این ملت عزیز، در همه چیز متحول شده است، در این معانی هم متحول بشود.^۱

* شما ادعیه ائمه اطهار را ملاحظه کنید، ادعیه شلاقه‌هایی است که بر فرق ماها زده می‌شود.^۲

* اینها معرفی است که خود اینها معرف این بزرگواران‌اند و ما نمی‌توانیم که از آنها تعریفی بکنیم که لایق آنها باشد.

ادعیه ائمه هدی، دعا‌های آنها، همان مسائلی را که کتاب خدا دارد، دعا‌های آنها هم دارد با یک زبان دیگر. قرآن یک زبان دارد، یک نحو صحبت می‌کند و همه مطالب را دارد، منتها بسیاری در رمز است که ما نمی‌توانیم بفهمیم و ادعیه ائمه علیهم السلام یک وضع دیگری

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸۶.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۵۴.

دارد. به تعبیر شیخ عارف^۱ و استاد ما، ادعیه کتاب صاعد است. قرآن نازل؛ تعبیر می‌فرمود به اینکه قرآن کتاب نازل است که از آنجا نزول کرده است و ادعیه ائمه کتاب صاعد است؛ همان قرآن است رو به بالا می‌رود، جواب اوست تقریباً. کسی بخواهد بفهمد که مقامات ائمه چی است، باید رجوع کند به آثار آنها؛ آثار آنها ادعیه آنهاست. مهمش ادعیه آنهاست و خطابه‌هایی که می‌خواندند؛ مثل مناجات شعبانیه، مثل نهج البلاغه، مثل دعای یوم العرفه و اینهایی که انسان نمی‌داند که چه باید بگوید درباره آنها.^۲

✽ ما مفتخریم که ادعیه حیاتبخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی علیه السلام و صحیفه سجادیه^۳ ای زبور آل محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.^۴

✽ شما در ادعیه امیرالمؤمنین، خود رسول خدا، حضرت سجاد - سلام الله علیه - سایر ائمه، ملاحظه کنید چه جملاتی هست و ما چطور بعیدیم از این معانی، چه معارفی در این ادعیه هست که ما محرومیم از آن معارف، چه سوزی در قلب این خاصان خدا بوده

۱. آقای حاج شیخ محمدعلی شاه‌آبادی.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۰۹ - ۴۱۰.

۳. وصیت‌نامه سیاسی - الهی.

است که برای فراق خدا می سوختند و آتش جهنم را می گفتند اگر صبر کنیم، صبر در فراق را چه کنیم؟^۱ اینها برای ما مثل یک افسانه است، لکن واقعیت است، واقعیتی که آنها فهمیده اند و ما نفهمیدیم.^۲

* صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است؛ آن کتابی است الهی که از سرچشمه نورالله نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم الشان را به اصحاب خلوتگاه الهی می آموزد. کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم سفره الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هر کس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده می کند. این کتاب همچون قرآن الهی ادق معارف غیبی که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل می شود در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است، به شیوه خاص

۱. اشاره به فرازی از دعای کمیل است.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۵۴ - ۵۵.

خود قطراتی که از دریای بیکران عرفان خود می‌چشاند و آنان را محو و نابود می‌کند.^۱

✽ اگر بفهمند آنها که حضرت سجاد - سلام الله علیه - که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت، این ادعیه‌ای که از او باقی مانده است، چه کرده است و چگونه می‌تواند تجهیز بکند، به ما نمی‌گفتند که ادعیه برای چیست؟ اگر روشن فکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت جنبه سیاسی و اجتماعی‌اش چیست، نمی‌گویند که برای چه این کار را بکنیم.^۲

✽ از انمه هدی ادعیه‌ای وارد شده است که مضامین آنها را باید تأمل کرد، و آنهایی که اهل نظر هستند، اهل معرفت هستند بر آنها شرح کنند؛ آنها را به مردم ارائه بدهند، اگرچه هیچ کس نمی‌تواند آن چیزی [را] که به حسب واقع هست، شرح کند.

ما از این مسأله باید بگذریم و همان اکتفا کنیم به اینکه ما تابع هستیم. و ما قائل به این هستیم که نور نبوت و نور امامت از صدر خلقت بوده است و تا آخر خواهد بود.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۹ - ۲۱۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۶ - ۳۴۷.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۵۰.

اهل بیت (ع) و حکومت اسلامی

✽ علی بن ابی طالب بود که یک رجل سیاسی بود. از خطبش معلوم است که مرد سیاست بوده؛ و از کاغذی که به مالک اشتر نوشته و دستورهایی که داده، همه‌اش دستورهای سیاسی است. ما غفلت کردیم از مبادی امر و از صدر اسلام و از کیفیت سیاست رسول اکرم و از سیاست امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - و سیاست زیر زیر ائمه (ع) که به صورت تقیه سیاست‌ها را اجرا می‌کردند. به ما اینها تزریق کردند، و حتی به خود ما تعمیم کردند، که شما حق دخالت در این امور ندارید. اصلاً در شأن شما نیست! با این اسم که ما یک قدری خوشحال بشویم که آقا شما بالاتر از این هستید که در سیاست دخالت بکنید! شما یک رجل روحانی هستید؛

شما باید مردم را تهذیب اخلاقشان را بکنید؛ اخلاق برای مردم بگویند؛ و امثال این حرف‌ها.^۱

* ملت بزرگ اسلام از محراب مسجد کوفه تا صحرای افتخار آمیز کربلا و در طول تاریخ پر ارزش سرخ تشیع قربانیانی ارزشمند به اسلام عزیز و فی سبیل الله تقدیم نموده و ایران شهادت طلب هم از این پدیده سعادت‌مند مستثنا نیست، و انقلاب اسلامی گوش و چشمش پر از این شهیدان حسین گونه است.^۲

* مسأله حکومت در زمان پیغمبر بوده و سیاست هم بوده در زمان امیرالمؤمنین بوده و سیاست هم بوده، و اینکه همه نقل کرده‌اند و این قدر غدیر را بزرگ کرده‌اند، برای اینکه به ما بفهمانند، تعلیم بدهند به ما که این طوری باید باشد.^۳

* ابراهیم خلیل الله تاوان را پس داد، موسای کلیم الله داد و رسول خدا داد و امیرالمؤمنین آن همه شدت کشید و ائمه ما آن قدر سختی کشیدند؛ برای اینکه آنها همه در نظر داشتند که حکومت عدل ایجاد کنند.^۴

* اگر امر امامت به آنطور که خدا دستور داده بود و پیغمبر تبلیغ کرده بود و کوشش درباره آن کرده بود جریان پیدا کرده بود اینهمه

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۸۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۱۷.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۸.

۴. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۶۲.

اختلافات در مملکت اسلامی و جنگ‌ها و خونریزی‌ها اتفاق نمی‌افتاد و این همه اختلافات در دین خدا از اصول گرفته تا فروع پیدا نمی‌شد.^۱

* شما ادعیه حضرت سجاد را می‌بینید، دعاست اما چه می‌کند در این دعاها! هم معنویات هست، هم قضیه حکومت هست، همه چیز هست، هم از بین بردن حکومت ظلم است، چنانچه سیره همه ائمه علیهم السلام بر این بوده و ما به قدری در گوشمان خواندند که بابا بروید سراغ کارتان، کار نداشته باشید به حکومت، که حتی اشخاص که آگاه هم بودند، اینها هم بازی خورده بودند.^۲

* آن اولوالامری که پهلوی خدا و رسول قرار می‌گیرد^۳ باید پهلوی خدا و رسول باشد. باید مثل خدا و رسول - بلا تشبیه - یعنی ظلّ خدا و رسول باشد. حکومت سلطان اسلام «ظلّ الله» است. معنی «ظلّ» این است که حرکتی ندارد خودش، حرکت به حرکت اوست: سایه آدم خودش که حرکتی ندارد؛ هر حرکتی آدم می‌کند سایه هم، دستش را این جور می‌کند، سایه هم همان طور. «ظلّ الله» این است؛ آن کسی را که اسلام به «ظلّ الّلهی» شناخته است، این

۱. کشف الاسرار، ص ۱۳۵.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵ - ۶.

۳. اشاره به آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾: ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و پیامبر و پیشوایان خود تبعیت کنید، نساء، ۵۹.

است که از خودش یک چیزی مایه نگذارد، به تبع احکام اسلام حرکت بکند، حرکت حرکت تبعی باشد. رسول الله اینطور بود، «ظَلَّ اللهُ» بود.^۱

* به طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است؛ که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.^۲

* یا خیال می شود که کسی که اهل سلوک است، اهل سلوک باید به مردم دیگر کار نداشته باشد، در شهر هرچه می خواهد بگذرد، من اهل سلوکم، بروم یک گوشه ای بنشینم و ورد بگویم و سلوک به قول خودش پیدا کند. این سلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، در اولیا زیادتر از دیگران بوده است، لکن نرفتند تو خانه شان بنشینند و بگویند که ما اهل سلوکیم و چکار داریم که به ملت چه می گذرد هر که هر کاری می خواهد بکند. اگر بنا باشد

۱. صحیفه / امام، ج ۳، ص ۳۴۸.

۲. صحیفه / امام، ج ۲۰، ص ۳۱۹.



که اهل سلوک بروند کنار بنشینند، پس باید انبیا هم همین کار را بکنند و نکردند. موسی بن عمران اهل سلوک بود، ولی مع ذلک رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرد، ابراهیم هم همین طور، رسول خدا هم که همه می‌دانیم. رسول خدایی که سالهای طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه، عدالت ایجاد بشود. تبع ایجاد عدالت فرصت پیدا می‌شود برای اینکه هر کس هر چیزی دارد بیاورد. وقتی که آشفته است نمی‌توانند، در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل عرفان، عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه، فلسفه‌شان را، اهل فقه، فقه‌شان را، لکن وقتی حکومت یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت طلبها به مقاصد خودشان برسند، یک محیط آرام پیدا می‌شود، در این محیط آرام همه چیز پیدا می‌شود.^۱

اهل بیت علیهم السلام و وحدت اسلامی

* ائمه اطهار ما سفارش کردند به ما که پیوندید با هم؛ و با هم اجتماعمان را حفظ کنیم. و کسی که این اجتماع را بخواهد که به هم بزند، یا جاهل است و یا مغرض. و نباید به این حرف‌ها گوش بکنند. برادران سنی ما نباید به یک تبلیغاتی که از طرف دشمنان اسلام می‌شود ترتیب اثر بدهند. ما با آنها برادر هستیم.^۱

* نه عوام اهل سنت به سنت رسول الله عمل کرده و می‌کنند و نه عوام اهل شیعه پیروی از ائمه اطهار کرده‌اند. ائمه اطهار ما کوشش کردند تا اینها را داخل در آن جمعیت کنند، با آنها نماز بخوانند، به تشیع جنازه‌های آنها بروند. زمان کم آمد به این طرف، و

قدرتمندان این کار را کردند برای اینکه این دو طایفه با هم سرگرم باشند، و خودشان هر کاری می‌خواهند بکنند.^۱

* در مراسم حج ممکن است اشخاصی، از قبیل ملاهای وابسته به خود، را وادار کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند؛ و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعض ساده دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند. برادران و خواهران هر دو فرقه باید هوشیار باشند. و بدانند که این کوردلان جیره‌خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر می‌خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند؛ یا لاقبل به انحراف کشانند. برادران و خواهران باید بدانند که آمریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند؛ چرا که اسلام و کتاب و سنت را خوار راه خود و مانع از چپاولگری‌شان می‌دانند؛ چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان به پاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد. امروز توطئه بر ضد ایران و حکومت آن و حزب الله در حقیقت توطئه برای محو اسلام و کتاب و سنت است.^۲

* در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم؛ منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۹۴.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸.



شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی؛ یک دسته دیگر فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته فتوای حضرت صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه، اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و با یک تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق، آنها می‌خواهند نه‌این باشد نه آن، راه را اینطور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم، و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم.^۱

اهل بیت علیهم السلام و بیداری اسلامی

* جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم آفریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با آمریکای جهانخوار بوده است. و نزد جهانخواران و نوکران بی اراده آنان چه گناهی بالاتر از اینکه کسی از اسلام و حاکمیت آن سخن بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند.^۱

وظایف پیروان اهل بیت علیهم السلام

* پیغمبر اسلام هرچه داشت در راه اسلام داد؛ در تمام عمر آسودگی نداشت این سرور. و حسین بن علی - سلام الله علیه - همه چیزش را فدای اسلام کرد و در صدر اسلام همه چیز فدای اسلام بود، و ما هم باید اقتدای به آنها بکنیم، و ما هم امت همان پیغمبر و شیعه و پیرو همان اشخاصی هستیم که در صدر اسلام بودند. ملتها باید از جا برخیزند، اگر بنشینند و منتظر این باشند که برای آنها چه برای جهات مادیشان و چه برای جهات معنویشان دیگران بیایند و کاری بکنند این اشتباه است و اسباب این می شود که هیچ کاری نتوانند انجام بدهند. و در طول تاریخ به همان طوری که هستند باشند و فرزندان آنها هم به همین ترتیب باشند، و اگر توجه به خدا بکنند و با توجه به خدا اشتغال به کار بکنند و اشتغال به فعالیت برای اسلام بکنند، خدای تبارک و تعالی راهها را بر آنها

باز می‌کند. شاید تاریخ نتواند بنویسد آن راههایی که برای ایران باز شد، آن هدایت‌هایی که بدون اینکه ماها متوجه او باشیم، هدایت‌هایی که تحمیل به ما شد. ما می‌خواستیم یک کار بکنیم، یک وقت می‌دیدیم که کار دیگر داریم انجام می‌دهیم، و کار دیگر آن بوده است که باید انجام داد. این را در تاریخ نمی‌شود ثبت کرد، این علمی است که مال سینه‌هاست.^۱

* آنهایی که شیعه این مرد بزرگ هستند البته نمی‌توانند مثل او باشند، خود ایشان هم فرمود شما قدرت این را ندارید، حتی قدرت همین زهد ظاهریش را، چه برسد به معنویاتش، لکن نباید ما گمان کنیم که ما شیعه امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - هستیم. و خود او در دعای کمیل و سایر ادعیه‌هایش و در روشش آنطور خوف از خدا داشت، و آنطور از عاقبت می‌ترسید که منعکس شده است این در دعای کمیل و در حالات او و ما اصلاً دنبال این مسائل نباشیم و بگوییم ما شیعه هستیم. آنطور بسط عدالت، اگر موفق شده بود، کرده بود که الگو شده بود برای همه حکومت‌های عالم، نگذاشتند. ما بگوییم شیعه هستیم و خدای نخواستہ ظلم بکنیم، نمی‌شود این. اگر در روایات فرموده‌اند که پیروان علی، اهل سعادتند^۲، باید ما

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۳ - ۳۱۴.

۲. اشاره به حدیث پیامبر اکرم(ص) که فرمود: «شیعة علی هم الفائزون؛ شیعه علی رستگارانند». دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، ج ۱، ص ۷۵.



بینیم ما پیرو هستیم یا نیستیم؟ ما به وظایفمان، حتی به همان وظایف صوری‌مان عمل می‌کنیم یا نمی‌کنیم؟ ما در این جمهوری اسلامی چه کردیم و چه می‌خواهیم بکنیم؟ و با ما چه کردند و چه خواهند کرد؟^۱

فصل دوم

گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب
در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

بخش اول

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام
در کلام رهبری

اهداف مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

* با توجه به نیاز امت بزرگ اسلامی به وحدت و هماهنگی همه مذاهب و گرایش‌ها و با توجه به اینکه پیروان اهل بیت - سلام الله علیهم - و فرق مختلف شیعه مجموعه عظیم و بخش بزرگی از امت اسلامی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند در وحدت نقش مفیدی را ایفاء کنند ما در فکر افتادیم این کنفرانس را برای بررسی ابعاد مختلف علمی و سیاسی و تاریخی مکتب اهل بیت (سلام الله علیهم) تشکیل دهیم.^۱

* کار [مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام] بسیار مهم است. در ذهن من، این یکی از مهم‌ترین کارهایی است که مجموعه کنونی جمهوری

۱. در رهنمودهایی درباره نوع و هدف از برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۶۸/۱۱/۲.

اسلامی، از سیاسیون و علمایش، باید به فکر آن می‌بودند و بایستی انجام می‌دادند. این، هدف بسیار بالایی است.^۱

* هدف اصلی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)] تعارف و تقریب بین شیعیان جهان است.^۲

* یکی از اهداف، شناخت شیعه در سراسر دنیا است. ما باید بدانیم: شیعیان در دنیا چه می‌کنند، چه کسانی هستند، چه تعدادی هستند، به کجاها وابسته‌اند، چه کسانی در آنها نفوذ دارند و اعتقادات آنها چگونه است.^۳

* اهداف خوبی [برای مجمع جهانی اهل بیت (ع)] مطرح شده که باید این اهداف را تأمین کنیم.

این اهداف بطور فهرست‌وار عبارتند از:

- ایجاد رابطه بین خانواده شیعی؛
- هدایت افکار شیعیان؛
- تجمع شیعیان؛
- رونق دادن به حوزه‌های علمیه شیعه؛
- حل کردن مشکلات شیعیان در افق جهان اسلام؛

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۷۰/۷/۴.

۲. در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنفرانس جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۶۹/۱/۲۶.

۳. در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنفرانس جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۶۹/۱/۲۶.



- استفاده کردن از امکانات شیعیان در جهت حل مشکلات آنها. مثلاً، تجّار بزرگ، سیاستمدار بزرگ و مؤلفین و علمای خوبی در بین شیعیان داریم که می‌توانیم از توانها و امکانات مادی و معنوی اینها استفاده بکنیم.

این اهداف را ما باید بطور دقیق‌تر مشخص کنیم و بنویسیم، بعد تلاش کنیم تا به معنای واقعی کلمه به این اهداف نزدیک بشویم. باید کار، عمیق باشد.^۱

اهداف خوب، گفته شده است. پس این اهداف را تدوین کنیم. هدف، «تجمع شیعه»، «ایجاد رابطه بین خانواده شیعی»، «راقی کردن فکر اینها»، «رونق دادن به حوزه‌های علمیه اینها»، «حل کردن مشکلات اینها با بقیه گروه‌های مسلمان در افق جهان اسلام - که همان وحدت و تقریب هم به این جا ربط پیدا می‌کند -» و «استفاده از امکانات اینها» است. بعضی تاجر بزرگ، بعضی سیاستمدار بزرگ، بعضی آدم مؤلف خوب و عالم بزرگ و از این قبیل هستند. از اینها و امکاناتشان استفاده بشود.

ما این اهداف را مشخص کنیم و بنویسیم. بعد با کار عمیق و علمی و نوشتن کتاب، خودمان را - به معنای واقعی کلمه - به این اهداف نزدیک کنیم.^۲

۱. در دیدار با اعضای دبیرخانه موقت مجمع جهانی اهل بیت، ع.ج. - ۱۳۶۹/۲/۲۹.

۲. در دیدار با اعضای دبیرخانه مجمع جهانی اهل بیت، ع.ج. - ۱۳۶۹/۲/۲۹.

* آن چیزی که هدف طبیعی یک چنین کاری هست، قهراً عبارت از این است که در چند جمله کوتاه: شیعه در دنیا متفرق است. اولاً یک مرکزی لازم است که اینها را به هم وصل کند. ثانیاً در درجه دوم و اهم، این مرکز آنها را به سمت آن افکار صحیحی که یک شیعه باید داشته باشد حرکت بدهد. مورد سوم قهراً مترتب بر این دو است. چون عمل درست و حرکت درست، ناشی از فکر درست است. یک حرکت عمومی صحیحی هم در شیعه به وجود خواهد آمد در جهت رونق بخشیدن به مکتب اهل بیت و به حقایق اسلامی و ارائه اسلام از دیدگاه اهل بیت که طبعاً اتقان فوق العاده‌ای دارد. هدف اصلی این است که یک مرکزی لازم است برای این که همه این متفرقات را مجتمع کند. مقدمه این، البته همین شناسایی‌ها و آمارگیری‌ها و ارتباط برقرار کردن‌هاست. اینها مقدمه است. ذی‌المقدمه، عبارت است از رابطه فکری گرفتن، اینها را هدایت کردن، کتاب دادن، مقاله دادن، مجله دادن، از اینها نظر خواستن، تبادل و تعاطی افکار.^۱

* درباره مسائل گوناگون اسلامی، شیعه برجستگی دارد. علاوه بر دیدگاه‌های خودش، در بعضی از فنون اسلامی شیعه بخصوص، برجستگی دارد که بقیه فرق شیعی این برجستگی را ندارند. خُب از

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۲/۷/۱.



اینها استفاده کنیم و متفرقات شیعه را در اطراف عالم به سمت یک محور واقعی فکری و معرفتی بکشانیم و اینها را حول این محور جمع کنیم. این آن هدف اصلی و ذی المقدمه است در حقیقت. یعنی جووری بشود که بعد از ده سال، پانزده سال که گذشت شیعیان درباره مسائل عمده و امهات مسائل مورد بحث، مقارب فکر کند. قهراً به دنبال فکر، عمل و تحرک و تصمیم‌گیری است. این هدف اصلی است.^۱

* این اهداف را اگر بخواهیم فنی عمل بکنیم بایستی بر زمان تقسیم کنیم. یعنی فرض کنیم بگوییم که ما می‌خواهیم به این هدف برسیم در سر پانزده سال. بنابراین در فاصله بین حالا تا این پانزده سال، هر سالی یک سهمی از عمل متناسب با این هدف داریم. اگر این کار را بکنیم آن وقت هر سال به کارنامه خودمان نگاه می‌کنیم، ببینیم آیا این کارها انجام گرفته یا نه؟ می‌دانیم که ما را خواهد رساند به آن هدف یا از برنامه جلو هستیم، یا عقب. یک برنامه‌ریزی متناسب با سال‌ها و مدرج به حسب سنین. پس یک کار، تحدید هدف و تقسیم اوست بر سال‌ها.^۲

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۲/۷/۱.

۲. در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۲/۷/۱.

اهمیت عضویت در مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

✽ من به طور یقین و صادقانه عرض می‌کنم که اگر وقت می‌داشتم، واقعا در این مجموعه شما عضو می‌شدم و خودم کار می‌کردم؛ چون این کاری است که دیگر صدقه بی‌حرف است؛ هیچ حرفی در آن نیست. هر کاری که آدم می‌کند، ممکن است مثلاً یک گوشه‌اش خراب بشود؛ اما این دیگر لُبّ لباب است؛ کار برای اهل بیت و افکار اهل بیت و در آوردن اهل بیت از مظلومیت. واقعاً دیگر از این کار بهتر چه می‌شود؟ شیرین‌ترین کارها این است. هرچه هم خرج این کار بشود، به نظر من بجاست.^۱

✽ اگر ان شاء الله شما بتوانید با همت والا و بلندی که بحمد الله دارید و با امکان عظیمی که نفس این اجتماع دور یکدیگر و همت‌گماری به این کار در اختیار هر مجموعه‌ای قرار می‌گیرد، این

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۷۰/۷/۴.



راه را با قوت اداره کنید، این جهاد بزرگی و حرکت عظیمی است؛ این مورد رضای اهل بیت و ائمه بزرگوار علیهم السلام است و مورد رضای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار می گیرد. کار بسیار بزرگی است، این، وظیفه است.^۱

۱. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

الهی بودن کار مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

✽ خداوند ان شاء الله [این کار را] قبول کند و این را یک گام در مسیر پیشرفت و قدمی به سوی تعریف راه و مکتب اهل بیت علیهم السلام و کاری که امروز مطابق رضای آنهاست، محسوب کند. این کار پیش خواهد رفت.^۱

✽ ان شاء الله که خداوند آقایان را توفیق بدهد و کمک کند. به هر حال، من این کار را کار خیلی مهمی می بینم. یعنی کاری است که واقعاً اگر ما از خدا کمک بگیریم و پیش برویم، ان شاء الله آثاری بر آن مترتب خواهد بود.^۲

✽ ان شاء الله این شروع یک حرکت مستمر باشد و در آینده این حرکت، با تمسک به خواست اهل بیت عترت و طهارت - سلام الله

۱. در دیدار با اعضای دبیرخانه مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۶۹/۲/۲۹.

۲. در دیدار با اعضای دبیرخانه مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۶۹/۲/۲۹.

عليهم اجمعين - همه ما بتوانیم آن خواست‌ها را تأمین بکنیم و در جهت اهداف آنها پیش برویم و روز به روز قلب مقدس ولی عصر - ارواحنا فداه - را از خودمان خشنود کنیم.^۱

* ان شاء الله خداوند به آقایان توفیق بدهد و کمک کند. در هر حال من اینکار را خیلی مهم می‌دانم و این کاری است که اگر ما از خدا کمک بگیریم و پیش برویم، ان شاء الله آثار و برکات زیادی خواهد داشت.^۲

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۹/۲/۴.

۲. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۰/۷/۴.

وظایف مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

✽ این بزرگواران [اهل بیت پیامبر (ص)] همواره مظلوم بودند؛ «ولم نزل اهل البیت مظلومین»^۱ و همچنان مظلوم هستند. به خاطر این که برای بسیاری از مسلمین، معارفشان شناخته نیست و راهشان مشخص نمی‌باشد. این مسؤولیت به عهده ماست که هرچه می‌توانیم، در جهت معرفی اهل بیت و روشن کردن راه آنها و متشکل کردن پیروان آنها و هدایت بچه‌های شیعی به سمت اهداف اهل بیت تلاش کنیم. ما خواستیم که این مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در این طریق کار یک مرکز را بکند.

بدیهی است که همه کارهایی که در این زمینه باید کرد، از عهده یک مجموعه خارج است؛ لیکن این مجموعه می‌تواند برای بسیاری

۱. بخشی از خطبه امام حسن مجتبی (ع) به این معنا که: «ما اهل بیت همواره و همچنان مظلوم هستیم».

از کارها مرکزی باشد و خیلی از کارهای دیگر را هدایت کند. آنچه که برای من و شما و شیعیان مناطق دیگر عالم و بسیاری از مردم خود ما که از این قضیه آگاه هستند، توقع برانگیز است، نفس اعلان این مسأله است. این خودش توقع برانگیز است. منتظرند که حالا در دنباله این کار چه خواهد شد.^۱

* راجع به مجموعه شیعه در دنیا، آحاد شیعه و میلیون‌ها انسانی که در سراسر عالم هستند - شاید نزدیک به دویست میلیون شیعه امروز در دنیا هست - نسبت به آنها هم شما دارای نقش و دارای تأثیر هستید؛ هم در جنبه شکلی و سازماندهی شیعه و شناسایی آحاد شیعه در دنیا، شما مسؤولیت دارید و پشتیبانی و رسیدگی به حوائج شیعه و کمک به شیعه، در هر جای دنیا که هستند و ایجاد یک مجموعه واحدی از آحاد میلیونی کثیر شیعه که بتوانند در دنیا، در قضایای عظیم جهانی حرفی را بزنند که با فکر آنها و عقاید آنها منطبق است و اقدامی را بکنند که مصلحت می‌دانند که اینها با تجمع و اجتماع، امکان‌پذیر خواهد شد و بدون آن نه. هم در این بخش که بخش شکلی است، بخش سازماندهی است، این مجموعه دارای مسؤولیت است؛ هم در جنبه معنوی و محتوایی. یعنی در نشان دادن اندیشه شیعی و فکر شیعی که در دوره‌های مختلف تاریخ -

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۰/۷/۴.



در هر دوره‌ای به دلیلی - این فکر مظلوم واقع شده است و مورد تهاجم قرار گرفته است و نسبت به پیروان آن جفا شده است.^۱

✽ تلاش‌های مجموعه مجمع اهل بیت (علیهم‌السلام) در اطراف عالم دو بخش تقسیم می‌شود: در بخش اول، آمارگیری دقیق شیعه مهم است. شناسایی آحاد شیعه در دنیا مهم است. کجاها هستند؟ چه می‌کنند؟ چه امکاناتی در اختیار آحاد شیعه است که می‌تواند برای جمع دیگری از شیعه مورد استفاده قرار بگیرد و جامعه شیعی را مجموعاً، از یک امکاناتی برخوردار بکنند. تلاش آنها، کار آنها، امکان علمی شان، امکان سیاسی شان، امکان اجتماعی شان، امکان مالی شان، امکانات بالقوه سیاسی شان، این جزو کارهایی است که در آن بخش اول باید انجام بگیرد. مرتبط کردن شیعه با یکدیگر، از این جمله است. حفظ عقائد جوانان شیعه در اطراف دنیا، از این قبیل است.

بسیاری از جاهای دنیا، آحاد شیعه و جوانان شیعه نمی‌توانند عقاید خودشان را حفظ کنند، به خاطر فشارهایی که روی آنها هست. بسیاری از آنها نمی‌توانند کسب علم و سواد و تحصیلات بکنند، بخاطر فشارهایی که بر آنها هست. بسیاری از آنها در جاهایی نمی‌توانند به مقامات سیاسی و قدرهای سیاسی دست پیدا بکنند و

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۱۱/۸ مصادف با نیمه شعبان.

منشأ اثر سیاسی بشوند، به خاطر فشارها و تبعیض‌هایی که نسبت به آنها در بعضی جاهای دنیا هست. اینها گره‌هایی است، این گره‌ها را کی باید باز کند؟ مجموعه این کارها جزو وظائف این مجمع است.^۱

✽ شما برادران و خواهران عزیز که در این مجمع عظیم و الهی شرکت دارید، این حرکت را حقیقتاً یک جهاد به حساب آورید. شما باید بتوانید از فکر مکتب اهل بیت و از شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام دفاع کنید؛ این مکتب را آنچنان که هست و می‌درخشد، معرفی نمایید؛ از این که به کسانی از این مجموعه عظیم در اکناف عالم ظلم شود، جلوگیری کنید؛ این که کسانی از اینها - که به ایتام آل محمد علیهم‌السلام تعبیر شده است - در معرض فتنه فکری یا فتنه جسمی قرار گیرند، جلوگیری کنید. اینها وظایف سنگینی است.^۲

✽ رسالت مجمع اهل بیت این است: احساس اعتزاز و افتخار به هویت پیروی اهل بیت، ما افتخار می‌کنیم به اینکه این بزرگواران را شناختیم. ما خدا را شکر می‌کنیم که نسبت به مقامات اهل بیت - علیهم‌السلام صلوات الله - غافل نماندیم، خداوند ما را هدایت کرد و فهمیدیم، شناختیم. و احساس کنیم که باید این حقایق را در مقابل چشم مردم جهان قرار داد؛ همان طور که ائمه قرار می‌دادند؛ نه با تنگ‌نظری، نه با ستیزه‌گری، نه با آمیختن مطالب خرافاتی و خرف‌ها

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۲/۱۱/۸ مصادف با نیمه شعبان.

۲. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.



را با این گوهرها مخلوط کردن، که یکی از مسائل امروز ما این است. ما باید از مفاهیم دینی خرافه زدایی بکنیم. به طور کلی از جمله مفاهیمی که در حوزه معرفت اهل بیت و معارف اهل بیت وجود دارد، این مسأله است، و این، کار علماست؛ کار برجستگان است؛ کار هر کسی نیست و این وظیفه علما و متخصصان را سنگین می‌کند. همانطور که در روایات وارد شده است؛ «محاسن کلام اهل بیت را به دیگران معرفی کنید»، که - «فان الناس لو علموا محاسن کلامنا...»^۱ - اگر مردم آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌های کلمات اهل بیت را ببینند، به خودی خود دل‌ها را متوجه آنها می‌کنند و مجذوب آنها می‌شوند؛ این امروز وظیفه ماست.^۲

✽ برادران و خواهران عزیز! شما کار بزرگی را بر عهده گرفته‌اید. مجمع اهل بیت وظایف بزرگی را برای خودش تعریف کرده است. این کارهای شکلی - چند تا سمینار در کجا و... - کارهای کوچکی است. کار اساسی شما، کاری است که باید در خلال این فعالیت‌ها تحقق پیدا کند و آن، معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است به دنیای اسلام، بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت‌اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت

۱. حدیثی از امام رضا(ع) به این معنا که: «اگر مردم زیبایی‌های سخن ما را بدانند بدون شک از ما پیروی خواهند کرد». وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۸، ص ۶۶ انتشارات اسلامیه.

۲. در دیدار با شرکت‌کنندگان چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام -

معرفی می‌شود، به نحو جامع و کاملی وجود دارد؛ معنویت بدون انزوا، بدون جدایی از زندگی، معنویت همراه با سیاست و عرفان، همراه با فعالیت اجتماعی، تضرع و گریه پیش خدای متعال و همراه با جهاد. این، چیزهایی است که در مکتب اسلام وجود دارد، در تعلیمات و معارف شیعه متبلور و مجسم است و نمونه‌های زنده‌اش را ما دیده‌ایم؛ در تاریخ معاصر هم در ایران اسلامی این نمونه‌ها فراوان و فراوان دیده شد. این، وظیفه اصلی است.^۱

* خدمات‌رسانی و تشکیل سازمان‌های امداد برای شیعه در سراسر عالم از وظایف مجمع است. آن چیزهایی که مجموعه شورای عالی و هیأت‌های سطح اعلاّی مجمع جهانی بر روی او صحبت کردند و مذاکره کردند و توافق کردند که به بنده هم ارائه شد - آنچه که آنها مذاکره کردند و خوب است - تشکیل گروه‌هایی مخصوص امداد، تشکیل مجموعه‌هایی، مخصوص رسیدگی به حال کودکان، یا پشتیبانی‌هایی برای زنان، در سرتاسر دنیای اسلام و در سرتاسر جهان، برای پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) پشتیبانی‌های عملی، پشتیبانی‌های اعتقادی، مجموعه‌این دو رشته کار - کار شکلی و

۱. در دیدار با شرکت‌کنندگان چهارمین اجلاس عمومی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) -



سازمانی و کار معنوی و فکری و اعتقادی - کارهای بزرگی است که اینها بایستی انجام بگیرد.^۱

* ما به عنوان جمهوری اسلامی، این احساس تکلیف را می‌کنیم. ما احساس می‌کنیم که در قبال طرفداران مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، در اطراف عالم و کشورهای اسلامی و بقیه نقاط جهان مسؤول هستیم. ما احساس مسؤولیت می‌کنیم؛ هم از لحاظ فکرشان، هم از لحاظ تربیت فرزندان‌شان، هم از لحاظ ارتباطشان با یکدیگر؛ هم از لحاظ این که به خاطر عقیده و مذهبشان، مورد تعقیب و فشار قرار نگیرند؛ که بعضی جاها متأسفانه این‌گونه است که فقط به خاطر اینکه به این مذهب معتقدند، مورد تعقیب قرار می‌گیرند. این، ظلم خیلی بزرگی است. این، جزو وظایف این مجموعه است که احساس مسؤولیت کند.^۲

۱. در دیدار با مهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۱۱/۸ مصادف با نیمه شعبان.

۲. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

مجمع جهانی اهل بیت (ع) و وحدت اسلامی

* امروز دشمنان جهان اسلام و وحدت مسلمین، سیاست اصلیشان و عملیشان این است که شیعه را در دنیای اسلام منزوی کنند. و میان آنها و برادران مسلمان دیگر فاصله بیاندازند با اینکار دو مقصود استکبار عملی می شود یکی جدا کردن یکی از بزرگترین فرقه مسلمین از دیگران و دیگر منزوی کردن آن جمعی که امروز عملاً پرچم مبارزه اسلامی علیه استکبار و وحدت مسلمین را در دست دارد.^۱

* البته شعار وحدت مسلمین، هم یک شعار درست و ضروری است و از نظر بنده یک هدف استراتژیک است، یعنی یک مسأله تاکتیکی و مصلحتی نیست که بگوئیم: «حالا مصلحت ما ایجاب می کند با مسلمین غیر شیعه ارتباط داشته باشیم» خیر! این فکری است که بنده از قدیم هم به آن اعتقاد داشتم، اکنون هم معتقدم

۱. در رهنمودهایی درباره نوع و هدف از برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۸/۱۱/۲.

مسلمانان باید اختلافات مذهبی و طائفی بین خود را ابتدا کم کنند و بعد هم به تدریج از بین ببرند، چون این اختلافات خدمت به دشمنان است. لذا ما با این انگیزه صحیح، مسأله وحدت مسلمین را بعنوان یک مسأله اساسی مورد توجه قرار دادیم و امام - قدس سره - هم بارها بر آن تأکید فرمودند و ارگان‌های مختلف جمهوری اسلامی نیز بر این اساس، تلاش و برنامه‌ریزی کردند. اما این کار درست و دست‌جمعی موجب شد تا ما از یک حقیقت واضح غفلت ورزیم و آن وحدت و تجمع شیعیان است.^۱

* چگونه در حالی که ما شعار وحدت اسلامی را سر می‌دهیم، وحدت شیعی را مطرح نکنیم و به فکر ایجاد وحدت بین شیعیان نباشیم؟^۲

* باید هر کار مثبت، جنبه اثباتی آن مورد نظر باشد نه جنبه نفی‌ای آن، یعنی نفی افراد دیگر نباید مورد نظر باشد، مثلاً همین کار ما نباید به هیچ وجه با «وحدت اسلامی» که ما این همه روی آن سرمایه‌گذاری کردیم و واقعاً هم امر بسیار مهم و در درجه اول اهمیت است، تناقض داشته باشد.

باید به این معنا توجه بکنید که در مباحث، شعارها، قطعنامه و سخنرانی‌های سمینار، مرتباً روی «وحدت اسلامی» تأکید کنید. ما

۱. در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۹/۱/۲۶.

۲. در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۹/۱/۲۶.



می‌توانیم بگوییم هدف ما این است تجمع شیعه را که یکی از طرف‌های وحدت اسلامی است، برای وحدت، آماده‌تر کنیم. ما گروه شیعه، در خانواده اسلامی یک عضو بزرگی هستیم و می‌توانیم تأثیر زیادی در وحدت بین مسلمین دنیا داشته باشیم. اکنون که قرار است این مجموعه شیعیان دور هم جمع شوند تا تصمیم خود را درباره مسائلی چون «وحدت اسلامی» اعلام کنند، باید مرتب در سخنرانی‌های خود، خطرات تفرقه مسلمین و مطامع استکباری دشمن را از تفرقه و تقویت گرایش‌های طائفی، تذکر بدهیم.^۱

✽ از مدت‌ها پیش، دشمنان اسلام، علاج کار خود و منویات خبیثشان را در منطقه اسلامی در این دیدند که مسلمین را متفرق و شعبه شعبه کنند، مشترکاتشان را تضعیف و یا کمرنگ کنند و به چیزهایی که آنها را از هم جدا می‌کند، تکیه نمایند. بحمدالله انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی گذاشت، یا بسیاری از خواسته‌ها و اهداف آنها را خنثی کرد.^۲

✽ ما به عنوان عائله تشیع، باید با همه وجود احساس و اعلام کنیم که معتقد به وحدت جهان اسلام و وحدت پیروان «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» هستیم. ما امروز در دنیا باید مایه وحدت بشویم؛

۱. در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۹/۱/۲۶.

۲. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۹/۳/۴.

همچنان که همه ائمه بزرگوار ما (سلام الله علیهم) همیشه عامل جمع و وحدت بوده‌اند.^۱

✽ آمریکا و اذنباش خوب فهمیده‌اند که با حاکمیت و شیوع دین و معرفت دینی، نخواهند توانست نظام سلطه عالمی و جهانی را حفظ کنند. راه موفقیت آمریکا و دیگر قدرت‌ها و مرتجعان و حکام ظالم و حلقه‌های زنجیره سلطه جهانی این است که مردم از دین و معرفت و ایمان دینی عاری بشوند؛ بی‌بند و بار، بی‌ایمان، بی‌عقیده، بی‌تعصب و بی‌غیرت دینی بشوند. مردم و ملت‌ها را این‌طور می‌پسندند. لذا وقتی می‌بینند از قانونی مثل ایران اسلامی، ایمان و عمل و جهاد تراوش می‌شود و به همه جا پر می‌کشد، به شدت با آن مبارزه می‌کنند. امروز همه قدرت‌های مستکبر و ظالم و شیطانی، با اسلام و ایران اسلامی - به عنوان کانون اسلام - مخالفند. ما در چنین وضعیتی، باید با همه وجود و امکانات، دو دستی و محکم به اسلام و وحدت اسلامی بچسبیم و آن را حفظ کنیم.^۲

✽ شیعه، اگر در سرتاسر دنیا، تعارف^۳ می‌کند و افراد خود را شناسایی می‌کند و افراد شیعه دست‌آشنایی به یکدیگر می‌دهند، این به معنای رد و نفی فرقه‌های دیگر اسلامی نیست. این منافاتی با

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۹/۳/۴.

۲. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۹/۳/۴.

۳. تعارف: شناخت یکدیگر.

وحدت بین فرق مسلمین به هیچ وجه ندارد؛ این کمک به آن وحدت است. در جهت آن وحدت است.

سال‌های متمادی دشمنان اسلام سعی کردند بین فرق اسلامی - و بیش از همه، بین شیعه و سنی - اختلاف و جنگ و درگیری و تنازع به وجود بیاورند و قصد آنها، نه حمایت از تشیع بود، نه حمایت از تسنن؛ نه گرایشی به شیعه داشتند نه گرایشی به سنی. بلکه هم دشمن شیعه بودند، هم دشمن سنی. قصد آنها عبارت بود از تضعیف اسلام. جامعه اسلامی را خواستند ضعیف کنند بین آنها اختلاف داخلی بوجود بیاورند و برای هر ملتی و هر امتی اختلاف داخلی سم مهلک است. ما اگر می‌خواهیم که شیعه مجتمع باشد، بدین معنا نیست که بین شیعه و سنی اختلافی به وجود بیاید؛ به عکس، ما می‌خواهیم که این وحدت و هماهنگی در بین پیروان مذهب اهل بیت علیهم‌السلام مقدمه‌ای باشد برای وحدت کل جهان اسلام، برای ایجاد تفاهم بین همه ابناء اسلام و پیروان قرآن. اینکه ما گفته‌ایم که فرق اسلامی باید با هم برادر باشند؛ اینکه شعار داده‌ایم که شیعه و سنی با هم برادرند، این یک شعار تاکتیکی نیست؛ این یک شعار مصلحتی زودگذر نیست؛ این یک فکر است. این یک مشی عملی است؛ این عمل به تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است. در سایه این وحدت است که پیروان اهل بیت می‌توانند مذهب

اهل بیت را برای آن کسانی که از مسلمین، با آن مذهب آشنا نیستند روشن کنند.

امروز دست‌های تفرقه افکنی، در دنیای اسلام سعی می‌کنند فکر اهل بیت علیهم‌السلام و مذهب اهل بیت علیهم‌السلام را مشوه کنند، مزور^۱ کنند، آن را به آن شکلی که از آن دور است، معرفی کنند. امروز بسیاری از علمای درباری وابسته به قدرت‌ها - در کشورهای گوناگون - شیعه را حتی تکفیر می‌کنند. اختلاف بین شیعه و سنی امروز، هدف آمریکاست. هدف سلطه‌های جهانی است و هدف حکومت‌های دست‌نشانده آنها است. ما با این مخالفین و این در همه مراحل بایستی مورد توجه باشد. اجتماع پیروان اهل بیت علیهم‌السلام، یک حرکت فرقه‌گرایانه نیست؛ یک حرکت طائفی نیست؛ یک حرکت اسلامی است. حرکتی است در راه وحدت پیروان قرآن. ما خدا را شاکریم که بحمدالله امروز جمهوری اسلامی، با قدرتی که دارد، با عزتی که دارد، با توانایی‌های بسیاری که دارد، با شاخص بودنش در سطح عالم - که امروز پرچم جمهوری اسلامی، جزو بلندترین پرچم‌هایی است که امروز در دنیا در حال اهتزاز است - ما خدا را شاکریم که این عزت و این قدرت و این توانایی‌ها امروز می‌توانند در سطح جهانی، در خدمت اسلام و قرآن قرار بگیرد.^۲

۱. مزور: تحریف‌شده.

۲. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۲/۱۱/۸ مصادف با نیمه شعبان.



* یکی از برکات الهی این است که برادران مسلمان، گرد محورهای مورد قبول و مشترک خودشان جمع شوند. اگر این مقصود برای یک مجموعه حاصل شود، باید این را نعمت خدا بدانند و نسبت به آن شکرگزاری کنند. بر همین اساس است که ما در مورد امت بزرگ اسلامی و برادران و خواهران مسلمان و اصحاب مذاهب مختلف اسلامی، به عنوان یک طرز فکر، عقیده جدی داریم که باید اختلافات را در تعامل خودشان دخالت ندهند و مشترکات را به چشم اهمیت بنگرند و گرد هم جمع شوند.

انقلاب اسلامی از قبل از پیروزی، این پیام را برای همه مسلمین داشت؛ بعد از پیروزی هم تا امروز به همه برادران مسلمان در اکناف عالم، این سفارش و این درخواست و این توصیه مؤکد را دارد که امت اسلامی را به صورت یکپارچه و متحد، فراتر از اختلافات عقیدتی، مذهبی، کلامی و فقهی، در مقابل دنیایی که جداً با اسلام مخالف است، قرار دهند و از این وحدت و عظمتی که به وجود می‌آید، به نفع اسلام و مسلمین استفاده کنند. اجتماع برادران پیرو مذهب اهل بیت و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام هم بر همین اساس است.

گرد آمدن معتقدین و مؤمنین به مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، برای مبارزه و معارضة با مسلمانان غیر خودشان نیست؛ برای ایجاد شکاف و شقاق نیست؛ برای تمیز از میان برادران مسلمان و جدا کردن

اصحاب فقه‌ها و کلام‌های مختلف و مذاهب مختلف نیست؛ برای حراست از مجموعه پیروان اهل بیت است.^۱

* امروز بیش از همیشه به اجتماع و همدلی و همفکری پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در سراسر عالم احساس احتیاج می‌شود و این کنگره یک گام مؤثر در راه وحدت اسلامی خواهد بود، همچنان که فعال شدن و نشاط پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در سرتاسر عالم و توجه آنها به مسیر آینده امت اسلامی، می‌تواند به امت بزرگ اسلامی در بازایی خود و توجه به اهمیت وظایفی که بر دوش امت اسلامی امروز و فردای جهان است، کمک کند.^۲

* اجتماع پیروان اهل بیت علیهم‌السلام و همبستگی آنها به هیچ وجه نباید به معنای ایجاد شکاف میان شیعیان و بقیه برادران مسلمان تلقی شود. ما منادی وحدت امت اسلامی هستیم؛ مابزرگترین یا یکی از بزرگترین بیماریها و دردهای امت اسلامی را تفرق و اختلاف میان این امت می‌شماریم؛ ما معتقدیم که امت اسلامی در همه ابعاد آن و در همه بخشهای آن می‌تواند گرد محورهای مشترک و متحدی جمع شوند، که برای آن هم تلاش و مجاهدت می‌کنیم؛ ما از برادران مسلمان خود در همه جای دنیا دفاع می‌کنیم. امروز پرچم مبارزه با اشغالگران سرزمین عزیز فلسطین در دست

۱. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

۲. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۸۲/۷/۱۷.



شیعیان است؛ آنها هستند که از ملت فلسطین دفاع می‌کنند؛ آنها هستند که با استکبار، اشغالگران و صهیونیسم و پشتیبانان جهانی آن کنار نیامده‌اند و کنار نخواهند آمد. ما خودمان را موظف می‌دانیم که شعار عدالت، آزادیخواهی و ظلم ستیزی را به معنای حقیقی کلمه در دنیای اسلام زنده نگه داریم.^۱

* یک توطئه عمیق و خطرناکی - که خیلی هم قدیمی است - برای ایجاد اختلاف بین فرق اسلامی جود دارد؛ حالا امروز در دنیا مسئله شیعه و سنی را مطرح می‌کنند، اما این اختلاف مخصوص شیعه و سنی نیست، بلکه می‌خواهند بقیه فرق اسلامی هم در درون تشیع، در درون تسنن - فرقه‌های اصولی، فرقه‌های فقهی، فرقه‌های کلامی - در مقابل هم قرار بگیرند، گریبان هم را بگیرند، علیه هم فریاد بکشند؛ این چیزی است که دشمن می‌خواهد و بخصوص انگلیس‌ها در این قضیه متبحرند؛ خیلی مجربند؛ سال‌های متمادی - ده‌ها سال، شاید بشود گفت به یک معنا صدها - در این زمینه کارکرد دارند؛ خوب بلدند، نقاط ضعف را می‌شناسند؛ روی آنها انگشت می‌گذارند برای ایجاد اختلاف. الآن هم بشدت مشغولند. البته دیگر اینجا مخصوص انگلیس‌ها نیست؛ سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل و آمریکا و همه هستند، برای اینکه این اختلاف را

۱. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۸۲/۷/۱۷.

عمیق کنند. شایعات درست می‌کنند؛ با فلان مسئول یک کشور سنی، طوری حرف می‌زنند که احساس کند شیعه به عنوان یک خطر دارد او را تهدید می‌کند. اینجا با جامعه شیعیان - مسئولان کشور شیعه و بقیه کشورهایی که در آنها شیعه هستند - طوری حرف می‌زنند که احساس کنند اهل سنت دارند آنها را تهدید می‌کنند و هستی و هویت آنها را از بین می‌برند. کارشان این است. عین همین قضیه در تواریخ سابقه هم دارد، نمونه‌های مشخص و معینی ذکر شده است، ما هم در زمان خودمان داریم می‌بینیم. به فلان مسئول سنی می‌گویند چه نشسته‌ای که از ایران آمدند چند تا روستا را در کشور تو شیعه کردند! اینجا هم می‌آیند و به بعضی از ما می‌گویند چه نشسته‌اید که آمدند چند تا روستا از کشور شما را سنی کردند! اینجا کار دشمن است، باید این را شناخت.

یک مسأله، اصل «ایجاد اختلاف و نگرانی» است تا با هم متحد نشوند. تا این اتحاد یک واحد عظیمی را - که تصور آن، دل‌های مستکبران طماع را می‌لرزاند - به وجود نیاورد؛ یعنی واحد امت اسلامی را. اگر امت اسلامی به معنای واقعی کلمه امت تشکیل شود، استعمارگران، و طمع‌ورزان و کسانی را که خواسته‌اند این منطقه را به نفع خودشان بفشردند و از آن بهره‌برداری کنند، بسیار می‌ترسند. آنها می‌خواهند این اتفاق نیفتد.



اصل «ایجاد اختلاف»، یک انگیزه دیگر هم دارد که آن بعد از قیام ملت ایران و برافراشته شدن پرچم انقلاب اسلامی در این کشور به آن انگیزه قبلی اضافه شد و آن این است که می‌ترسند از اینکه تفکرات اسلام ناب، اسلام جهاد، اسلام استقلال، اسلام عزت و هویت، اسلامی که تسلط بیگانگان و دشمنان را بر امت اسلامی گناه می‌داند و آن را به هیچ قیمت نمی‌پذیرد، از ایران به بقیه جوامع اسلامی سرایت کند و مشکله را برای آنها چند برابر کند. سعی می‌کنند بین ایران اسلامی و بین سایر مناطق جهان اختلاف بیندازند. می‌دانند که تفکراتی که یک ملت را - یک ملت استعمارزده مثل ملت ما را در دوران طاغوت - بیدار می‌کند، به صحنه می‌آورد، به مجاهدت وادار می‌کند، ترس او را می‌ریزد، او را به وسط میدان کارزار عظیم بین‌المللی می‌کشاند و او را در همه مراحل از میدان پیروز خارج می‌کند، برای جهان‌خواران، برای کسانی که برنامه برای منطقه خاورمیانه و برای نفت اینجا و برای بقیه چیزهای اینجا دارند، خیلی خطرناک است. نمی‌خواهند بگذارند؛ البته خیلی هم تلاش کرده‌اند، موفق هم نشده‌اند تا امروز.^۱

۱. در دیدار با شرکت‌کنندگان چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع) -

بخش دوم

آموزه‌های عترت علیه السلام

در کلام رهبری

اهمیت محبت و معارف اهل بیت علیهم السلام

* مسأله اهل بیت - علیهم الصلاة والسلام - یکی از مهم ترین و بزرگ ترین مسایل اسلام و در ردیف مسایل درجه اول این دین مقدس است. محبت اهل بیت، فریضه ای است که مسلمانان عالم از هر فرقه و وابسته به هر جریان و گروهی، آن را پذیرفته اند و به آن مباحثات می کنند. ما که مفتخر به پیروی از فقه اهل بیت مکرم هستیم و دین را - اصولاً و فروغاً - از آنها آموخته ایم، نباید گمان کنیم که محبت اهل بیت، مخصوص ماست و نباید اشتباه کنیم و فکر کنیم که اهل بیت، فقط متعلق به ما هستند. اهل بیت متعلق به اسلامند؛ همچنان که جدشان نبی اکرم، متعلق به اسلام بود. اهل بیت متعلق به جهان و تاریخند؛ همچنان که جدشان نبی اکرم صلی الله علیه و آله، متعلق به بشریت و تاریخ بود.^۱

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۶۹/۳/۴.



* دنیای اسلام می‌تواند بر محور دو نقطه مربوط به اهل‌بیت، اتفاق و اتحاد داشته باشد: یکی محبت است که یک امر عاطفی و عقیدتی است و مسلمین به محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام امر شده‌اند و همه آن را قبول کرده‌اند. این نقطه می‌تواند نقطه تمرکز عواطف و احساسات همه مسلمین باشد. نقطه دوم، آموزش دین و تعلم معارف و احکام الهی به مثابه عدل قرآن و به موجب حدیث ثقلین است، که باز این حدیث را شیعه و سنی و فرق مختلف اسلامی روایت کرده‌اند.

این چیز مهمی است که بر افراشتن پرچم اهل‌بیت علیهم‌السلام در دنیای اسلام، حقیقتاً می‌تواند دنیای اسلام و مسلمین را از این دو نقطه نظر گرد هم مجتمع کند. امروز این فرصت عظیم در اختیار همه مسلمین است؛ مخصوصاً آنهایی که مکتب اهل‌بیت را در عمل تحقق بخشیده‌اند و ایماناً و عملاً به آن متصل شده‌اند.^۱

* همه چیز آن بزرگواران الگوست. مبارزه آنان با قدرت‌های ظالم هم الگوست. همه ائمه ما بدون استثنا، در راه ایجاد حکومت علوی و حکومت حق الهی مبارزه کردند. سیره‌این بزرگواران، در مقابل چشم ماست. ما امروز خوب می‌فهمیم که آنان چه می‌کردند. همه آنان تقیه کردند، و به همین جهت همه آن بزرگواران بدون استثنا

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام - ۱۳۶۹/۳/۴.

به شهادت رسیدند. تقیه مربوط به میدان مبارزه است؛ «التقیة ترس المؤمن؛ تقیه سپر و پناهگاه مؤمن است»^۱. ترس (سپر) مربوط به میدان مبارزه است و شهادت نتیجه آن می‌باشد. معرفت، عبادت، ایمان، عمل، اخلاص، عرفان، حلم، علم و همه چیز آنان - که حقیقتاً گل سر سبد عالم آفرینشند - برای ما وسیله تبعیت و پیروی است.^۲

* ما از اهل بیت (علیهم‌السلام) چیزهای زیادی داریم؛ چیزهایی است که اگر امروز عرضه بشود، دنیا را واقعاً در مقابل خودش به اعجاب و ا می‌دارد؛ مثل این نهج البلاغه. روی نهج البلاغه کار بشود، نکات مهمش برداشته بشود، تفکیک بشود، مطالبش تفسیر و حلاجی بشود، در روایات فحص بشود. این قدر ما معارف عالیه داریم که امروز بشر محتاج آنهاست. اینها از زبان اهل بیت، به عنوان بیان اهل بیت و به عنوان اسلامی است که اهل بیت معرفی می‌کنند.^۳

* فقه اهل بیت از طرفی منشأ قابل بحث کردن است؛ یعنی ما در این بحث کنیم که اگر کسی بخواهد فقه صحیح اسلامی را به دست بیاورد، کدام راه اسلم و اتقن است، تا به این نتیجه برسیم که راه اهل بیت کدام است. این، یک فکر و یک ایده است؛ این ایده را

۱. وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۱، ص ۴۶۱ حدیث ۶.

۲. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۶۹/۳/۴.

۳. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۰/۷/۴.

بایستی در دنیای اسلام منتشر کرد. از طرف دیگر، متن فقه اهل بیت هم قابل بحث است. کتبی که امروز از ما در دنیای اهل تسنن منتشر شده، مثلاً کتاب *مختصر النافع* «مرحوم محقق»^۱ است، که یک جزوه مختصر و بی‌استدلال است. بعضی کتاب‌های مختصر دیگری هم منتشر شده است و من چون به خاطر ندارم، نمی‌توانم عرض کنم. اجمالاً آنچه که من می‌دانم، کتاب‌های کمی از ما در بین اهل سنت منتشر شده است. ما در دنیای اسلام، این فقه راقی پیشرفته پرفرع عمیق را باید معرفی کنیم.

کتاب‌هایی که از فقه مذاهب دیگر برای ما می‌آورند، من گاهی در بین آنها بعضی چیزهای خیلی سطحی و خیلی کم‌ارزش را از لحاظ علمی می‌بینم، که تحقیق شده، تصحیح شده، فهرست‌بندی شده، کار شده و ارائه شده است؛ در حالی که فقه ما این طور نیست. ما مثلاً مبسوط «شیخ طوسی»^۲ با این عظمت را - که چاپ تهران است، ولی ظاهراً چاپ دیگری هم دارد، اما من ندیده‌ام - که نه یک غلطنامه درست و حسابی دارد، نه یک فهرست دقیق دارد، در اختیار چه کسی بگذاریم؟ این، ارزان فروختن آن سرمایه‌ای است که ما داریم. اگر ما بخواهیم این کتاب را همین طور به یک فقیه سنی یا یک حقوق‌دان سنی که با مسائل فقهی آشنایی دارد، ارائه

۱. ۶۷۶ - ۶۰۲ ق.

۲. ۴۶۰ - ۳۸۵ ق.



بدهیم، واقعاً کتاب خودمان را کوچک کرده‌ایم. این کتاب باید تصحیح بشود، فهرست‌بندی بشود و به طور فنی رویش کار بشود. اینها عرضه فقه اهل بیت است.^۱

* مسأله انتظار ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه یکی از آن مسائل پر مغز و پر معنا و دارای مضامین عالی در مجموعه تفکرات شیعه است و به خصوص امروز در دنیا، این مسأله معنای خاصی پیدا می‌کند. همه مسلمین، مسأله مهدی عجل الله تعالی فرجه را نقل کرده‌اند و به آن معتقد هستند. این که بشریت را از ظلم و جور که بر آن حاکم است، دست با اقتدار بازمانده خاندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بقیه اولیاء الله در زمین، باید نجات بدهد. این مورد اتفاق است. لکن تفاوت شیعه با غیر شیعه در این است که دیگران می‌دانند که از خاندان پیغمبر، کسی خواهد آمد؛ ولی او را نمی‌شناسند. شیعه او را می‌شناسد؛ او را به نامش، به نام پدرش، به نام مادرش، به تاریخ دقیق ولادتش، به اوامر و دستوراتش، و به نشانه‌های حضورش در میان جوامع بشری می‌شناسد و این امتیاز بزرگی است. دل‌های شیعه با آن مرکز ملکوتی و الهی در حال ارتباط و پیوند است. محبت آن وجود مقدس، در دل‌های شیعیان موج می‌زند. با او سخن می‌گویند؛ از او می‌خواهند؛ به او اظهار ارادت و توسل می‌کنند؛ اینها چیز کمی

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۷۰/۷/۴.



نیست. این امیدی که در دل یک انسان به وجود می‌آید به برکت ایمان و اعتقاد و یقین به وجود منجی و به حضور منجی، این امید خیلی دارای ارزش و قیمت است. یقیناً مایه حرکت‌های بزرگ، در جوامع اسلامی و در جوامع شیعی و مایه اصلی حرکت عظیم انقلاب اسلامی، همین عقیده و همین انتظار فرج است.

آن ملتی که از پدید آمدن فرج ناامید است؛ آن ملتی که برقی در دلش نمی‌درخشد که او را نسبت به آینده امیدوار کند؛ آن ملت، وضع موجود عالم را و سلطه ظالمانه قدرت‌ها را می‌پذیرد، مجبور می‌شود وضع موجود را تحمل کند، بپذیرد، تسلیم بشود، خود را با آن تطبیق بدهد. اما آن ملتی که می‌داند علیرغم ظواهر قدرت‌آمیز قدرت‌های جهانی و سلطه‌های جهانی و علیرغم عظمت ظاهری باطل - در همه جلوه‌هایش - می‌داند که این عظمت، ماندنی نیست؛ این قدرت و سلطه، دارای مغز و دارای ریشه نیست؛ می‌داند که پشت سر این تظاهرات سلطه‌آمیز ظالمانه و جولان باطل، حاکمیت حق است، این چنین ملتی در دلش جوانه‌های امید سبز می‌شود؛ امیدوار می‌ماند و همین امید است که به او جرأت می‌بخشد؛ به او اقدام را تعلیم می‌دهد؛ حرکت کردن را و قدرت حرکت را، به او می‌بخشد. این را باید قدر دانست و این نکته بسیار مهمی است.

شیعه یاد گرفته است که با فضیلت‌ترین اعمال، انتظار فرج است. معنای این جمله آن است که در هر شرایطی، ولو سخت‌ترین



شرایط باشد، شیعه حق ندارد مأیوس بشود و ناامید بشود. منتظر است، منتظر فرج، منتظر گشایش، منتظر باز شدن افق؛ و نفس این انتظار به او نیرو می‌دهد و او را قدرتمند می‌کند و به او نشاط می‌دهد و نیرو و نشاط و امید، هر جا بود زندگی به طرف سامان پیش می‌رود، به طرف اصلاح حرکت می‌کند. این یک ابزار عمده‌ای است در دست شیعه که از متن اعتقادات تشیع سرچشمه می‌گیرد و این بسیار چیز باارزشی است. ما البته برای مسأله مهدویت، مبانی فکری بسیار عمیق و استواری را می‌شناسیم. مبدا کسی خیال کند که مسأله مهدویت یک مسأله صرفاً عاطفی است، نخیر، مبانی فکری مهدویت یک مبانی فکری بسیار مستحکم و استواری است.

همه شبهاتی که مخالفین و معاندین این فکر، در اذهان منتشر کرده‌اند، دارای جواب‌های مستحکمی است. منتها آن چیزی که من می‌خواهم حالا عرض بکنم، این است که با وجود اینکه بُعد منطقی و فکری استدلالی این فکر، بعد بسیار بارزی است، در عین حال جنبه عاطفی و معنوی و ایمانی این عقیده شیعی هم بسیار جنبه مهمی است. مسأله اعتقاد به مهدی یک جنبه فردی دارد و آن جنبه فردی این است که هرکسی، باید سعی کند که یک رابطه شخصی میان خود و میان ولی الله الاعظم - ارواحنا فداه - به وجود بیاورد. همه باید میان قلب خود و روح خود و آن وجود مقدسی که مظهر



اسماء و صفات الهی است، مظهر قدرت و علم الهی است، وِعاء^۱ کامل معرفت الله است، باید یک ارتباطی بین قلب خود و آن وجود مقدس، به وجود بیاورد. با توجه، با توسل، با سخن گفتن، با اظهار ارادت کردن و خود را آماده نگه دارد. همه باید خودشان را آماده نگه دارند. هیچ کس نمی‌تواند بگوید که ظهور مهدی علیه السلام در آینده نزدیکی نیست. ما نمی‌دانیم شاید در آینده نزدیکی بود؟ شاید در زمان حیات ما بود؟ شاید این توفیق برای مردم این نسل وجود داشت؟

مگر می‌شود با آلودگی، با ضعف نفس، با عدم اصلاح نفس، با آن بزرگوار رابطه برقرار کرد در دوران دولت حق و حکومت الهی او؟ باید خود را آماده کنیم. هر کسی باید احساس کند که وظیفه دارد خود را آماده بکند. این آمادگی معنوی است، روحی است آمادگی ایمانی است. هر کسی باید سرمایه عظیمی از امید و ایمان و نورانیت در خود ایجاد بکند، تا شایسته این بشود که از نزدیکان آن حضرت، از خواص آن حضرت، از یاران آن بزرگوار، از همکاران او در حرکت عظیم جهانی‌اش قرار بگیرد. اگر از نزدیکان او نشدیم، اگر از پیروان او نشدیم، آن وقت شقاوتی بالاتر از این نیست. باید خودمان را آماده کنیم. این جا است که بُعد تربیتی و سازندگی این فکر هم خود را نشان می‌دهد. کدام عاملی می‌تواند



انسان را به این اندازه و با این قدرت بسازد؟ بنابراین این فکر، فکر مهمی است و در محافل شیعی و معتقدین به اهل بیت و در تعالیم تشیع - در همه جای دنیا و در همه زمان‌ها - باید یک فصل مهمی اختصاص پیدا کند به قضیه مهدی. همان‌طور که می‌بینید آن کسانی که با این فکر دشمن بودند و این فکر به ضرر آنها بود، تلاش کردند آن را از ذهن‌های مردم بزدایند، یا او را تحریف کنند. چه قدر تلاش شده است تا مفاهیم مربوط به اعتقاد به مهدویت، به شکل تحریف شده و غلط در ذهن‌ها جا بگیرد و بر زبان‌ها جاری بشود. درست نقطه مقابل او باید حرکت کرد، چه در مقام اعتقاد، چه در مقابل عمل و چه در مقام تبلیغ و تبیین این حقیقت.^۱

* ما ثروت عظیمی از معارف را در مجموعه میراث شیعی داریم، مجموعه معارف عظیم اسلامی و مجموعه معارف عظیم بشری، آنچه که برای مسلمین لازم است و آن چه برای بشر، در میراث ارزشمند عریق^۲ شیعی موجود است.^۳

* نگاه کنید به معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) به این روایات، به این دعاها، به این زیارات، به این دعای ندبه، به این زیارت عاشورا، ببینید

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۱۱/۸ مصادف با نیمه شعبان.

۲. عریق: اصل.

۳. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۱۱/۸ مصادف با نیمه شعبان.



سمات^۱ و خصوصیات شیعه اهل بیت (علیهم السلام) و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در چیست؟ این خصوصیات باید در تمام محافل شیعی و مجامع شیعی و جوامع شیعی، ترویج بشود. اولش توسل به پروردگار و محو شدن در راه اراده پروردگار است و بالاتر از همه چیز، دانستن معرفت و محبت الهی است. این مناجات شعبانیه را ببینید؛ این دعای کمیلی که در شب نیمه شعبان و شب‌های جمعه خوانده می‌شود ببینید؛ این دعای ابی حمزه ثمالی را ببینید، این دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه را ببینید؛ این مناجات‌ها و دعا‌های دارای سوز و گداز و دارای بالاترین معارف را مشاهده کنید از زبان اهل بیت (علیهم السلام). هیچ مذهب اسلامی دیگری این همه توسل به پروردگار و توجه به خدا و تضرع و الحاح و گریه و ایستادن در محراب دعا و عبادت ندارد. این یکی از خصوصیات شیعه است. شیعه باید این روحیه را ترویج کند بین خود. این مال تشیع است. این مال امام صادق و امام باقر و امام سجاده (علیهم السلام) و اولاد و پدران بزرگوار اینها است. مال مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است. اولین خصوصیت شیعه آن جنبه معنوی و عرفانی و روحی و توسل و تعشق به پروردگار و محبت پروردگار است؛ «الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك، الهي هب لي كمال الانقطاع اليك و أنرْ أبصار قلوبنا بضياء نظرها اليك، الهي هب لي قلبا يدنيه منك شوقه و



لسانا يرفع اليك صدقه و نظرا يقربه منك حقه. الهي ... صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك و هبني صبرت على حرّ نارك فكيف اصبر عن النظر الى كرامتك، ام كيف اسكن في النار و رجائي عفوك^۱ اينها است معارف اهل بيت عليه السلام. نمی‌شود یک جایی شیعه باشد و از این معنویات و روحیات و مناجات و توسل و تذلل و تخشع و ابتهال و الحاح به پروردگار، جدا باشد. این خصوصیت شیعه است. بگذارید شیعه را با این توجهش و توسلش و گریه‌اش و مناجاتش و دعائش و توسلش باز هم بشناسند، مثل زمان اهل بیت عليه السلام؛ «اشهد انك قد اقامت الصلوة و آتيت الزكوة و أمرت بالمعروف و نهيت عن المنكر و جاهدت في الله حق جهاده»^۲ این خصوصیت ائمه است. جاهدت فی الله حق جهاده. جهاد؛ جهاد فی سبیل الله. جهاد همه جا که با شمشیر نیست. امام صادق عليه السلام که شمشیر دست نگرفت. جهاد یعنی تلاش در مقابله با دشمنان اسلام به هر وجهی که ممکن بشود. جهاد این است آقا. کسی نگوید که من دارم نماز می‌خوانم این هم یک جهادی است برای خودش، ممکن است در یک شرایطی، نماز خواندن هم بشود جهاد. اما جهاد، تلاشی است که در مقابل دشمن باشد؛ این جهاد است. حالا با کتاب باشد، با معرفت باشد، با درس باشد یا با عبادت باشد. در مقابل دشمن اگر بود،

۱. جملاتی از مناجات شعبانیه امام علی عليه السلام و دعای کمیل.

۲. جملاتی از زیارت وارث امام حسین عليه السلام.

می‌شود جهاد. «حَقَّ جِهَادِهِ» این است. ظلم ستیزی و جهاد، خصوصیت شیعه است.

احسان به مسلمین از خصوصیات شیعه است که این هم باز در معارف اهل بیت علیهم السلام همه جا هست. شیعه بایستی نسبت به آحاد مسلمین، بلکه نسبت به آحاد انسان، دارای تحن و رأفت و رحمت و عطوفت و کمک و اعانت باشد. شیعه با هیچ انسانی، خصومت و دشمنی ندارد، مگر آن انسانی که در جهت کفر و ناحق دارد تلاش می‌کند، با او البته مقابله می‌کند. رحمت به انسان‌ها و محبت به انسان‌ها و تعطف با آحاد بشر - به خصوص با مسلمین، آحاد مسلمین - هر جا هستند؛ این هم یکی از خصوصیات شیعه است. باید این در رفتار ما و در تعالیم ما و در همه جوامع شیعی محسوس باشد. همراهی و هماهنگی شیعیان با یکدیگر، این هم از خصوصیات شیعه است که فرمود: «آیا به آن حد از برادری رسیده‌اید که در جیب برادران دست کنید؟» گفت: «نه» فرمود: «پس به آن حد از برادری هنوز نرسیدید». تشیع، آحاد شیعه باید با هم تعامل تعاطف و همکاری داشته باشند و چیزهای دیگری هم هست که اینها امهات و چیزهای برجسته‌اش بود.^۱

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۷۲/۱۱/۸ مصادف با نیمه شعبان.



* تشکیل این نظام، با الهام از حرکت ائمه و با استفاده از محبت اهل بیت علیهم‌السلام و حرکت امام حسین - صلوات الله و سلامه علیه - انجام گرفت و کسانی که بودند و هستند، می‌دانند و می‌بینند و دیدند. از روزی که این انقلاب با این شکل به وجود آمد و این بنای عظیم و مرتفع بر اساس تعالیم ناب اسلامی بنیان شد، شما بینید چقدر کتاب و جزوه و مطلب علیه شیعه نوشته و منتشر شده است؛ لاتعد ولا تحصی^۱. این کتاب‌ها را برای من می‌آورند. من اینها را می‌بینم و می‌دانم که دست‌های مجرم و گنهکار، برای این که فکر اهل بیت و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را از نظر مردم و از نظر جوانان، به عنوان فکری که منحرف از اسلام است، معرفی نمایند، چه می‌کنند. نسبت‌های گوناگون می‌دهند: نسبت دروغ می‌دهند، نسبت خلاف می‌دهند، نسبت تحریف قرآن می‌دهند. چرا این کارها را می‌کنند؟ چون این حرکت، این فکر، این انقلاب، این نظام عظیم، این عزت اسلامی، این ایستادگی ملت در مقابل تمایلات استکبار و در رأس آن، شیطان بزرگ آمریکا، برای جوانان و دل‌های با نشاط در دنیای اسلام جاذبه دارد. از این می‌ترسند. این، یک امر جدی است.^۲

۱. قابل شمارش نیست.

۲. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

* امروز دنیای اسلام با مشکلات بزرگی روبه‌روست. استکبار و در راس همه امریکا، همه تلاش خودشان را بر محور روح و حقیقت اسلامی در این منطقه عظیم و وسیع متمرکز کرده‌اند، چون می‌دانند که مادامی که امت اسلامی متمسک به اسلام باشد، تسلیم زورگویی و باج‌خواهی آنها نخواهد شد. ملت‌های مسلمان آن وقتی اسیر دست استکبار شدند که تمسک به اسلام را کنار گذاشتند؛ تعلیم اسلام در باب امت اسلامی و سیاست اسلامی را فراموش کردند. امروز این مفاهیم در دنیا زنده شده است؛ امروز دنیای اسلام متوجه توحید، عدل، وحدت اسلامی و اهمیت این موضوع‌ها می‌باشد و شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام بیشترین نقش را در این زمینه داشتند و دارند. امروز مصیبت‌های بزرگی متوجه دنیای اسلام است که همه آنها با تمسک به اسلام و حفظ روحیه و هویت اسلامی قابل علاج است.^۱

* با تکیه بر تعلیم اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان شعارهای اساسی امت اسلامی را در همه جای دنیا مطرح کرد و آنها را مطمئن نظر افکار عمومی قرار داد، که در این زمینه علما، روشنفکران، متعهدان، فعالان و نخبگان سیاسی نقش‌های بزرگی می‌توانند ایفا کنند.^۲

۱. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۸۲/۷/۱۷.

۲. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۸۲/۷/۱۷.



✽ امروز دنیای اسلام به پیام اهل بیت نیازمند است. مسئله پیروان اهل بیت و مجمع اهل بیت و ندای اهل بیت در جوامع شیعی، ندای تفرقه‌افکنانه نیست؛ بر خلاف آنچه که بعضی تنگ‌نظرها از یک طرف و بعضی مغرض‌ها از یک طرف تصور می‌کنند و آن را در بوق‌های تبلیغاتی خودشان دائم می‌دمند و تکرار می‌کنند. مسئله، مسئله نفی نیست؛ مسئله، مسئله اثبات است. مکتب اهل بیت حقایقی دارد، مطالبی دارد که امروز دنیای اسلام به اینها نیازمند است. اگر همین صحیفه مبارکه سجادیه را - که به مناسبت ولادت این بزرگوار جا دارد توجه و اهتمام بیشتری به این کتاب بسیار عزیز بشود - کسی نگاه کند، خلاصه و عصاره‌ای از تفکرات اهل بیت (علیهم‌السلام) در این کتاب گنجانده شده است. در صحیفه سجادیه، ایمان عمیق، عرفان واضح و دور از ابهام، توجه کامل به مبدأ عظمت و معبود و ذات اقدس الهی، اهتمام به امور مردم، مسلمین - امور آحاد مردمی که با انسان مرتبطند - اهمیت به افتخارات اسلامی و صدر اسلام، موج می‌زند. کتاب زندگی عارفانه و عاشقانه و عاقلانه و خردمندانه است؛ مجموعه‌ای از اینهاست. و دریای مواج روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) هم از طرف دیگر. این، چیزهایی است که امروز دنیا اسلام به اینها نیازمند است.^۱

۱. در دیدار با اعضای چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۸۶/۵/۲۸.

* در محیط شیعی، بر اساس همان اخلاص و احساس مسئولیت، انصافاً خیلی کار شده است. در طول تاریخ، علمایی از قبیل «قاضی نورالله»^۱ ها و دیگران و دیگران نشستند و با مظلومیت کتاب‌هایی نوشتند؛ خدای متعال هم به خاطر همان مظلومیت، برکت داده و منتشر شده است؛ لیکن گنجینه ما خیلی قوی‌تر از اینهاست^۲.

* محور این اجلاس و اجلاس‌های شما برادران و خواهران منسوب به مجمع اهل بیت، یک محور بسیار با عظمتی است؛ یعنی اهل بیت پیغمبر (علیهم الصلاة والسلام). این همان چیزی است که هم در قرآن کریم به اهمیت آن تصریح شده است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^۳، هم در احادیث نبوی مکرر درباره اهل بیت مطالب صریح و غیر قابل انکاری وارد شده است؛ از جمله حدیث معروف «ثقلین» که عترت را در کنار کتاب الله قرار داد: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»^۴، که متواتر بین مسلمین است. و از جمله حدیث معروف و شاید متواتر «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجا و من ترکها غرق»^۵، و روایات فراوان دیگر.

۱. ۱۰۱۹ - ۹۵۶ ق.

۲. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۰/۷/۴.

۳. احزاب، ۳۳.

۴. بحارالانوار، مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۰۸؛ جامع، ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲؛ حدیث ۲۷۸۶.

۵. خصال، صدوق، ص ۵۷۳؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۲۴۳ و ج ۳ ص ۱۵۱.



جمع حاضر محور اجتماعشان، این عنوان فاخر و بسیار والا و با عظمت است. البته همه مسلمین به اهل بیت ارادت دارند، مگر جمع خیلی خیلی کمی که نواصب و امثال اینها باشند. فرقه‌های مسلمین، همه نسبت به اهل بیت پیغمبر ارادت دارند و جایگاه والای آنها را در علم و عمل قبول دارند؛ ولی شیعیان کسانی هستند که به تعبیر زیارت جامعه - «معروفین بتصدیقنا ایاکم»^۱ - شناخته شده‌اند به اینکه اینها پیرو ائمه و مصدق ائمه علیهم‌السلام هستند و مقامات معنوی آنها را می‌شناسند و جایگاه آنها را در امت اسلامی و در جانشینی پیغمبر می‌پذیرند و قبول کرده‌اند. اینکه محور این اجتماعات، یک چنین امر با عظمتی است، سطح کار، عظمت کار، ارزش کار را بالا می‌برد؛ رسالت کار را اهمیت می‌بخشد. برای چه ما دور هم جمع می‌شویم؟ این هدف را باید به طور مشخص روشن کنیم؛ بدانیم دنبال چه هستیم.^۲

۱. فرازی از زیارت جامعه کبیره است.

۲. در دیدار با شرکت‌کنندگان چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام -

جمهوری اسلامی ایران؛ پرچمدار مکتب اهل بیت علیهم السلام

✽ امروز در ایران اسلامی - که حاکمیت اسلام و قرآن در آن، امیدی به همه مسلمین عالم داده است - بحمدالله پرچم اهل بیت در اهتزاز است و ما می بینیم که همه مسلمین گوشه و کنار عالم، به این نظام و به این جمهوری و به این پرچم و به پرچم متعالی اسلام که در این جا در اهتزاز است، احترام می گذرانند و از آن احساس عزت می کنند. «بموالاتکم تمت الكلمة و عظمت النعمة و اتلفت الفرقه»^۱.

✽ امروز در سرتاسر جهان، مذاهب مختلف و پیروان فرق گوناگون اسلامی، به نام جمهوری اسلامی شعار می دهند. امام بزرگوار ما - قدس الله نفسه الزکیة - در اعماق دل توده های مسلمان در شرق و

۱. جامعه کبیره.

۲. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۶۹/۳/۴.



غرب عالم جا داشت و آنها بدون توجه به این که اهل کدام مذهب و کدام فرقه اسلامی هستند، او را دوست می داشتند و به او عشق می ورزیدند. همین قضیه موجب شد که دشمنان اسلام تلاش کنند، شاید بتوانند ایران اسلامی را از بقیه مسلمین جدا کنند. امروز در دنیا میلیون ها دلار صرف تبلیغات می شود، تا بتوانند عرق و عصبیت فرقه ای را در کسانی بیدار کنند و آنها را از جمهوری اسلامی و از مشی انقلاب جدا نمایند. شما باید این را خنثی کنید.^۱

✽ در هر گوشه عالم که مجموعه مسلمانی هست، از یک طرف احساس هویت اسلامی می کند، و از طرف دیگر سخت گیری نسبت به آنها، بیش از دیگران است. نمونه دیروزی آن، مناطق آذربایجان شوروی و بعضی مناطق دیگر، و نمونه امروزی آن، کشمیر است. مسلمانان در آن جا، حرف حق خودشان را می زنند. آن کسی که از قضایا و سرگذشت کشمیر مطلع باشد، می داند که آنچه مسلمانان بیچاره کشمیر می گویند، یک سر سوزن از حق دور نیست. کسانی که آنها را خاموش می کنند، ناحق می گویند. کسانی که به آنها حمله می کنند، عمل ناحق انجام می دهند. متأسفانه دنیا هم به این قضایا، با خونسردی نگاه می کند.



اگر مسلمین بخواهند از اسلام دفاع کنند، باید خودشان قوی بشوند. ما در ایران اسلامی و در نظام مقدسی که بر پایه دین و به دست فرزند پیامبر و سلاله عترت امام امت - رضوان الله علیه - پدید آمد، بنا داریم که با همه توان و با همه نیروی ملی و ذاتی و ایمانی مردم خودمان، به سمت اقتدار واقعی و حقیقی اسلام پیش برویم و مطمئنیم که خداوند به ما کمک خواهد کرد.^۱

* امروز به فضل پروردگار، اولین حکومت اسلامی، اولین نظام سیاسی مقتدر اسلامی، در دنیای امروز که به سمت بی‌ایمانی حرکت می‌کرد، اولین نظام الهی و معنوی به دست پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) به وجود آمده است در این نقطه از عالم. مسلمین - از همه مذاهبشان و از همه فرقشان - امروز افتخار می‌کنند به این پرچم اسلام و پرچم قرآن، در این نقطه از دنیا و در این کشور به اهتزاز در آمده است و این را پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) کرده‌اند؛ این چیز بزرگی است. این پشتوانه عظیمی است. این مایه مباهات است. خدا را شکر می‌کنیم که در این دوران شیعیان اهل بیت (علیهم‌السلام) توانستند در ادامه تلاش‌ها و مجاهدت‌های مظلومانه آن بزرگواران، امروز کاری بکنند که اسلام از مظلومیت، در بخشی از جهان خارج بشود. از غربت خارج بشود. این کار را پیروان اهل بیت کردند. این یک

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۶۹/۳/۴.

پشتوانه سیاسی است؛ اینها کارهای اساسی است که باید انجام بگیرد.^۱

* ما در را به روی خودمان نیستیم؛ ما خودمان را در داخل مرزهای خودمان زندانی نکردیم؛ ما مسائل ملت‌های مسلمان را، از مسائل خودمان جدا ندانستیم؛ مسائل ملت‌های مسلمان، برای ما مثل مسائل خود ما است. ما در عین آن که در امور داخلی هیچ کشوری دخالت نمی‌کنیم، اما مسائل جهان اسلام را، مسائل خودمان می‌دانیم. ما مسأله بوسنی و هرزگوین را مسأله خودمان می‌دانیم، ما مسأله کشمیر را مسأله خودمان می‌دانیم. ما مسائل افغانستان را مسائل خودمان می‌دانیم. دل‌های ما پر از غصه و درد است به خاطر برادرکشی‌هایی که در افغانستان انجام می‌گیرد.^۲

* مسائل فلسطین، مسائل ماست. ما از غم فلسطین هرگز فارغ نیستیم. ما از غصه مسائل لبنان و ملت مظلوم لبنان و مبارزات شجاعانه مسلمانان لبنان هرگز فارغ نیستیم؛ اینها مسائل ماست، مسائل خود ما است. برای آنها تلاش می‌کنیم. هم تلاش سیاسی می‌کنیم، هم تلاش بین‌المللی می‌کنیم، هم پشتیبانی - تا حد میسور - می‌کنیم، هم دعا می‌کنیم، دائما دست ما بلند است به دعا در پیشگاه پروردگار برای اصلاح امور مسلمین. برای یک مسلمان و

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۱۱/۸ مصادف با نیمه شعبان.

۲. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۱۱/۸.



برای یک شیعه - یک شیعه اهل بیت با خواصی که تشیع اهل بیت علیهم‌السلام دارد - مسائل دنیای اسلام، مسائل شخصی است؛ مثل مسائل خود اوست.^۱

* استکبار می‌داند که امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی، دل‌های مردم با جمهوری اسلامی است؛ می‌داند که عمق سیاسی و استراتژیک نظام جمهوری اسلامی، در داخل کشورهای اسلامی است؛ از شمال آفریقا تا شرق آسیا. به همین خاطر است که فکر شیعی را منحرف معرفی می‌کنند، به او تهمت می‌زنند، بد معرفی کنند، نسبت‌های خلاف می‌دهند، جمهوری اسلامی را مورد تهاجم قرار می‌دهند و شیعه در این بین مظلوم واقع می‌شود.^۲

* امروز خدا را شکر می‌کنیم که پرچم مبارزه با دشمنان اسلام، به دست پیروان مکتب اهل بیت است؛ به دست این ملت عظیم و شجاعی است که از هیچ قدرتی به جز خدا نمی‌ترسد. امروز ملت ایران این گونه است. امروز عوامل عمده استکبار و قدرت‌هایی که در دنیا برای ملت‌ها، برای دولت‌ها، برای نظام‌ها، برای شخصیت‌ها، برای رجال فکری و فرهنگی، مثل هیولایی ترساننده هستند، برای ملت ایران پیشیزی ارزش و اهمیت ندارند.^۳

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۲/۱۱/۸.

۲. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

۳. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.



* بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی در ایران، پرچم استقلال و آزادی‌خواهی و پرچم مبارزه برای عدالت در دست پیروان اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفت، که امروز همه دنیای اسلام به این معنا واقفند و آن را به چشم خود می‌بینند. تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام پیروان و شیعیان آنها را در طول تاریخ به وسیله‌ای مجهز کرده است که با آن می‌توانند هویت بارزش خود را در میان امواج گوناگون حفظ کنند، که اگر غیر از این بود، امروز باید از پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در دنیا اثری باقی نمی‌ماند. این تعالیم و درس آنهاست که شیعه را در ادوار مختلف تاریخ آماده کرده تا هویت شیعی را که همان اسلام ناب و لب لباب آن است، در میان امواج خروشان مخالفت‌ها و تعصب‌های گوناگون حفظ کند و امروز این طور پرچم آزادگی و آزادی‌خواهی را در دنیا به دست شیعیان بدهد.^۱

* ما بیست و پنج سال است که علی‌رغم فشارهای بین‌المللی و استکبار، ایستادگی کرده‌ایم و به توسعه علمی و عملی پرداخته‌ایم. امروز به فضل الهی پایه‌های نظام اسلامی مستحکم شده و این شجره طیبه ریشه عمیقی پیدا کرده و پرچمی که در دست نظام اسلامی است، دنیای اسلام را به حرکت و هیجان آورده و روحیه اسلام را در آنها زنده کرده است، که اجتماع پیروان اهل بیت علیهم‌السلام

۱. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۸۲/۷/۱۷.



متوجه این حقایق و شعارهاست. ما باید با یکدیگر هر چه بیشتر نزدیک شویم. شما در هر نقطه‌ای از نقاط دنیا و دنیای اسلام که زندگی می‌کنید، ارتباطات قلبی، فکری، عملی و تعامل خود را با برادران خودتان در دیگر نقاط تقویت کنید.^۱

* تا امروز تفکرات انقلاب اسلامی به همه جای دنیای اسلام، علی‌رغم آنها نفوذ کرده است؛ با همه این تخریب‌ها، با همه این تبلیغات مخالف. البته اگر تبلیغات آنها نبود، وضع طور دیگری می‌شد. لذا امروز علیه نظام اسلامی و جمهوری اسلامی تبلیغات فراوانی می‌شود. از یک طرف علیه تشیع هم به همین جهت تبلیغات می‌شود. آن مجموعه‌ای که به عنوان پیروان اهل بیت می‌خواهند وسط میدان باشند و کار کنند، باید به این چیزها توجه کنند و اولویت‌های خودشان را با توجه به این حقایق انتخاب کنند.^۲

۱. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۸۲/۷/۱۷.

۲. در دیدار با شرکت‌کنندگان چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع) -

انتظارات از مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

✽ اجتماع ما باید موجب جذب بشود، نباید به واسطه این اجتماع، افراد یا گروه‌هایی از شیعه دفع شوند یا مورد تبعیض، بی‌اعتنایی، و تحقیر قرار بگیرند، همین‌طور نباید در این اجتماع خدای‌ناکرده یک تفکر و خط ضعیفی مطرح بشود به طوری که افراد احساس کنند مسأله عمقی نیست، نه فقط عمیق‌ترین معارف شیعی، بلکه عمیق‌ترین معارف اسلامی در ایران است. برادرها حتماً توجه دارند که آنچه متفکرین ما مثل مرحوم شهید مطهری - رحمه الله - در باب مسائل و معارف کلی اسلامی ارائه داده و در مورد آنها بحث کرده‌اند، به مراتب عمیق‌تر و قوی‌تر از آن چیزی است که قبلاً متفکرین روشنفکر معروف دنیا مطرح کردند.

تفکرات مرحوم مطهری - رحمه الله - مرحوم طباطبایی - رحمه الله - و دیگر متفکرین شیعه در زمینه‌های اجتماعی و مباحث عمومی

اسلام - مباحث تخصصی مثل فقه و عرفان و فلسفه که جای خود دارد - عمیق‌ترین تفکرات است، اینطور نباشد که ما در باب مسائل شیعه بخشی را ارائه کنیم که سبک، کم‌مایه و سطحی باشد و عمیق نباشد و موجب دفع افراد بشود.^۱

* از لحاظ علمی، رب‌النوع فن فقاقت و قدرت استنباط از کتاب و سنت نزد ماست. اگر احیاناً در گوشه و کنار دنیا و در یک دانشگاه دینی یا علمی آدم با استعدادی پیدا بشود این یک مورد استثنایی است، والا آنها قدرت حل علمی مسائل را ندارند یک فقیه خوب ما وقتی در مجمع آنها برود، از همه آنها بالاتر است و این یک واقعیتی است که شاید بعضی از آقایان آن را ندانند. علما و فقهای ما خیلی بالاتر از فقهای خوب و با سواد آنها هستند.^۲

* ما برای اعلای کلمه اهل‌بیت باید کارهایی انجام بدهیم: اولاً باید خود اهل‌بیت را معرفی بکنیم، ثانیاً در جهت ترویج افکار آنها بکوشیم.^۳

* آیا امروز در جهان اسلام کتاب‌هایی درباره اهل‌بیت علیهم‌السلام وجود دارد که باب این زمان باشد و با زبان مناسب نوشته شده باشد، یا نه؟ البته بیشتر تصور من این است که ما به طور کامل نداریم. حالا

۱. در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنفرانس جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام - ۱۳۶۹/۱/۲۶.

۲. در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنفرانس جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام - ۱۳۶۹/۱/۲۶.

۳. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۰/۷/۴.



شاید بعضی از گوشه و کنارها چیزهایی باشد. اگر هست، ما اینها را برای دانشجویان، برای جوانان به طور عام، برای روحانیون، برای عامه مردم، برای کسانی که تحت تأثیر تبلیغات قرار گرفتند، پخش و منتشر کنیم و در اختیار بگذاریم. هم در باب معرفی شخصیت اهل بیت علیهم‌السلام باید کتاب‌ها و نوشته‌ها منتشر شود و کار فرهنگی وسیعی انجام بگیرد، و هم در باب آراء و افکار و معارفی که در زمینه مسائل اسلامی - یعنی در اصول اسلامی و در عقلیات اسلامی و سایر معارف - از آنها رسیده است.^۱

* من از کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد خواستم که فهرست کتب فقهی چاپ نشده‌شان را برای ما بفرستند؛ حدود سیصد و خرده‌ای عنوان کتاب برای من فرستادند. آدم بعضی از این کتاب‌ها را می‌بیند، ولی نمی‌شناسد؛ اما پیدا است که کتاب مهمی باید باشد. فرض کنید ملای معروفی مثل «شیخ جعفر کاشف الغطاء»^۲ مثلاً درباره مسأله‌ای تحقیق کرده؛ این قاعدتاً پُر مطلب است. در میان آن کتاب‌ها، هم از قدما و هم از متأخرین کتاب دیده می‌شود. کتاب‌هایی هست که کسی آنها را نمی‌شناسد و از آنها خبر ندارد؛ همین طور آنجا مانده است. ما باید اینها را در بیاوریم و رویشان کار کنیم. یا کتاب‌های رایجی که در اختیار ماست - اینهایی که حتی

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳۷۰/۷/۴.

۲. ۱۲۲۸ - ۱۱۵۴ ق.

چاپ شده و بد چاپ شده - به همین شکل باید تجدید نظری نسبت به آنها صورت گیرد. پس، این هم یک گونه کار است، که معرفی فقه اهل بیت است. اینها بایستی انجام بگیرد و همین مجمع جهانی باید بر این چیزها اشراف داشته باشد.^۱

* مسأله دیگر هم مسأله حجت اهل بیت و ولایتشان است؛ همین کاری که «مرحوم سید شرف الدین رضوان الله تعالی علیه»^۲ با آن وسعت نظر و با آن قدرت انجام داده، و قبل از ایشان «مرحوم میرحامد حسین» و دیگران این کارهای مهم را انجام دادند. این کار بایستی به زبان امروز و مناسب با امروز و بدون دعوا و بدون درگیری انجام بگیرد. بالاخره سخن تشیع بایستی ارائه بشود.

* بخش ارتباطات جهانی، یک بخش است که یک مدیر مستقل می‌خواهد. این بخش باید دائم در فکر ارتباطات باشد؛ به بخش‌های مختلف مراجعه کند و هر چیزی که مایه ارتباط است، از آنها کسب کند؛ اگر نیست، خودش مایه ارتباط را به وجود بیاورد.^۳

* بخش فرهنگی که مشتمل بر همین مواردی است که عرض کردم - یعنی معرفی اهل بیت (علیهم‌السلام) - بخش عظیمی است که احتیاج به مجموعه بزرگی دارد. آن وقت در کنار آن و در ضمن آن، همان

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۰/۷/۴.

۲. ۱۹۵۸ - ۱۸۷۳ م.

۳. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۰/۷/۴.



بخش‌های فقهی لازم است. الان بحمدالله در جهت احیای آثار فقهی شیعه، واقعاً نهضتی شروع شده است؛ هم آنچه که در قم از طرف جامعه مدرسین انجام می‌شود - که بهترینش است - و هم آنچه که در بعضی جاهای دیگر - مثل اصفهان، قم و مشهد - به صورت متفرق دارد پخش می‌شود و خیلی خوب است؛ لیکن به اعتقاد من اگر آقایان در آن مسائل یک نوع اشراف داشته باشند - نه اشراف دخالتی، اشراف به عنوان نظر دادن و کمک کردن - خیلی خوب است.^۱

✽ اگر قرار است کتابی چاپ بشود، اینها را آقایان نظارت کنند؛ اصلاً مشاور کتاب‌سازی داشته باشند. الآن کتاب‌سازی و اینکه چگونه می‌شود یک کتاب را از اول تا آخر در آورد، یک فن است، متخصص دارد، کتاب‌هایی درباره‌اش نوشته‌اند. من خودم یکی، دو جلد کتاب درباره فن کتاب‌سازی در کتابخانه‌ام دارم. اصلاً می‌گوید کتاب‌سازی چگونه است و آدم چه طور بایستی کتاب را از آب در بیاورد. کسانی هستند که متخصص این کارند؛ شما باید آنها را در این جا داشته باشید، از آنها مشورت بخواهید و به آن مشورت بدهید.^۲

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۷۰/۷/۴.

۲. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۷۰/۷/۴.

* باید بدانید که این کتاب‌ها، اولاً خوب انتخاب شده، ثانیاً خوب چاپ شده، یا خوب ترجمه شده؟ بعد به‌جا و به‌وقت فرستاده شد؟ بعد به آن جایی که باید برسد رسید؟ و بعد او مطالعه کرد؟ همه‌اش لازم است. و الاً بفرستیم آنجا در یک کتابخانه‌ای انبار بشود، یا توی مثلاً سفارت ما، یا توی رایزنی فرهنگی ما، توی انبار، صندوق‌ها را روی هم بچینند چه ارزشی دارد؟^۱

* گردآوری شعر شعرای شیعه اهل بیت و امثال اینها هم خیلی مهم است. اینها کارهایی است که در طول تاریخ ما واقعاً از آنها غفلت شده است. البته نمی‌شود هم به‌این معنا گفت غفلت؛ نمی‌توانستند دیگر؛ اما حالا می‌توانند. ما از کتابخانه‌های دور دست بلافاصله میکروفیلم فراهم می‌کنیم و به‌این جا می‌آوریم؛ ولی آنها چنین امکانات و ابزارهایی نداشتند.^۲

* ترجمه یک نقش تعیین‌کننده دارد و اگر ترجمه مناسبی نباشد هیچ ارزشی ندارد، مثل این که نفرستادید کتاب را، بلکه گاهی بدتر.^۳

* ما تخطیط^۱ نمی‌کنیم که دنیای اسلامی را شیعه کنیم، نه، دنیای اسلامی می‌خواهند شیعه بشوند، می‌خواهند نشوند. اما می‌خواهیم

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۲/۷/۱.

۲. در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۰/۷/۴.

۳. در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۲/۷/۱.



شیعیان را نسبت به آن فکر صحیحی که انتخاب کرده‌اند، اینها را مجهز کنیم تا هر جا یک شیعه‌ای قرار گرفت مثل یک مشعلی روشن باشد.^۱

آن خوراکی که برای تأمین این اهداف می‌خواهیم بدهیم باید یک خوراک مناسب باشد. حالا شما ملاحظه بفرمایید ببینید در دنیای امروز مباحث فکری و مذهبی و غیر مذهبی را با چه زبان‌هایی دارند پخش می‌کنند، از چه ابزارهایی استفاده می‌کنند. باید یک خوراک صحیحی، یک فکر فاخری، واقعاً جا دارد که بنشینند متفکرین درست و حسابی ما و حالا همین کتابی را که فرضاً یک محقق هم نوشته، خیلی هم خوب هست به جای خودش، اما الآن با ابزارهای این زمان خیلی متناسب و پیشرفته نیست، این را به یک زبان مناسب امروز در بیاورند و این را بدهند توی این کانالی که حالا به وجود آوردیم. این خوراک شامل فکر، کیفیت ادا، تنوع وسائل، کتاب، فیلم، نقاشی، نمایشنامه و چه و چه و چه. در کیفیت ترجمه منعکس کردن این، بهترین زبان‌ها را برای ترجمه بایستی به کار گرفت تا جلو برویم و از این قبیل.^۲

۱. تخطیط: برنامه‌ریزی.

۲. در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۷/۱.

۳. در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۷/۱.

اهل بیت (علیهم السلام) و بیداری اسلامی

* در دنیای اسلام، بحمدالله بیداری اسلامی به وجود آمده است. صهیونیست‌های غاصب، تقریباً بعد از چهل سال آسایش، که جز گاهی چند روزی مختصر حمله‌ای از طرف دولت‌ها شده بود و بعد هم خساراتشان به اضعاف مضاعف از طرف آمریکا جبران شده بود، امروز در داخل سرزمین‌های فلسطین، از سوی اسلام تهدید می‌شوند. این اسلام است که آنها را تهدید می‌کند. سازمان‌های فلسطینی، آنها که از دین فارغ و نسبت به آن بیگانه بودند، ناتوانی خودشان را نشان دادند. امروز کار به جایی رسیده است که سردمداران به اصطلاح سازمان‌های فلسطینی، به فلسطینی‌های داخل سرزمین‌های اشغالی و بعضی مناطق دیگر پیغام می‌دهند که کار را سخت نکنید، ایجاد مشکل نکنید. آنها برای خودشان، مبارزه حقیقی را مشکل به حساب می‌آورند! سرنوشت حرکتی که از دین جدا

باشد، بهتر از این نیست. اما دین، فلسطین را نجات خواهد داد. اسلام، فلسطین را از دست متجاوزان پس خواهد گرفت.^۱

✽ به این جوان‌های عزیز مجمع اهل بیت عرض می‌کنم که شعار اهل بیت، شعار گسترش اسلام زنده، اسلام ناب و اسلام قابل فهم برای هر منطق و مبنای فکری‌ای است. پایه‌های فکریتان را مستحکم کنید.^۲

✽ این را ما یقین داریم که در این کارزاری که بین حق و باطل، امروز راه افتاده است - کارزار بین اسلام و معارف اسلامی و بیداری اسلامی از یک سو، و طمع‌ورزی‌های استکباری سیاست‌های شیاطین عالم و در رأس آنها شیطان بزرگ یعنی دولت آمریکا از یک طرف دیگر - پیروزی با ماست؛ پیروزی با طرف حق است. در این، هیچ تردیدی وجود ندارد. همه قرائن این را نشان می‌دهند و تأیید می‌کنند. طبیعت سنن الهی هم همین است؛ یعنی غیر از این معنی ندارد. آن گروهی که طرفدار حقند اگر بایستند و اقدام نکنند، شکی نیست که بر باطل پیروز خواهند شد. سنت‌های الهی در جهت تقویت حق است و انتظار طبیعی از جریان سنن الهی در تاریخ، اقتضاء این را دارد. ما هم داریم به تجربه‌این را مشاهده می‌کنیم. اگر امروز نشاط و حرکت اسلامی در دنیا با بیست

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۶۹/۳/۴.

۲. در دیدار با جوانان مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۹/۵/۱۲.



سال قبل مقایسه شود، ملاحظه خواهد شد که بمراتب، به اضعاف مضاعف نسبت به بیست سال قبل، این حرکت نشاط بیشتری دارد و پیشرفت بیشتری کرده. خصوصاً جمهوری اسلامی را اگر نگاه کنید - امسال را با بیست سال قبل ملاحظه کنید - می‌بینید جمهوری اسلامی در همه ابعاد پیشرفت‌های محیرالعقولی کرده است؛ از جهت علمی، از جهت فناوری، از جهت سیاسی، از جهت مدیریتی، کارآمدی بیشتری پیدا کرده است؛ قوت بیشتری پیدا کرده است؛ در سطح دنیای اسلام - در آفریقا و آسیا، حتی در کشورهایی که مسلمان‌ها در اقلیتند - هم انسان می‌بیند که این احساس هویت در میان مجموعه‌های مسلمان روز به روز بیشتر شده است.^۱

۱. در دیدار با شرکت‌کنندگان چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع) -

وظایف پیروان اهل بیت علیهم السلام

* امروز لازم است که پیروان مکتب اهل بیت، دو کار اساسی را وجهه همت خود قرار بدهند:

در مرتبه اول، با هم آشنا بشوند، همکاری و همفکری بکنند، معضلات را حل کنند، گره‌ها را باز کنند، احساس خویشاوندی نمایند و در هر نقطه‌ای از دنیا که هستند، بدانند که تعارف آنها با هم و تشکّلشان به شکل صحیح، قلب مقدس ولی عصر - ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه - را شاد می‌کند. این بزرگواران، از تفرقه و تشتت و جدایی و بغضاء^۱ متنفر بودند؛ اهل وحدت و عامل جمع و شمع انجمن بودند. امروز هم پیروان و علاقه‌مندان آنها، باید این را تأمین کنند.

۱. بغضاء: نفرت.



دوم این که مجموعه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، در هر جای دنیا که هستند، با همه وجود باور کنند که جزیی از عائله بزرگ مسلمین اند؛ نه به زبان، بلکه با همه احساس. اگر غیر از این باشد، دشمنان اسلام و اهل بیت، حداکثر خشنودی و خوشحالی را پیدا خواهند کرد.^۱

* برادران عزیز ما از پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در هر جای دنیا که هستید، این دو نکته را هرگز فراموش نکنید:

اول، تعارف و ارتباط و وصل و خبرگیری از هم و اطلاع از نظرات هم و کمک به یکدیگر. من اطلاع یافتم که شما خواسته‌اید و ایجاد یک مجمع جهانی را تصویب کرده‌اید. ان شاء الله به همت برادران، این را اقدام خواهیم کرد و امیدواریم که در خدمت اسلام و قرآن و وحدت مسلمین و پیشرفت جهان اسلام و به سمت معارف صحیح اسلامی - که متراوش از مکتب اهل بیت علیهم السلام است - این کار واقع بشود.

آن نکته دوم، همین ایجاد وحدت و مهربانی با فرق دیگر اسلامی است. نگذارید دشمن سوء استفاده کند. نگذارید دشمن به دست برادران، آنها را ضعیف کند و از بین ببرد؛ «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم»^۲ در دنیای اسلام، همه را برادر بدانید. امروز

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۶۹/۲/۴.

۲. «با یکدیگر دعوا نکنید که ضعیف می‌گردید و شوکتان از بین می‌رود»، انفال، ۴۶.



مجموعه اسلام، از سوی دشمنان مورد تهدید است. امروز از سوی قدرت‌های استکبار جهانی، اصل دین مورد فشار و تهدید است.^۱

* پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) امروز جمعیت عظیمی را در دنیا تشکیل می‌دهند، هم در قضایای مربوط به بشریت این مجموعه دارای سهم و دارای مسؤولیت‌اند، هم در قضایای مربوط به مسلمین و کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی اینها دارای نقش‌اند و دارای مسؤولیت‌اند و باید مسؤولیت خودشان را بشناسند، آن را درست ایفا کنند.^۲

* پیروان اهل بیت در اغلب نقاط دنیا مظلومند. ملت بزرگ ایران - که اکثریت قاطع آن پیروان اهل بیت هستند - یک ملت مظلوم است. مظلومیت شیعیان منحصر به آن جایی نیست که در کشور بزرگی مثلا هزار خانوار شیعه زندگی می‌کنند؛ حتی در ایران هم شیعیان مظلومند! مظلومیت، با قدرت منافاتی ندارد. ممکن است شخصی یا ملتی در کمال اقتدار هم باشد؛ اما مظلوم واقع شود.

امیر المؤمنین، مولا و مقتدای ما - علیه آلاف التحية والثناء - در نهایت اقتدار و در نهایت مظلومیت بود. آن سه جنگی که در دوران خلافت کوتاه آن بزرگوار بر او تحمیل شد، و بعد شهادت

۱. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۶۹/۳/۴.

۲. در دیدار با میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) - ۱۳۷۲/۱۱/۸.

مظلومانه‌اش، و بعد اختفاء مرقد مطهرش تا بیش از یک قرن، به معنای مظلومیت آن بزرگوار است.

ملت ایران هم مظلوم است. شیعیان در بسیاری از نقاط عالم همین طورند. علت هم این است که مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) از اول بر اساس مبارزه با تحریف و کشاندن جریان ایران اسلامی به میل قدرت‌های حاکم، حرکت کرده است. کسی که در زندگی ائمه (علیهم‌السلام) مطالعه و تفحص کند، این را به وضوح می‌یابد. در دوران سلاطین بنی امیه و بنی عباس، اهل بیت (علیهم‌السلام) مثل علّما و پرچم‌هایی بودند که راه اسلام ناب و بری از تحریف را به مردم نشان می‌دادند؛ اسلامی که قدرت‌ها نمی‌توانستند به خاطر حفظ حکومت خودشان، یا به خاطر تأمین تعیش و عیاشی‌های خودشان، به آن چیزی بیفزایند، یا چیزی از آن کم کنند. این چیزی نیست که ما بگوییم شیعه فقط روایت کند؛ در همه تواریخ اسلامی می‌شود از کسانی که به خاطر یک مقتدر و یک حاکم، به جعل حدیث می‌پرداختند و تفسیر آیات کریمه قرآن وضع می‌کردند، نمونه‌هایی پیدا کرد. ائمه در مقابل این می‌ایستادند. هر کس که در مقابل تحریف و در مقابل کشاندن مذهب به این طرف و آن طرف به میل صاحبان قدرت بایستد، مورد ستم قرار می‌گیرد. نفس این مکتب و این عقیده، این خصوصیت را دارد؛ چاره‌ای هم نیست. با این دشمنی‌ها، مجاهدت را هم نمی‌شود تعطیل کرد.



البته امروز این طور نیست که هر جا شیعه‌ای زندگی می‌کند، مشغول مبارزه است؛ نه. شیعیان هر جا که هستند، در خلال امت بزرگ اسلامی مشغول زندگی خودشان هستند؛ لیکن مکتب و تفکری که از آن انقلاب اسلامی ایران پدید می‌آید؛ جمهوری اسلامی ایران با این استقلال و ثبات سیاسی، با این عزت اسلامی به وجود می‌آید و امتی را با این شجاعت و با این قدرت تربیت می‌کند، نمی‌تواند مورد پسند مستکبران جهان باشد؛ قهراً با آن مخالفتند. این مخالفت طبعاً به صور مختلفی بروز و ظهور می‌کند؛ حرف‌هایش را تحریف می‌کنند.^۱

✽ ملت ایران فقط به دنبال تکلیف و مسؤولیت خود و در پی ادامه راه نورانی خود حرکت می‌کند و با شیاطین به مبارزه می‌پردازد و در مقابل خواست شیاطین می‌ایستد. بزرگ‌ترین مبارزه با استکبار و با شیاطین استکبار این است که انسان تسلیم خواست و تحمیل آنها نشود. امروز ملت ایران این مبارزه بزرگ را دارد و این راهی است که امام بزرگوار ما در مقابل مان باز کرد و ملت ایران از این راه پیش رفت و حرکت نمود و بحمدالله به عزت رسید؛ امروز هم همان راه را با قوت و شدت ادامه می‌دهد. شهدای بزرگی هم دادیم، جان‌های گرامی و عزیزی هم در این راه فدا شدند؛ اما ملت ایران

۱. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

سرافرازی خود را در این می‌داند که این راه را ادامه دهد و ان شاء الله ادامه هم خواهد داد و پیروزی و نصرت هم بنا به وعده الهی با کسانی است که در راه خدا پیش می‌روند و حرکت و مجاهدت می‌کنند.^۱

* زندگی اهل بیت، زندگی تلاش و مجاهدت است و همین تلاش‌هاست که اسلام را تا امروز حفظ کرده. تلاش یک مجموعه می‌تواند قرن‌های متمادی یک فکر را، یک مکتب را، در دنیا زنده نگهدارد و جوانه‌های نو به نوبه نو او را در همه فصول در اختیار عالم بشریت قرار بدهد، این بسیار کار بزرگی است.^۲

* ما اگر بر محور نام مبارک اهل بیت اجتماع می‌کنیم، برای این نیست که دیواری دور خودمان بکشیم تا ما را از بقیه مسلمین جدا کند، بلکه بعکس، برای این است که افق‌های جدیدی را در مقابل چشم متفکران اسلامی باز کنیم؛ پنجره‌های جدید را بگشاییم تا حقایق جدیدی را ببینند. این، رسالت و مسئولیت ماست.

در درجه اول طبعاً خود پیروان اهل بیت باید اقرار و اعتراف به این هویت والا بکنند و خودشان این گوهر گرانبهایی را که در دستشان هست، بشناسند تا بعد بتوانند آن را عرضه کنند؛ این جرأت را پیدا

۱. در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

۲. در دیدار با جوانان مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۷۹/۵/۱۲.



کنند که در بازار متاع‌های گوناگون، این گوهر گرانبها را در معرض قرار بدهند؛ در برابر چشم دیگران قرار بدهند.^۱

* باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم، مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه‌های مختلف، وظیفه ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه سیاسی هم جهاد هست، در صحنه فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه جهادند. در هر جای دنیا که هستیم، ارتباطات بین برادران روزبه‌روز مستحکم‌تر شود، کار آنها مترکم‌تر، اولویت‌های آنها روشن‌تر و نیروها بیشتر مصروف اولویت‌ها بشود. مطمئناً چشم‌انداز فردای جامعه مسلمین به طور عام و پیروان اهل بیت به طور خاص، از امروزشان بهتر خواهد بود و ان شاء الله به اهداف و آرمان‌های والا نزدیک‌تر خواهند بود.^۲

۱. در دیدار با اعضای چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۸۶/۵/۲۸.

۲. در دیدار با اعضای چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - ۱۳۸۶/۵/۲۸.

فهرست نمایه‌ها

فهرست آیات

- إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب، ۳۳)، ۲۰۰
- فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ (هود، ۱۱۲)، ۱۱۷
- وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحَكُمْ (انفال، ۴۶)، ۲۲۴
- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء، ۵۹)، ۱۳۵

فهرست روایات

- اشهد انك قد اقامت الصلوة وآتيت الزكوة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في الله حق جهاده (مفاتيح الجنان، زیارت وارث)، ۱۴۲
- أَقْضَاكُمْ عَلَى (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۹۳)، ۶۵
- التقيّة ترس المؤمن (وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۴۶۱ حديث ۶)، ۱۸۷
- الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنَ امامان قاما او قَعَدَا (الفصول المختارة، ص ۳۰۳)، ۱۱۴
- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَاهْلِ بَيْتِهِ (اقبال، ۴۶۴)، ۶۳
- اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافَى عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْأَنَابَةَ إِلَى دَارِ السُّرُورِ وَالْإِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفُتُورِ (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۶۳)، ۱۲۵
- الْهَيِّ ... صَبِرْتَ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ اصْبِرْ عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبِرْتَ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ اصْبِرْ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كِرَامَتِكَ، ام كيف اسكن في النار و رجائي عفوك (مفاتيح الجنان، دعای کمیل)، ۱۹۵
- الْهَيِّ فَسِرْنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ (مفاتيح الجنان، مناجات شعبانیه)، ۱۹۴
- الْهَيِّ هَبْ لِي قَلْبًا يَدِينُهُ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صَدَقَهُ وَ نَظْرًا يَقْرِبُهُ مِنْكَ حَقَّهُ (مفاتيح الجنان، مناجات شعبانیه)، ۱۹۵
- الْهَيِّ هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْزِلْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا إِلَيْكَ (مفاتيح الجنان، مناجات شعبانیه)، ۱۹۴

- الہی و سیدی و مولای و ربی صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ
(مفاتیح الجنان، دعای کمیل)، ۴۳

- انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللہ و عترتی (بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸)، ۲۶، ۲۷، ۲۰۰

- بمولاتکم تمت الکلمة و عظمت النعمة و اختلفت الفرقة (مفاتیح الجنان، زیارت جامعہ کبیرہ)، ۲۰۳

- شیعة علی ہم الفائزون (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۷۵)، ۱۴۶
- ضَرْبَةٌ عَلَيَّ يَوْمَ الْخُنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ (ینایع المودہ، ص ۱۳۷، باب ۴۴، ۴۶)

- طلب العلم فريضة على كل مسلم (محاسن برقي، ج ۱، ص ۲۲۶)، ۷۵
- فان الناس لو علموا محاسن كلامنا ... (وسائل الشيعة، ج ۱۸، ص ۶۶)، ۱۶۷
- فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ (فروغ و لايت، ص ۷۷۷)، ۶۳، ۱۱۰
- قطع ظهري اثنان، عالم متهتك و جاهل متنسك هذا يصد الناس عن علمه بتهتكه
و هذا يصد الناس عن نسكه بجهله (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۸)، ۶۸
- كمال انقطاع اليك (مفاتيح الجنان، مناجات شعبانيه)، ۸۹
- لَا تَبَالِي بِالْمَوْتِ (اللهوف: ۲۶)، ۱۰۵
- مثل اهل بيتي كمثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تركها غرق (خصال، صدوق، ص ۵۷۳)، ۲۰۰

- معروفين بتصديقنا اياكم (مفاتيح الجنان، زیارت جامعہ کبیرہ)، ۲۰۱
- من أراد الله بدء بكم (مفاتيح الجنان، زیارت جامعہ کبیرہ)، ۷۷
- من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهواه، مطيعاً لأمر مولاه،
فللعوام أن يقلدوه (وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۱۳۲)، ۲۵
- وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ، وَالْأُخْرَى
الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَرِعُ حَجْلَهَا وَ قُلْبَهَا وَ قَلَانْدَهَا وَ رُعْنَهَا، مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتَرْجَاعِ
وَ الْأَسْتَرْحَامِ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافَرَيْنَ مَانَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كُلُّهُمْ، وَلَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمٌ، فَلَوْ
أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا (نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۷۵)، ۳۱

- ولم نزل اهل البيت مظلومين (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۶۳)، ۱۶۳



فهرست اعلام

۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۵،

۱۴۶، ۱۷۳، ۱۸۵، ۱۸۹،

۲۰۰، ۲۰۱

پیامبر بزرگ اسلام ← پیامبر

اکرم

پیامبر عظیم الشان ← پیامبر

اکرم

پیغمبر ← پیامبر اکرم

پیغمبر اسلام ← پیامبر اکرم

پیغمبر اکرم ← پیامبر اکرم

حضرت رسول ← پیامبر اکرم

حضرت محمد مصطفی ←

پیامبر اکرم

رسول اکرم ← پیامبر اکرم

رسول الله ← پیامبر اکرم

رسول خدا ← پیامبر اکرم

نبی اکرم ← پیامبر اکرم

معصومان

پیامبر ← پیامبر اکرم

پیامبر اسلام ← پیامبر اکرم

پیامبر اعظم ← پیامبر اکرم

پیامبر اکرم ۷، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸،

۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴،

۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۹،

۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۵۵،

۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲،

۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱،

۷۲، ۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۴،

۸۸، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷،

۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴،

۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸،

۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳،

۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸،

۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴،



امام حسن مجتبیٰ ۶۲، ۷۳، ۷۷، ۱۶۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۷۸ ابی عبدالله ← امام حسین امام حسین ۲۱، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۱۳	امام علی ۲۰، ۲۱، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۹۵، ۲۲۳
حسین بن علی ← امام حسین سید الشهداء ← امام حسین امام سجاد ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۹۴	امیرالمؤمنین ← امام علی حضرت امیر ← امام علی حضرت علی ← امام علی علی بن ابی طالب ← امام علی حضرت زهرا ← حضرت فاطمه
حضرت سجاد ← امام سجاد امام باقر ۸۹، ۹۰، ۱۹۴ امام صادق ۲۵، ۶۸، ۷۵، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۱۴۱، ۱۹۴، ۱۹۵	حضرت فاطمه ۶۲، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۹۸، ۱۰۲، ۱۲۹ زهرا ی مرضیه ← حضرت فاطمه
جعفر بن محمد صادق ← امام صادق حضرت صادق ← امام صادق امام کاظم ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، موسی بن جعفر ← امام کاظم	صدیقہ طاهرہ ← حضرت فاطمه فاطمه ← حضرت فاطمه فاطمه زهرا ← حضرت فاطمه امام حسن ← امام حسن مجتبیٰ



دیگران

ابن ادريس ۱۸۲
 ابوجهل ۱۱۶
 ابوسفیان ۱۱۶، ۱۹، ۱۷
 ابولهب ۱۱۶
 ابی حمزه ثمالی ۱۹۴
 اختری ۱۰
 اصحاب صفه ۲۴
 الشریف المرتضی ۲۳۲، ۱۱۳
 امام ← امام خمینی
 امام امت ← امام خمینی
 امام بزرگوار ← امام خمینی
 امام خمینی... ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳،
 ۸۳، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۷۲، ۲۰۳،
 ۲۲۵، ۲۲۵
 آمریکا ۱۹۷
 اموی ← بنی‌امیه
 آیت‌الله العظمی خامنه‌ای... ۳، ۸،
 ۹، ۱۴۹
 برقی ۷۵
 بنی العباس ← بنی عباس
 بنی امیه... ۶۲، ۷۳، ۸۰، ۸۳، ۸۴،
 ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۱، ۲۲۴
 بنی عباس... ۸۴، ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۱،
 ۲۲۴
 پهلوی ۱۴۳
 ترمذی ۲۰۰، ۲۶

امام رضا. ۹۴، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹،
 ۱۶۷
 امام ثامن ← امام رضا
 حضرت رضا ← امام رضا
 امام یازدهم ۸۴
 امام دوازدهم ← امام مهدی
 امام عصر ← امام مهدی
 امام مهدی ۷، ۲۵، ۴۸، ۹۴، ۹۵،
 ۹۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۶۰، ۱۶۲،
 ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۲۱
 بقیه الله ← امام مهدی
 حضرت صاحب ← امام مهدی
 حضرت مهدی ← امام مهدی
 صاحب الزمان ← امام مهدی
 ولی الله الاعظم ← امام
 مهدی
 ولی عصر ← امام مهدی
 زینب..... ۳۵، ۸۷، ۸۸، ۹۹، ۱۰۱
 حضرت علی اکبر (علی بن
 الحسین) ۱۰۵
 ابراهیم ۱۳۴، ۱۳۷
 حضرت عیسی ۱۸
 حضرت موسی... ۱۸، ۱۳۴، ۱۳۷
 موسی بن عمران ← حضرت
 موسی
 جبرئیل ۷۱، ۷۵



- حاج شیخ عبدالکریم | حائری | ۸۷
 حاکم نیشابوری ۲۰۰، ۴۴
 حر عاملی، ۲۵، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۲
 حنفی ۱۴۱
 زید ۱۰۴
 سید شرف الدین ۲۱۳
 سید علیرضا حسینی عارف، ۴
 ۱۰
 سعید مهدیان ۱۰
 شافعی ۱۴۱
 روح الله شهاب ۴
 شیخ جعفر کاشف الغطاء ۲۱۲
 شیخ طوسی ۱۸۸
 شیطان ۲۱۸، ۱۰۰
 شیطان بزرگ ← آمریکا
 صدوق ۲۳۳، ۲۰۰
 طباطبائی ۲۱۰
 طبرسی ۲۵
 عباسی ← بنی عباس
 علیرضا مقدم دیمه ۴
 عمار یاسر ۵۵
 فرعون ۱۳۷
 قاجار ۹۳
 قاسم بغدادی ۴
 قاضی نعمان مغربی ۱۴۶، ۶۵
 ۲۳۳، ۲۳۲
 قاضی نورالله ۲۰۰
 قنبر ۳۷
 قنبر بن حمدان ← قنبر
 قنبر بن کادان ← قنبر
 کسروی ۱۲۵
 کلینی ۶۹
 مالک اشتر ۱۳۳، ۶۶
 مجلسی ۲۶، ۶۸، ۱۶۳، ۲۰۰
 ۲۳۴، ۲۳۳
 محقق [حلی] ۱۸۸
 محمدعلی شاه آبادی ۱۲۹
 محمدعلی مصلحی عراقی ۴
 محمود قندوزی ۴۴
 محمود کریمی ۴
 مطهری ۲۱۰
 معاویه ۳۱، ۳۵، ۵۲، ۵۳، ۵۴
 ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳
 ۱۰۲، ۱۰۳
 میشل عفلق ۴۸
 هارون الرشید ۱۰۳
 یزید [بن معاویه] ۷۷، ۷۸، ۷۹
 ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۸، ۱۰۳، ۱۲۰

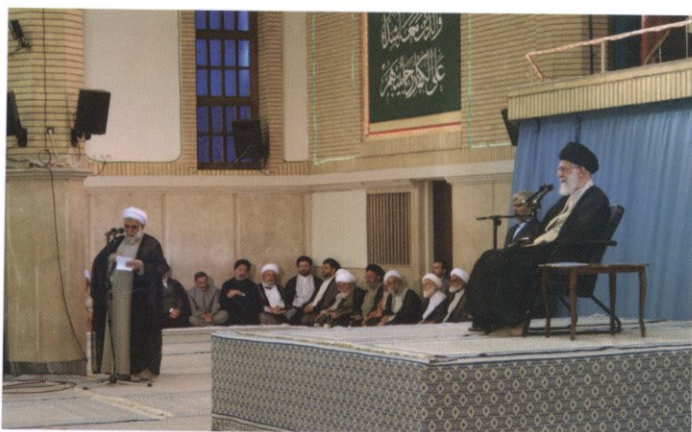


فهرست اماکن

- ۲۰۶..... بوسنی و هرزگوین
 ۱۱۷..... بیت الله الحرام
 ۱۸۸..... تهران
 ۱۲۰، ۱۸..... جزیره العرب
 حجاز ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۳۴، ۳۷، ۳۹، ۵۵
 ۱۸۱..... خاورمیانه
 ۴۰..... خیبر
 ۲۳..... روم
 ۵۶، ۳۹..... سوریه
 ۱۱۶..... شعب ابیطالب
 ۲۳..... صفه
 ۵۵، ۴۲..... صفین
 ۱۹، ۱۷..... طائف
 طایف ← طائف
 عراق..... ۳۴، ۳۷، ۳۹، ۴۸، ۵۶
 عربستان سعودی..... ۵۶
 ۲۰۴..... آذربایجان شوروی
 ۳۴..... اردن
 ۱۱۹، ۳۹..... اروپا
 ۱۷۹، ۱۴۳، ۱۴۰..... اسرائیل
 ۲۱۹، ۲۰۷..... آسیا
 ۲۱۴..... اصفهان
 ۲۱۹، ۲۰۷، ۱۴۳، ۵۵..... آفریقا
 ۲۰۶، ۱۴۳..... افغانستان
 آمریکا..... ۱۰۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۹۸، ۱۹۷، ۲۱۸، ۲۱۷
 ۱۷۹..... انگلیس
 ایران..... ۲۳، ۳۴، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۵۵، ۵۶، ۷۸، ۹۲، ۹۳، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵

مسجد کوفه..... ۱۳۴	فلسطين ۱۴۳، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۰۶،
مشهد..... ۲۱۴، ۲۱۲	۲۱۸، ۲۱۷
مصر..... ۵۶، ۳۹، ۳۷، ۳۴	قم ۸۳، ۸۷، ۲۱۴
مکه ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۱۱۷	کربلا..... ۵۳، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۹۱،
منا..... ۹۰، ۸۹	۱۳۱، ۱۳۴
نجف..... ۸۴	کشمير..... ۲۰۴، ۲۰۶
نهر وان..... ۴۳، ۴۲	لبنان..... ۱۴۳، ۲۰۶
یمامه..... ۵۶	مدینه..... ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۶، ۱۱۷
يمن..... ۳۷، ۳۹	مسجد اعظم..... ۲۳
	مسجد پیغمبر اکرم..... ۲۳

مقام معظم رهبری در دیدار با
اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) :
من صادقانه عرض می‌کنم که اگر وقت داشتم
در مجموعه شما عضو می‌شدم و کار می‌کردم...
کار برای اهل بیت شیرین‌ترین کارهاست.
مهر ۱۳۷۰



گزارش دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت (ع)
در دیدار اعضای مجمع عمومی با مقام معظم رهبری
مرداد ۱۳۸۶



مؤسسه فرهنگی هنری
ابناء الرسول (ص)
شماره ثبت: ۲۷۲۳۳